

# تفریح نامه

طرح های مشتوک  
بیژن اسدی پور و پرویز شاپور





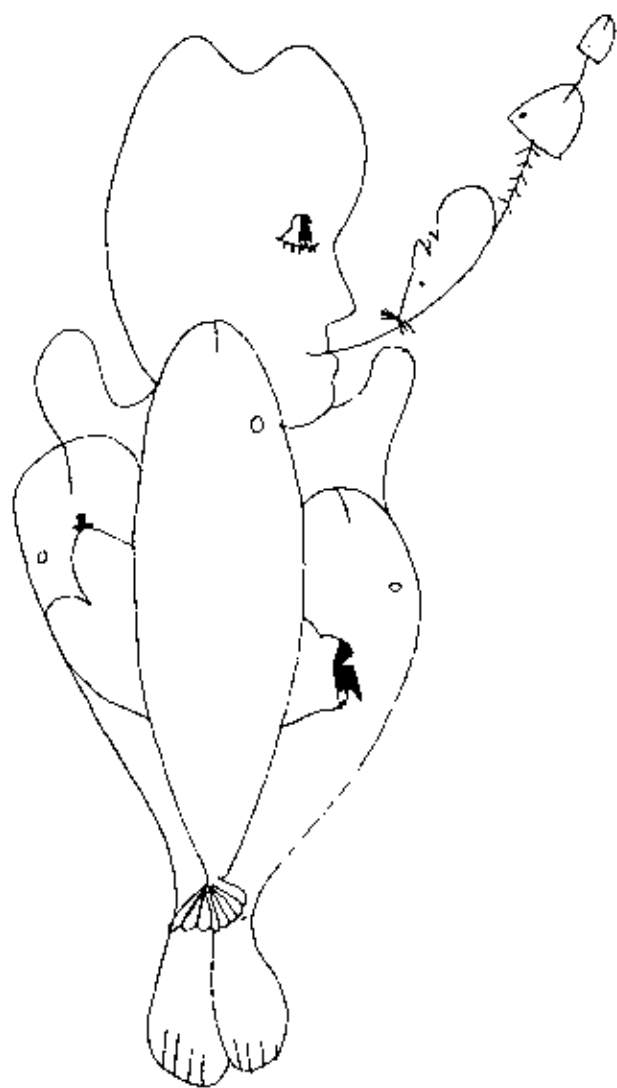
آثار و فرآورید

# Entertainment Book

A Joint Sketch By  
Bidjan Assadipour & Parviz Shapour



۱۲۵ ریال



تفریح نامہ



اشارات مروارید



عکس از رسول محبوب نژاد



## انتشارات مروارید

تفريح نامه

بیژن اسدی پور و پرویز شاپور

چاپ اول فروردین ۲۵۳۵ در چاپخانه کتیبه

ناشر انتشارات مروارید

خیابان شاهرضا ، روبروی دانشگاه تهران.

# تفریح نامه

طرح های مشترك بیژن اسدی پور و پرویز شاپور

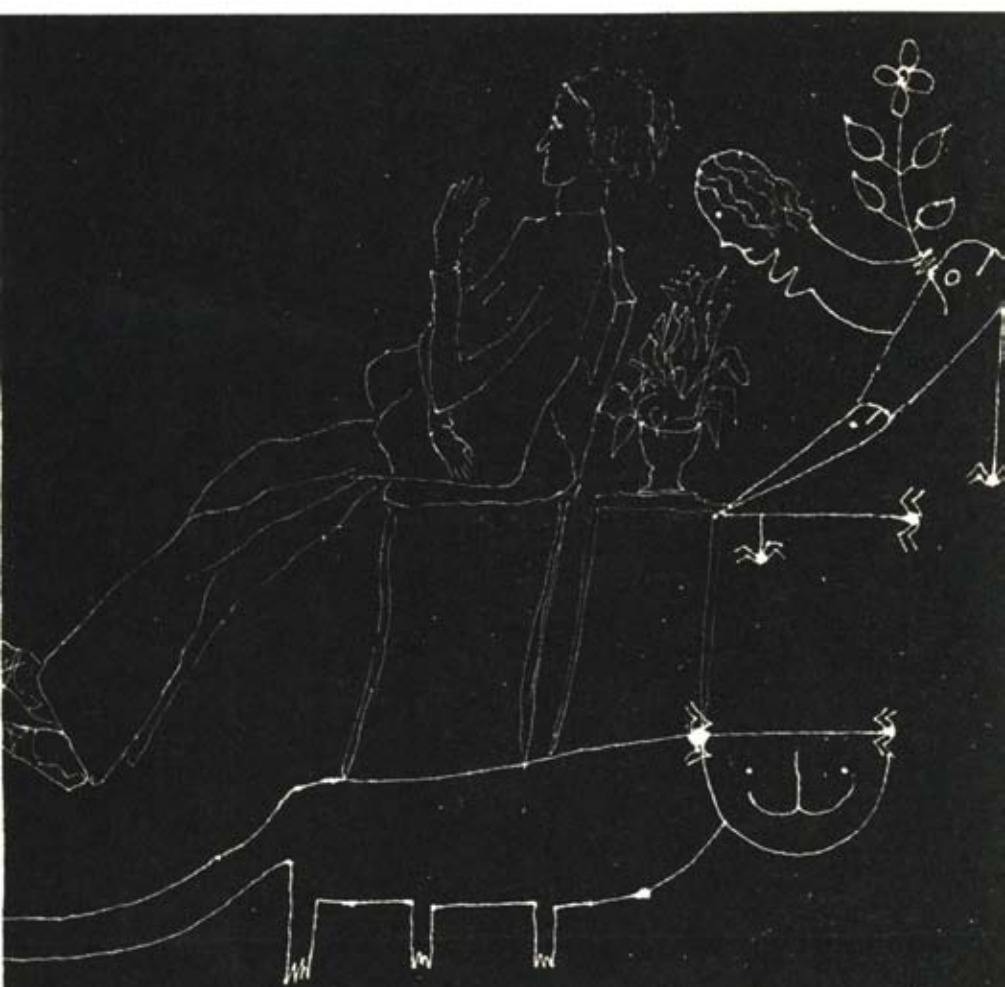






برای  
وندی و اردشیر محمص







# امیدوارم

## «زن‌های چادری» من

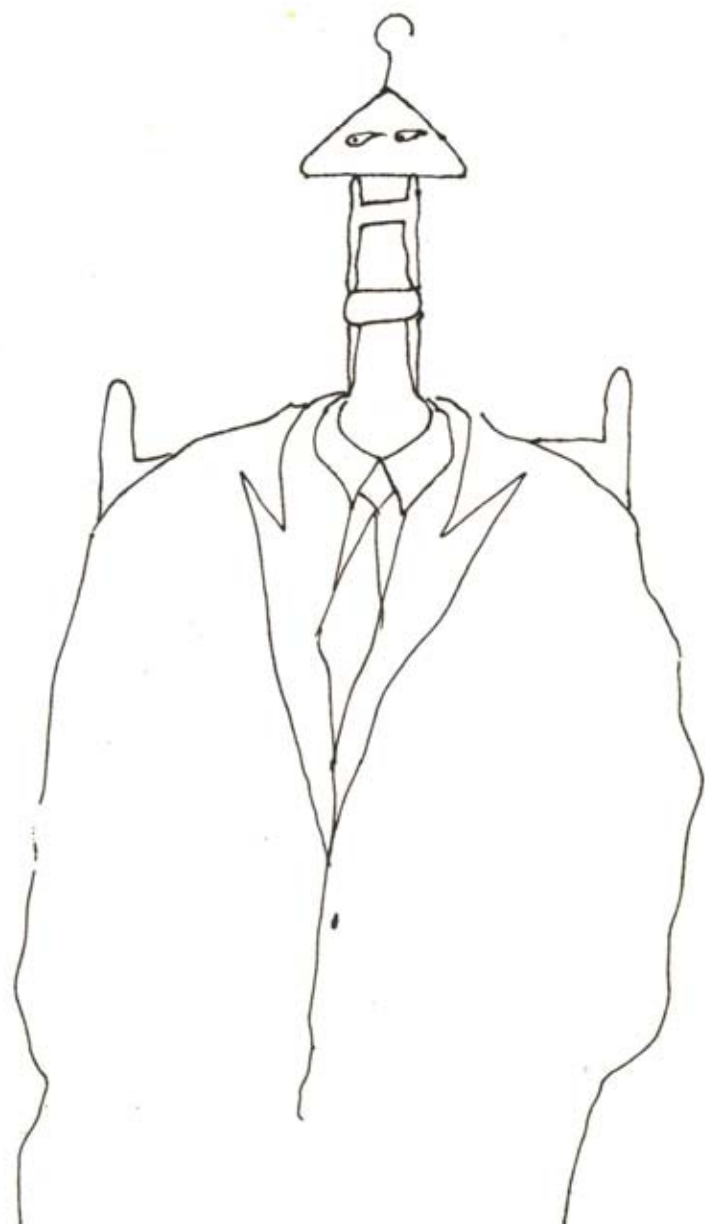
### جهان را فتح کنند

بیژن اسدی‌پور در ۱۳۲۵ در  
بندرپهلوی (آبکنار) دنیا  
آمده و دانشکده اقتصاد دانشگاه  
تهران را به پایان برده است  
و فعلاً مدیریت مجله تحقیقات  
اقتصادی دانشگاه را به‌عهده  
دارد. از سال ۴۸ کاریکاتور  
را بطور جدی شروع کرده و  
در سال ۱۳۴۵ در توفیق  
بکار مشغول شده و با کیهان،  
کیهان‌سال، اطلاعات، نگین و  
فردوسی همکاری داشته است.

انسان اسدی پور الگوی  
انسان متوسط عصر ماست که  
در محاصرهٔ «چیزها» رفته -  
رفته تحلیل می‌رود و خود به  
شکل «چیز» تازه‌ای در کنار  
این انبوه درهم و بی شکل  
«چیزها» در می‌آید .  
با او گفتگوئی داریم :

اصولا طنزکاری خود را  
در چه نوع برداشتهایی  
بکار می‌گیرید ؟  
من صندلی، زن‌های چادری،







آدم‌های اداری . . . را خیلی  
دوست دارم . بواسطه موقعیت  
کاریم تمایل زیادی به کشیدن  
( آدمهای اداره ) دارم . از این  
که دنبال نامه‌ها می‌روند و  
موقع گرفتن اضافه کار  
فعالیت میکنند خیلی خوشم  
می‌آید . . . بهر صورت ؛ چون  
بیشتر در میان اینها زندگی  
میکنم ، ذهنم را اشغال  
میکنند .



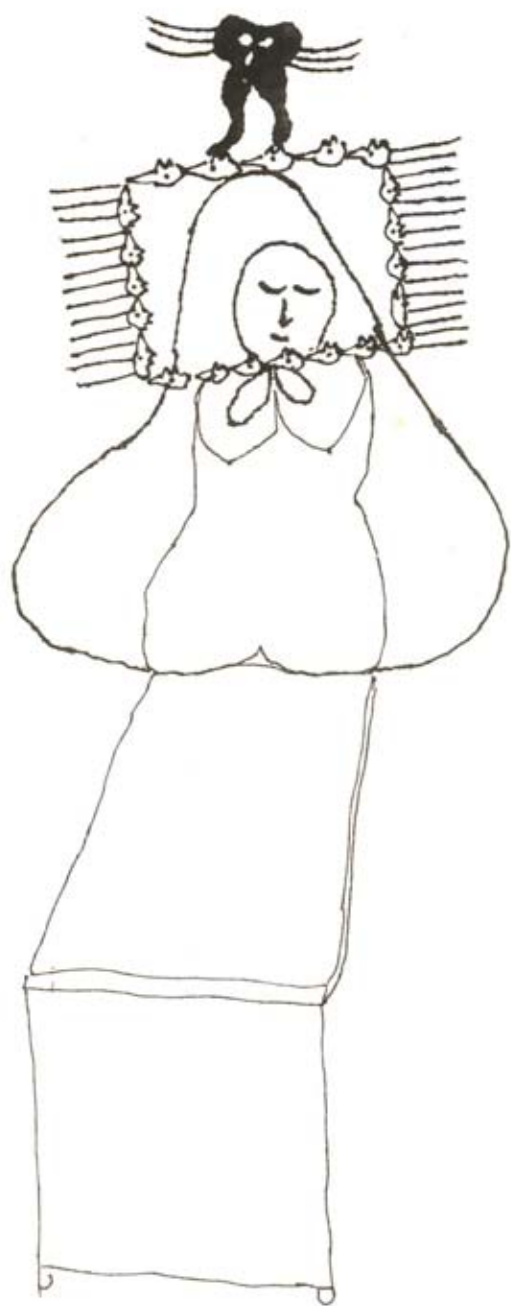
در کاریکاتورهای شما  
اغلب تلفیق دو انسان ،  
یا چند انسان دیده میشود .  
این بیا نگرچه چیز میتواند  
باشد ؟

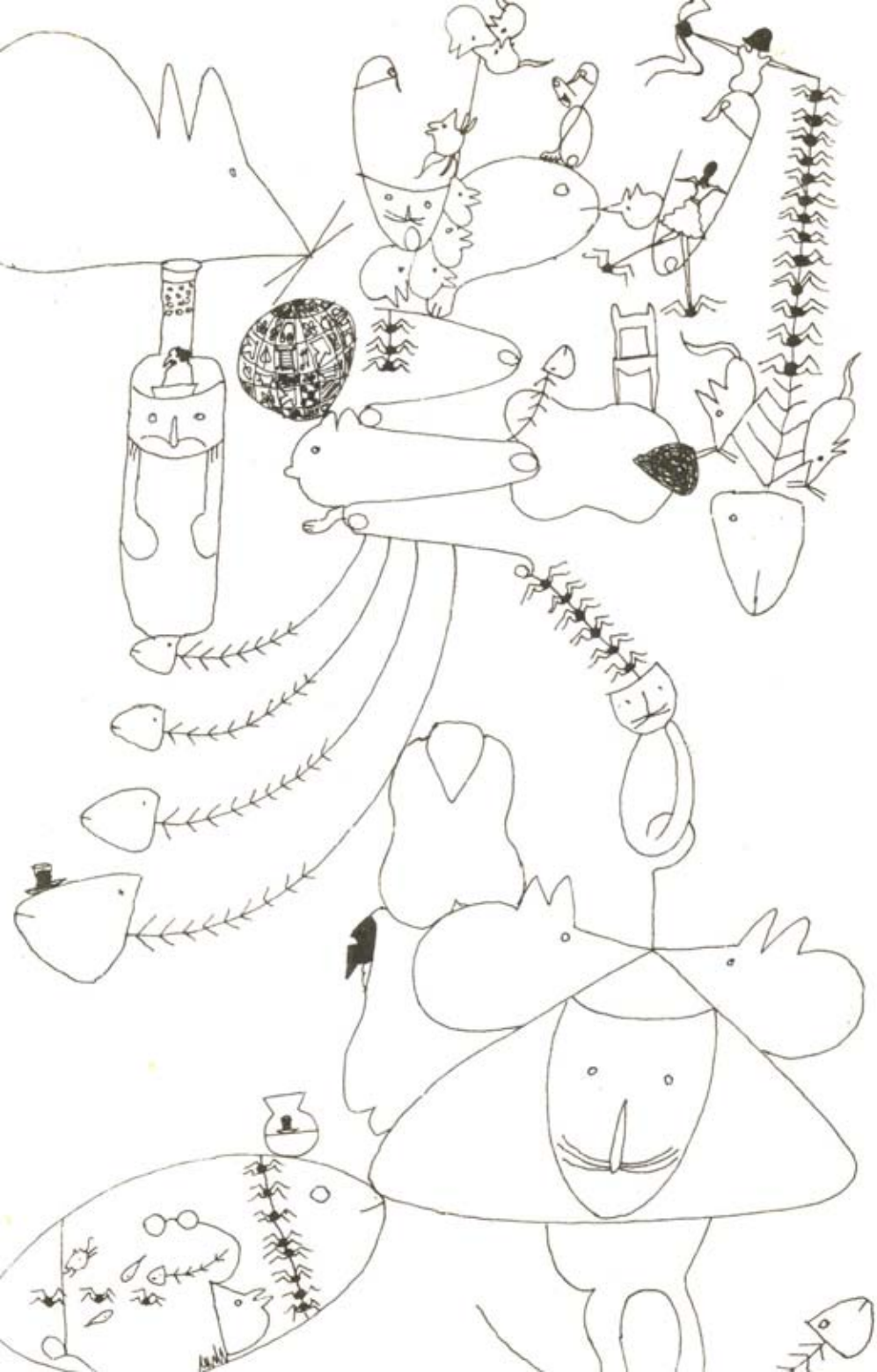
این آدمهایی را که عرض  
کردم، فقط پهلوئی هم قرار  
میدهم، در حال حرکت یا  
سکون. باز یکی از مسائلی  
که خیلی مورد علاقه منست،  
این حالتهاست. وقتی می بینم  
میتوانم طرحها را بدوانم خیلی  
از خودم متشکر میشوم.



همینطور یکی شدن  
انسان با « اشیاء » مثلا  
صندلی ...

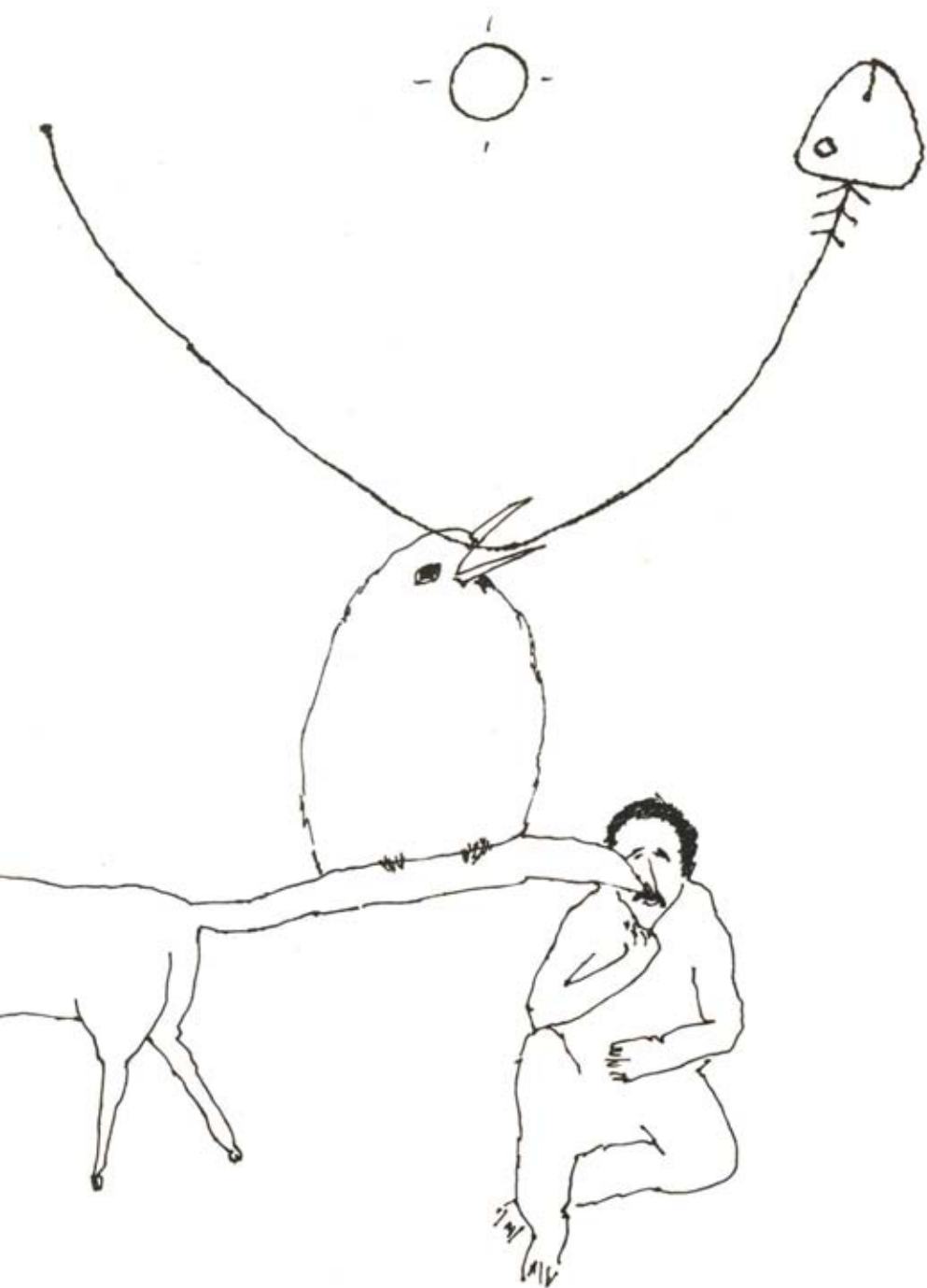
تلفیق انسان و شیئی،  
فعالیت روی زمینه ناممکن  
است. مثلا طرحی هست که  
شخصی پالتو به دست گرفته  
و بجای اینکه خودش پاداشته  
باشد؛ پالتویش پادارد. این  
همانطور که گفتیم به واسطه  
وضعیت اداری منست و  
چیزهایی که بیشتر با آنها  
دمخور هستم.





تساکید شما روی این  
زمینه نبوده که انسان  
تدریجاً، تبدیل به شیئی  
میشود؟  
بله، حالا که شما میگوئید،  
قضیه دست خودم هم می آید.

در نهایت موضوع های  
انتخابی شما، بازگوینده  
چه چیزهائی است؟  
مثلاً ما شین را ساخته اند که





در خدمت انسان باشد ولی  
در حال حاضر این انسانست که  
در خدمت ماشین درآمده است؛  
من فقط يك چنين زمينه‌هایی را  
تعميم مي‌دهم.

کارهای بعدی دارید؟  
بله کتاب (ملانصرالدین)  
را مصور کرده‌ام که تا هفته  
آینده از زیر چاپ بیرون  
می‌آید. حالا مشغول تصویر  
کردن کتاب کلتوم‌ننه هستم.  
اصولا به تصویر کشاندن  
کتاب‌های قدیمی را دوست  
دارم.



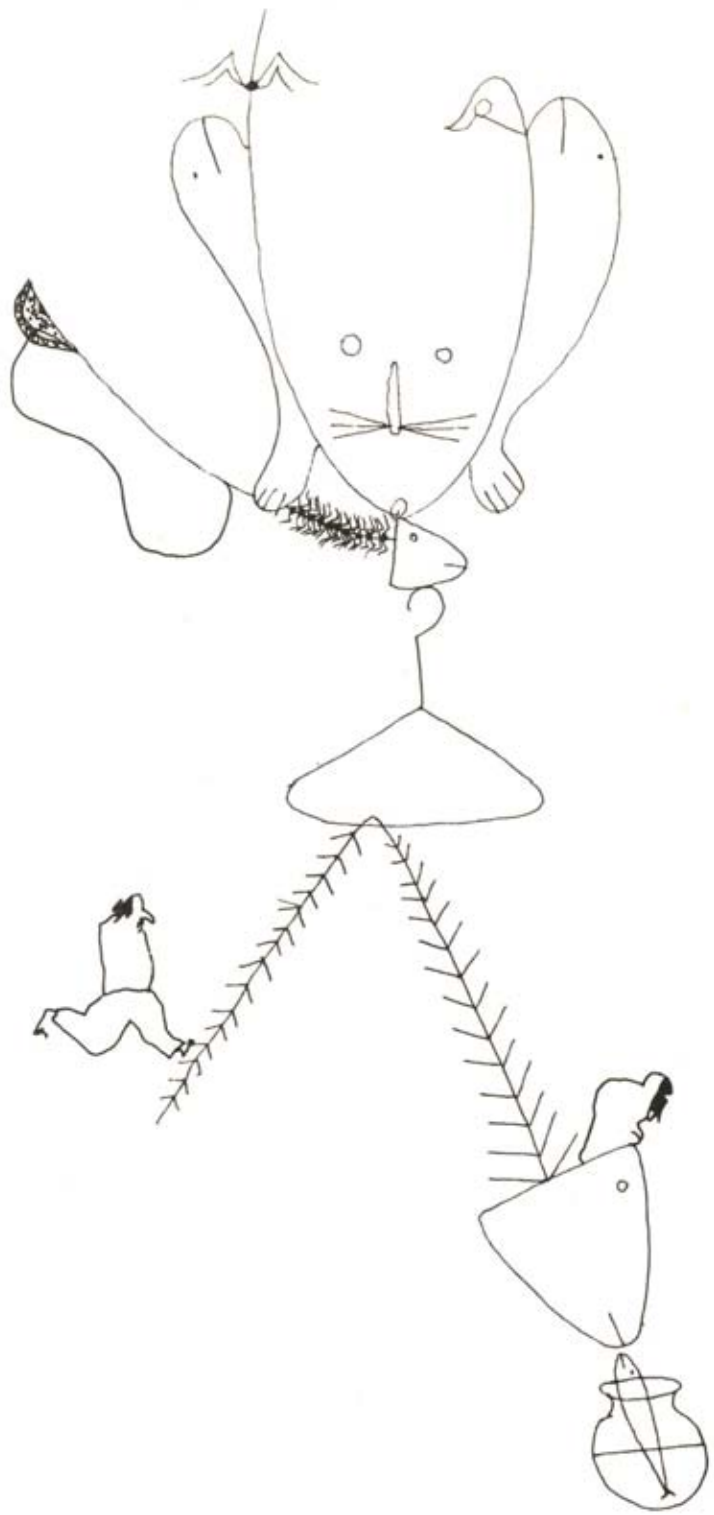
چه کارهایی کرده‌اید؟..  
از چهره‌ها کشیده‌ام، زن‌های  
چادری و خانمها و مسائلی که  
در اداره می‌گذرد. به کشیدن  
روی جلد کتابها هم علاقه  
فراوان دارم روی جلد کتاب  
۸۱۴۹۰ را کشیده‌ام و آخرین  
کارم روی جلد «هنر عشق  
ورزیدن» است.

---

۲۴ تفریح نامه



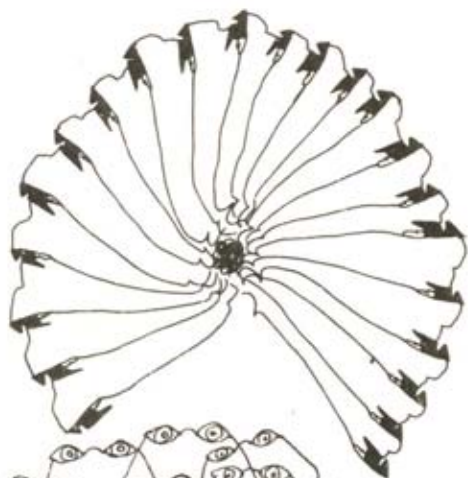
وضع فعلی کاریکاتور را  
در ایران چگونه می بینید؟  
- با تجربه مختصری که دارم  
نسبت به کارهای خودم خیلی  
امیدوارم. در مورد دیگران  
حرفی ندارم بگویم؛ چون  
چیزی بنظرم نمیرسد. از نظر  
سلیقه خودم باید خدمتتان  
عرض کنم که بیشتر کارهای  
آقای شاپور و محمص را  
دوست دارم.



برای آینده چه تصمیمی  
دارید؟

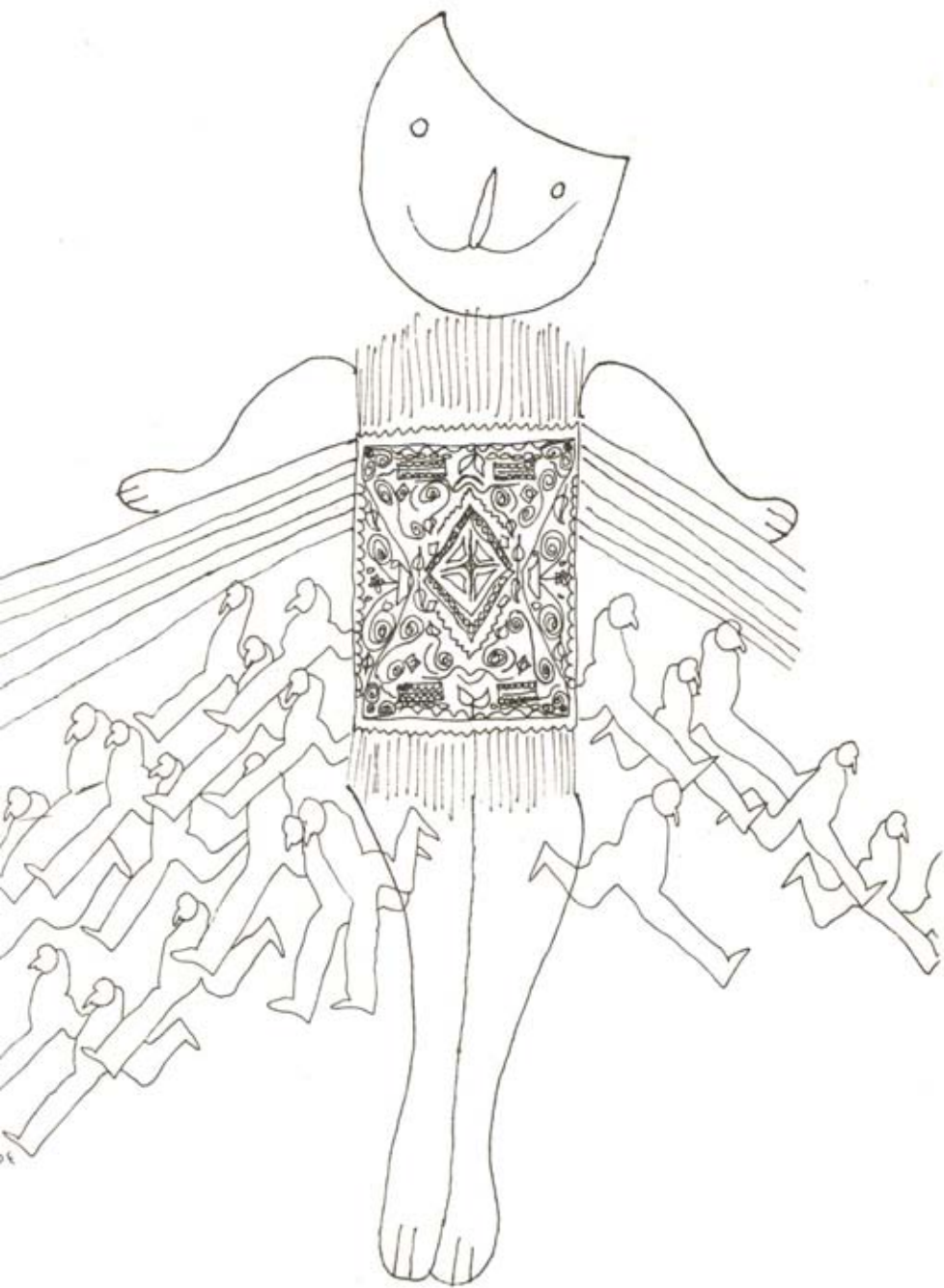
عرض کردم که به کارهای  
خودم خیلی امیدوارم ...  
از چه جنبه؟  
فکر میکنم بتوانم به پله‌های  
بالاتری برسم .

پله‌های بالا مثلاً کجاست؟  
... در کادر بین‌المللی ...  
خیلی دوست دارم زنهای  
چادری من جهان را فتح کنند.

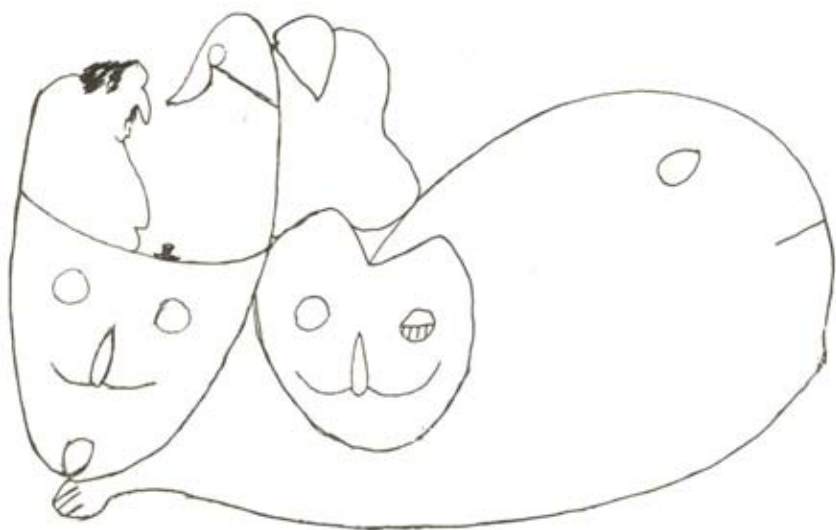


# کاریکاتور ، شیطان‌ترین هنرهاست

پرویزشاپور در اسفند ۱۳۰۲  
به دنیا آمده ، لیسانسیه  
اقتصاد از دانشگاه تهران و  
کارمند عالیرتبه وزارت  
دارایی است که اخیراً به  
افتخار بازنشستگی نایل  
آمده است . نوشته‌های  
کوتاه طنزآمیزش که  
(کاریکلماتور) نامیده میشود  
بسیار مشهورند. اما طرحهای  
زیبایش در زیر حجاب موفقیت.  
نوشته‌هایش پنهان مانده  
است.

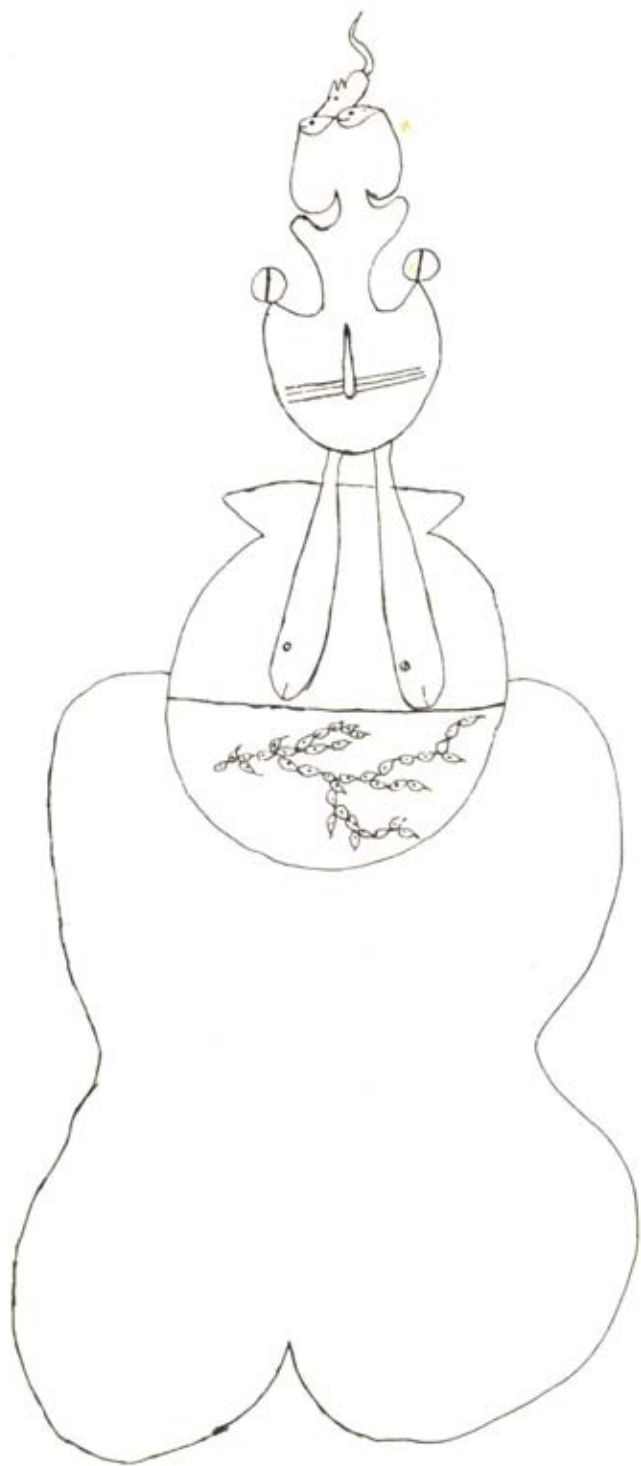


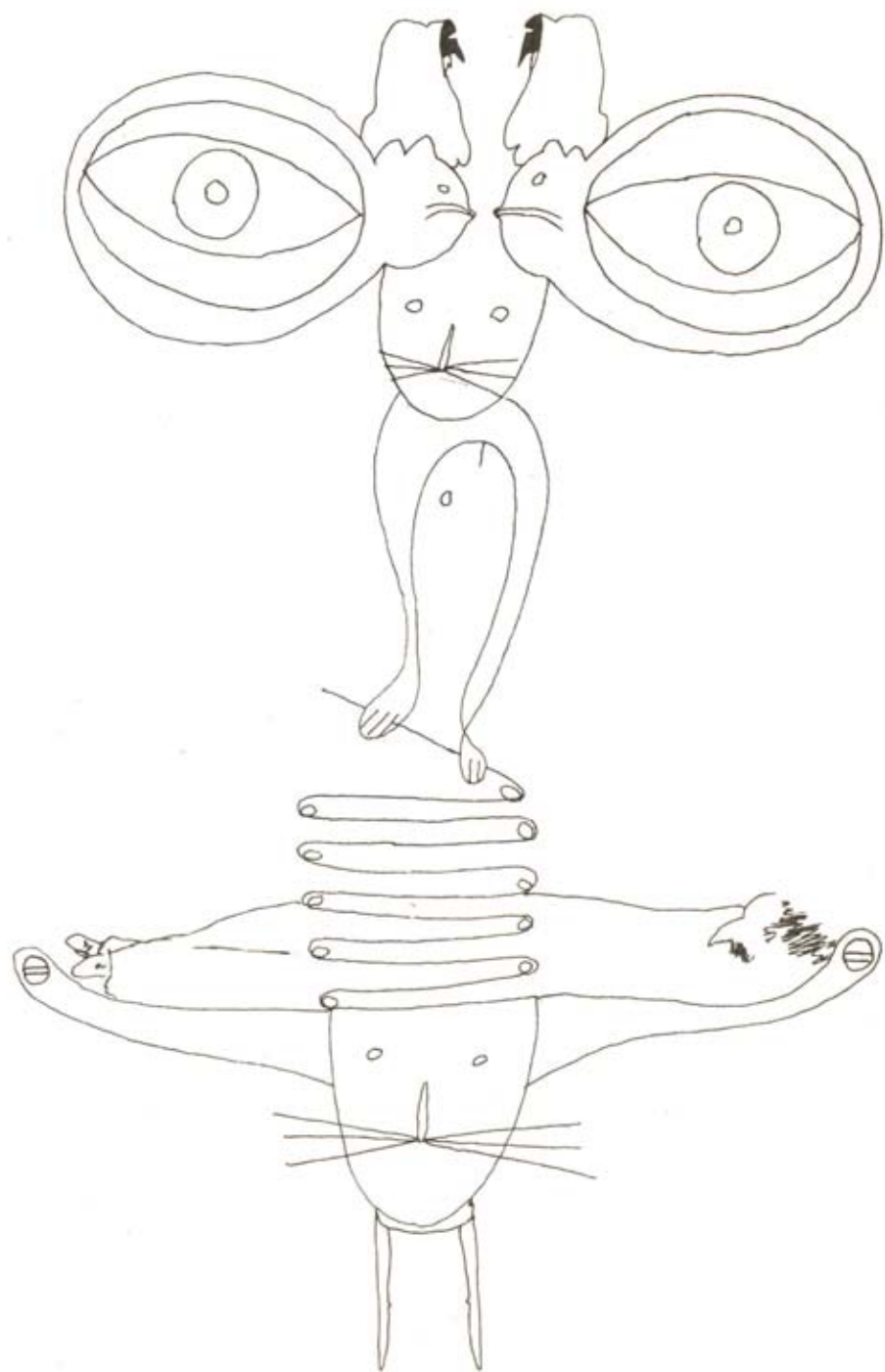




از پرویز شاپور دو کتاب  
بچاپ رسیده (کاریکلماتور)  
در سال ۱۳۵۰ و (موش و گربه)  
در سال ۱۳۵۲. نمایشگاهی نیز  
از آثار طراحی او در گالری  
زروان در سال ۵۴ برپا شده









است .

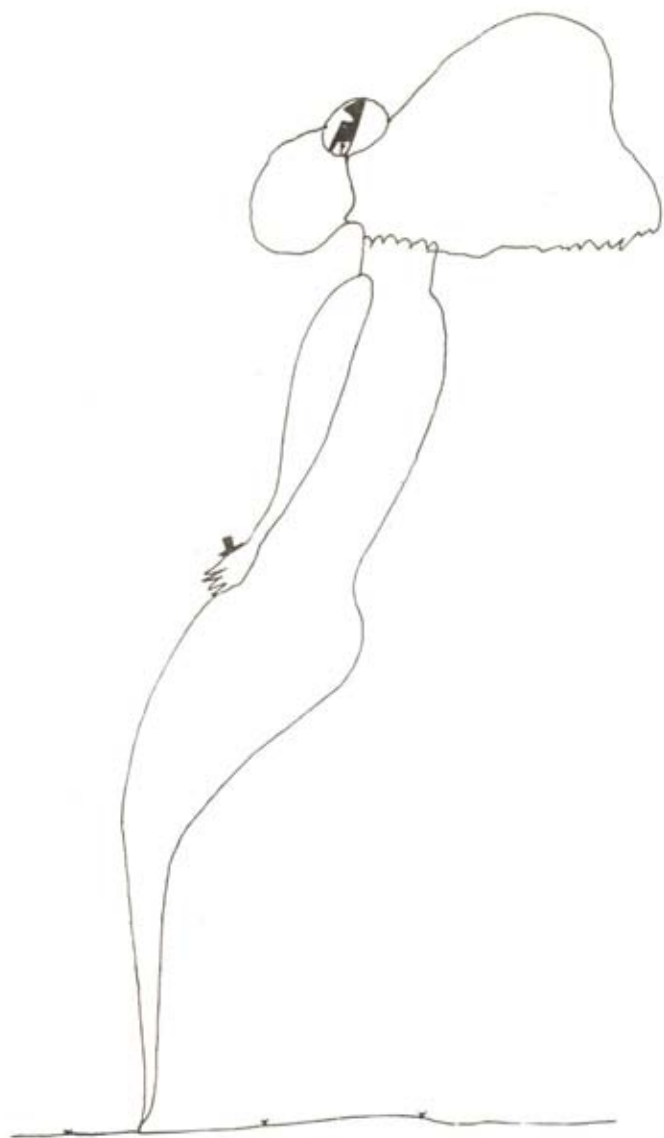
شاپور در نهایت، از بازی -  
هایی که در پشت درهای بسته  
خانه‌های ما و در کوچه و  
خیابانها با جوهر و مفهومی  
یگانه اما در اشکالی بینهایت  
نسل اندر نسل در جریان و  
تکرارست، حرف میزند :

طنز شما در موش و گربه،  
تیپی ست که نمیشود  
تعیین کرد کجا جدی -  
ست و کجا شوخی، چرا؟!  
فکر میکنم لطف موضوع  
همین جاست . من بطور کلی  
وقتی هم حرف میزنم، معلوم  
نیست کجا پیش جدیست و  
کجا پیش شوخی . بطور کلی  
گاهی پیش می‌آید که وقتی  
دارم با مادرم جدی حرف

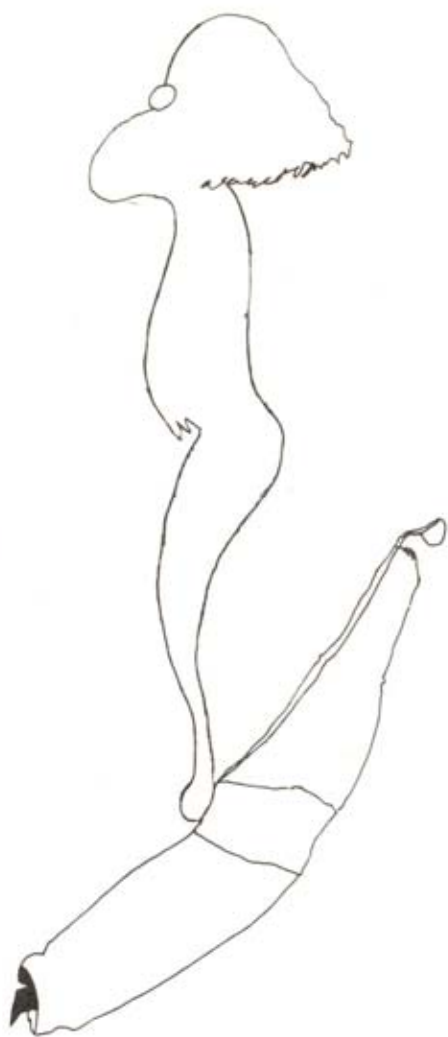


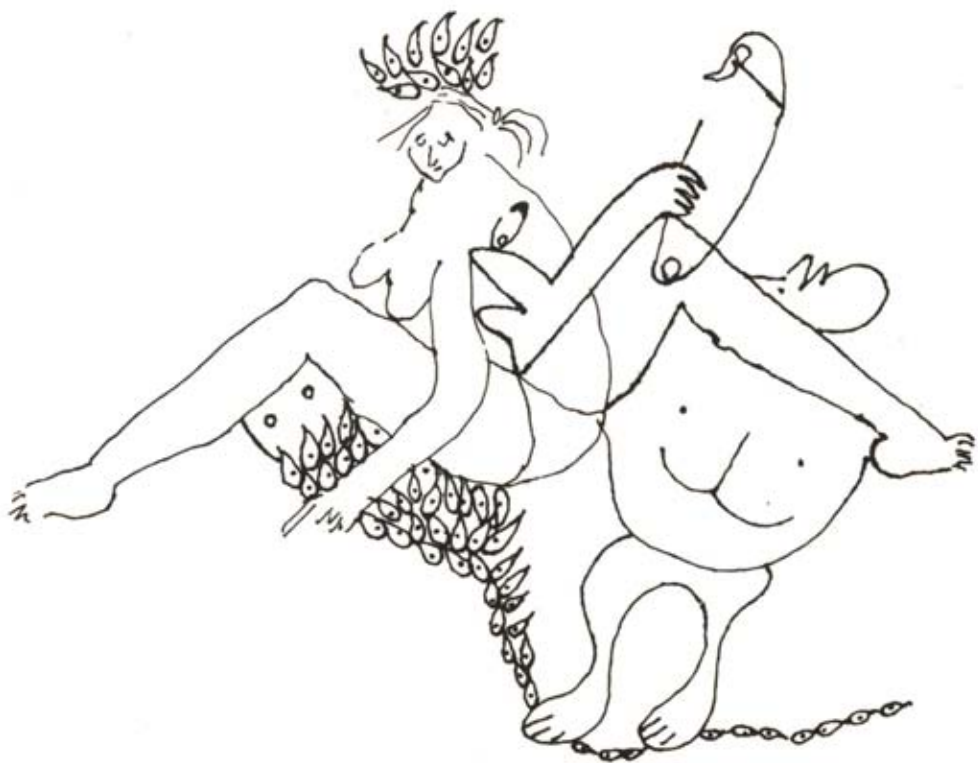
میزنم ، سرش را تکان میدهد  
و اشک در چشمش حلقه میرند  
و با ناراحتی میگوید ۵۴ سال  
بچه بزرگ کردم ، يك کلمه  
حرف حسابی از دهانش  
نشنیدم!

دنیای شما ، دنیای  
ذره ها و ظرافت هاست و  
خطوط نازک و محو که  
انگار دیده نمیشوند ...  
بله ، از نظر ساختمان  
روحي طوری هستم که  
ناخود آگاه بطرف اشیاء  
ظریف و حیوانات کوچک  
جلب میشوم . مثلاً باور  
بفرمائید من سنجاق قفلی را









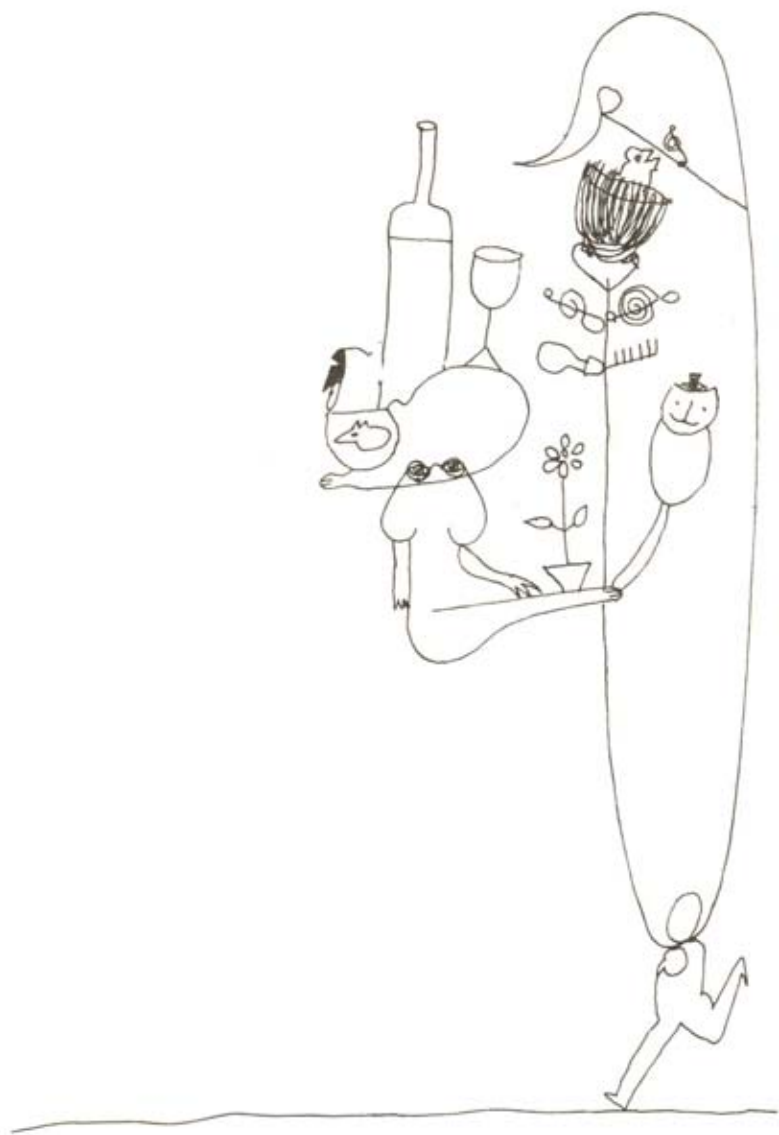
بیشتر از سوفیالرن و رادیکال  
را بیشتر از بریژیت باردو  
دوست دارم!

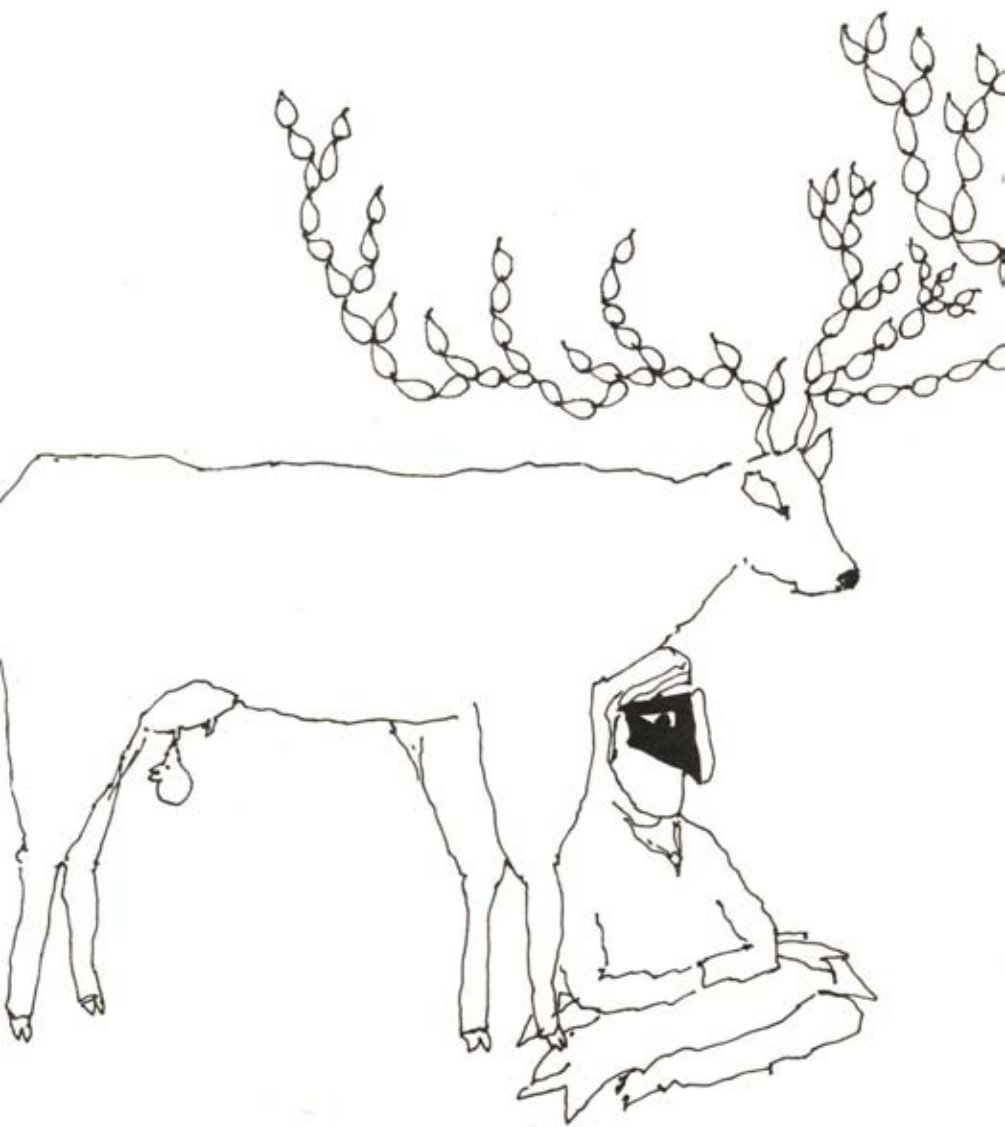
چه کارهایی کرده‌اید؟  
از وقتی بازنشسته شدم  
کارهای نوشته و طراحی‌هایم  
بطور تصاعد هندسی بالا  
رفته است بطوریکه کم‌کم باید  
دستم را بعنوان کمک از لای  
کارها بیرون بیاورم!

در آینده چه کارهایی  
دارید؟  
کار باندازه‌ای زیاد دارم  
که نسل کاغذ سفید را در

آینده تهدید میکند! چون  
خودنویسم هرگز سرش را از  
روی کاغذ سفید بلند نمیکنند.  
وباور بفرمائید که خودنویسم  
کلاهکش را فقط با احترام کاغذ  
سفید بلند میکند! یک مرتبه  
هم که جوهر و کاغذ سفیدم  
نه کشیده بود، آنرا از  
کلروفیل پر کردم و روی برگ  
زرد پائیزی نوشتم: شادروان  
برگ سبز!

نظر شما در باره  
کاریکاتور چیست؟  
بنظر من کاریکاتور  
شیطان ترین هنرهاست! و  
هرگز قرار و آرام ندارد و  
مرتب مثل بچه های شیطان از  
سرو کله بزرگترها بالا می رود!





بیشتر شما را با  
«کاریکلماتوره» هایتان  
می‌شناسیم آنها را چگونه  
می‌یابید؟

من (نوشته‌ها) را خیلی  
دوست دارم ، بخصوص  
آنهايي که طنزآلودند. ولی  
مردم بیشتر شاعرانه‌ها را  
دوست دارند . البته ناگفته  
نماند شاعرانه را من خیلی

آسان میگویم، در صورتیکه  
نوشتن طنز برایم کار  
مشکلی است!

آخرین شاعرانه: شب بارانی  
زیبائی بود، ستارگان همراه  
قطرات باران پائین می آمدند.  
و آخرین طنز: با چوب  
درختی که برف کمرش را  
شکسته بود پارو ساختم!

#### گفتگوی

فهیمه فرسانی (بهجت امید)  
با بیژن اسدی پور و پرویز شاپور

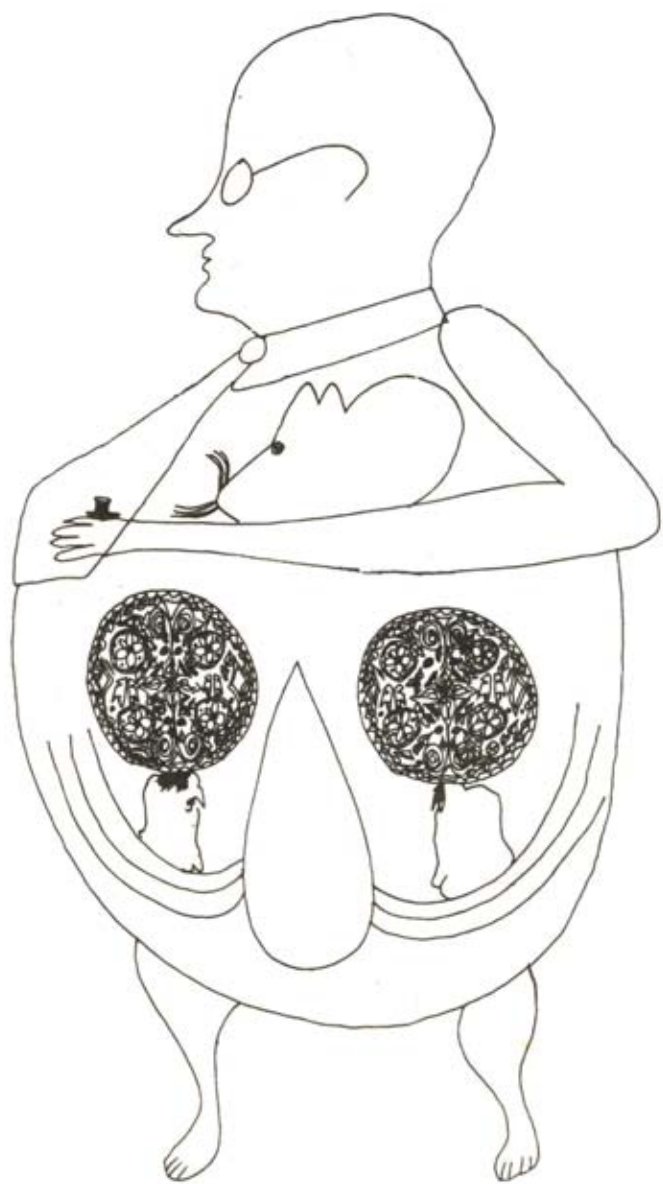
روزنامه کیهان

شماره ۹۸۱۶ صفحه ۹

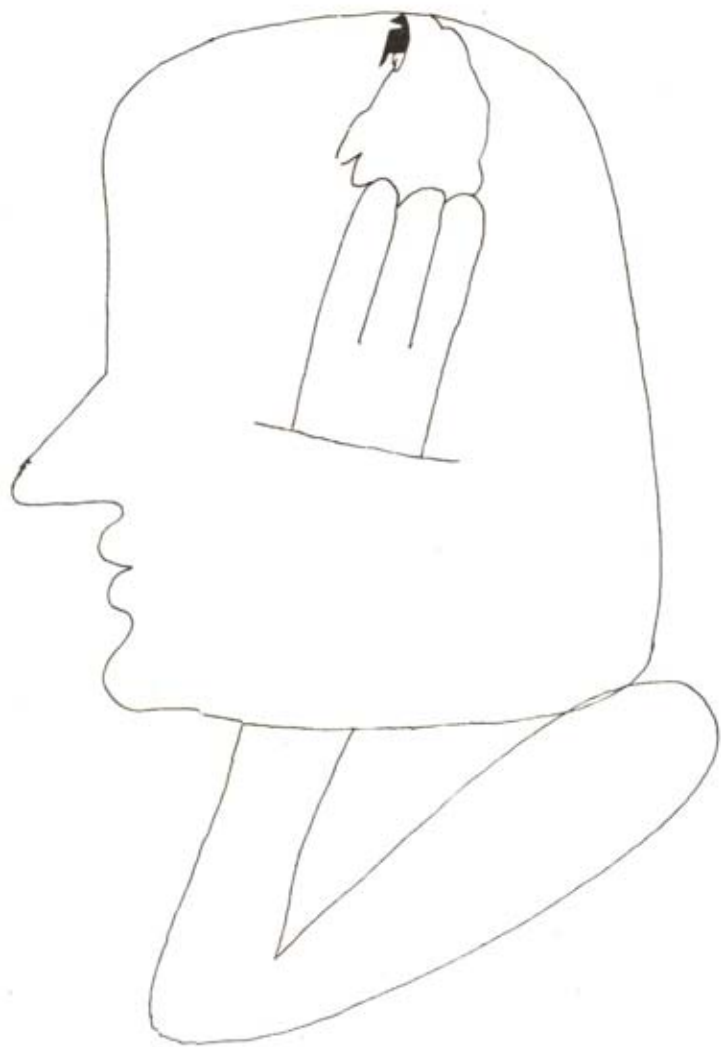


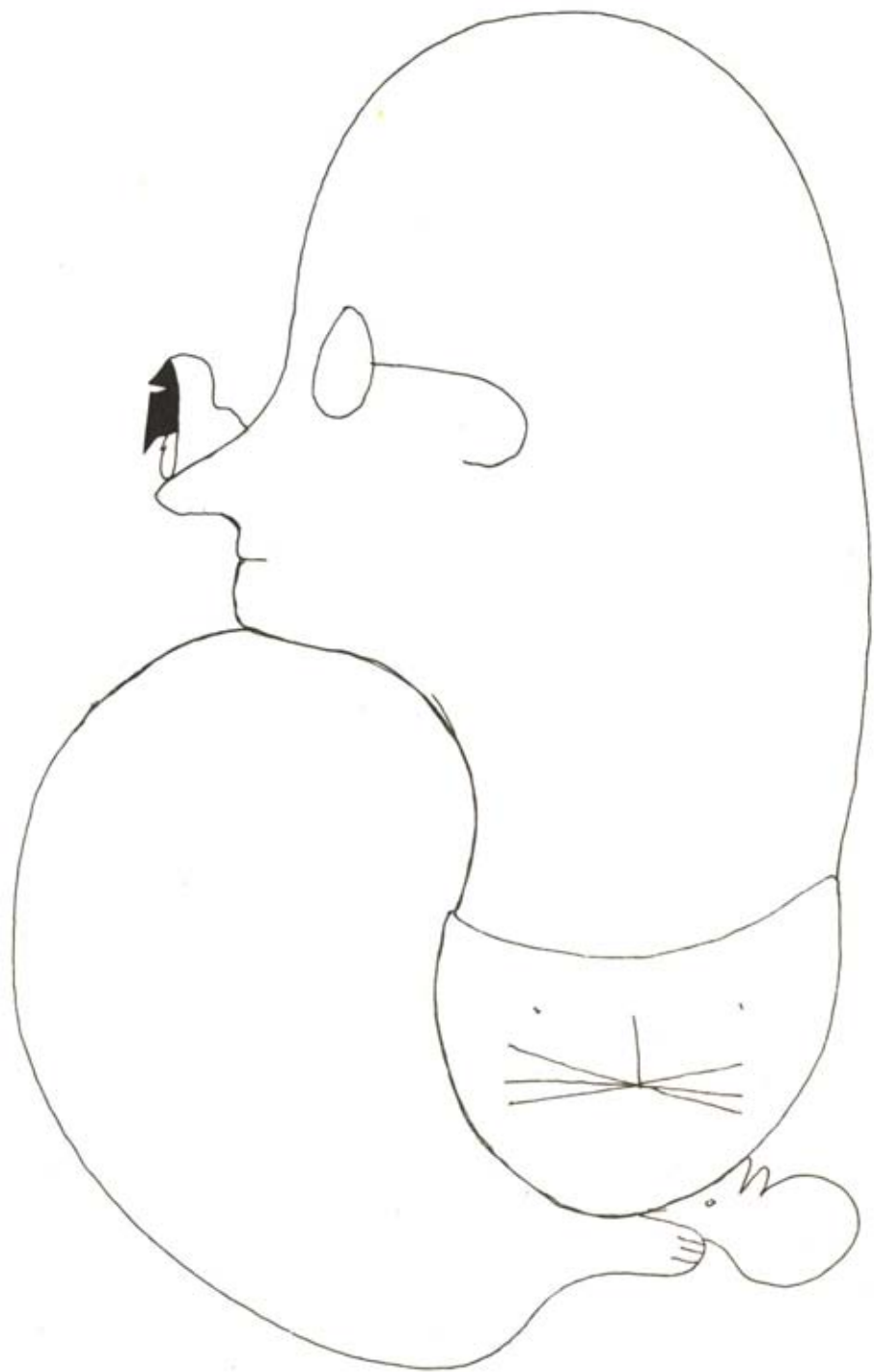




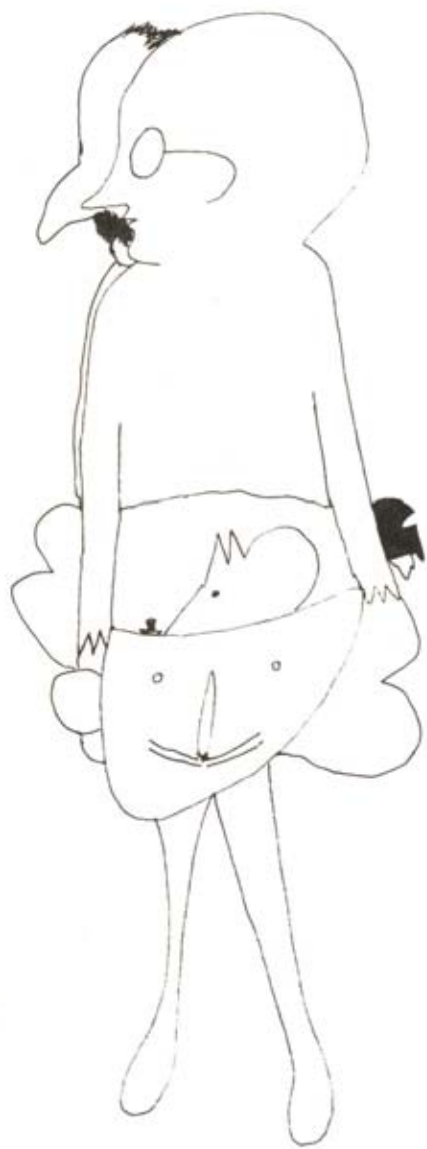




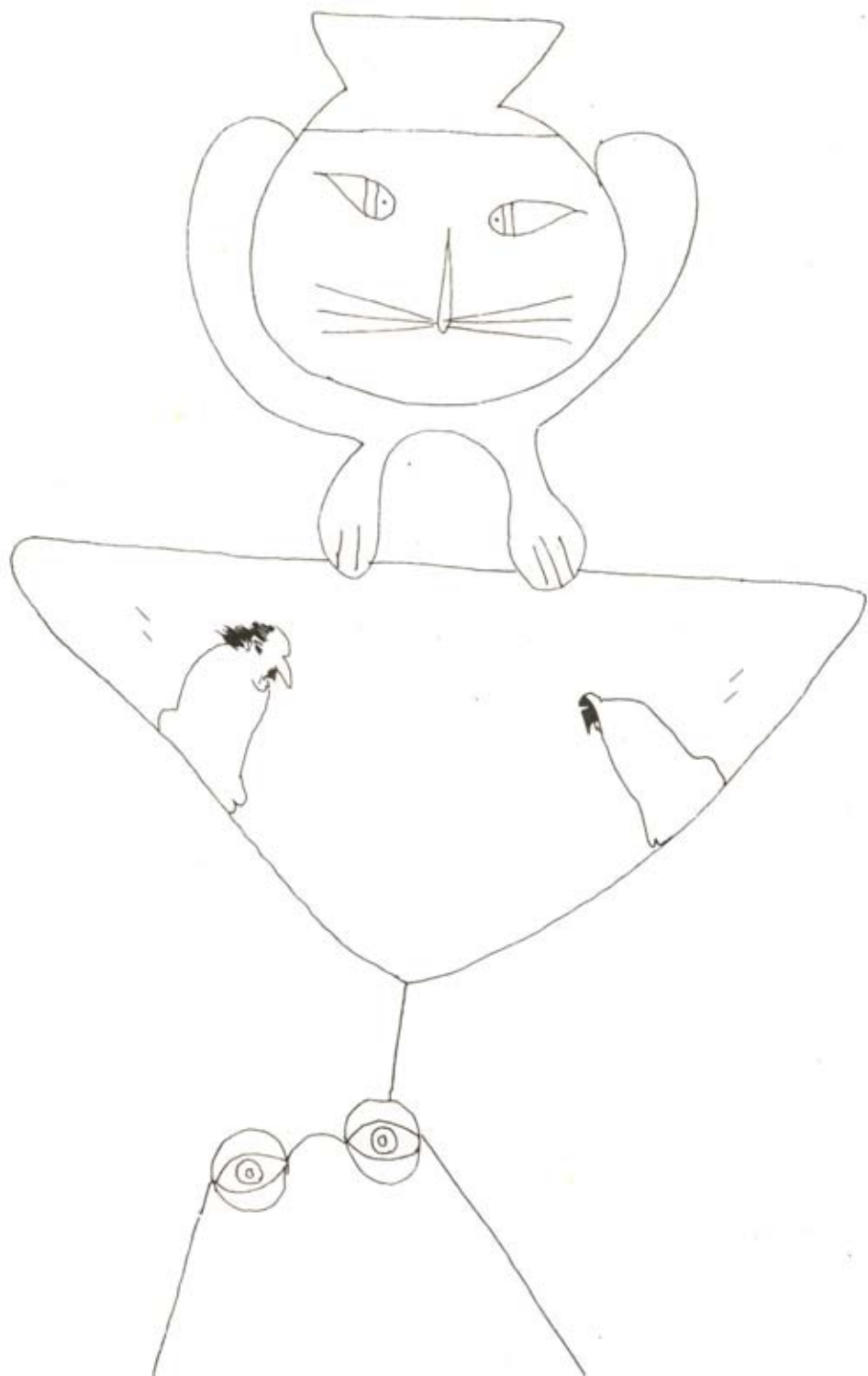


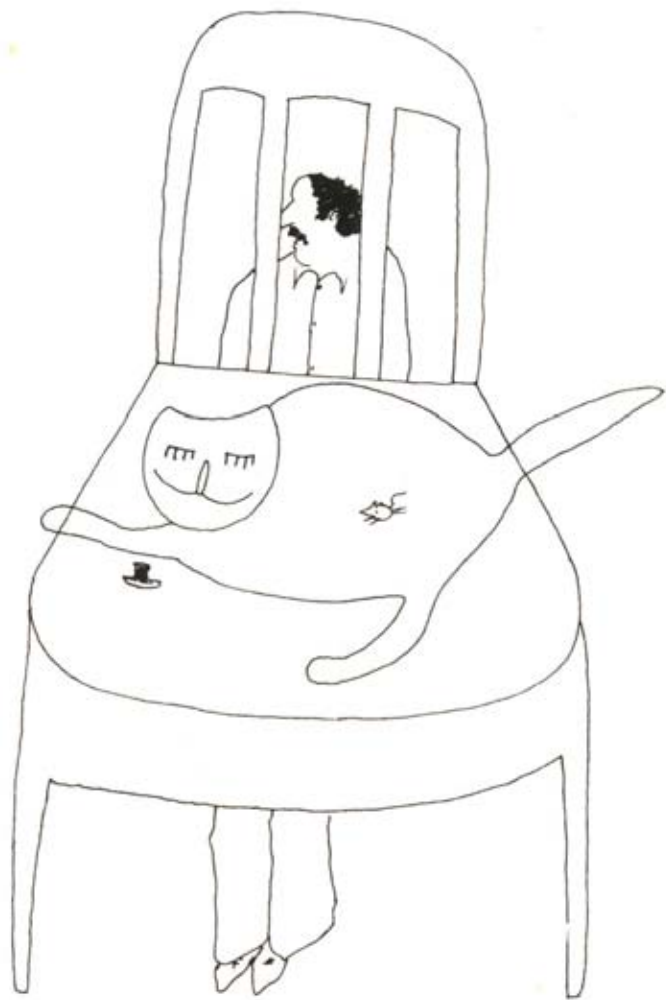


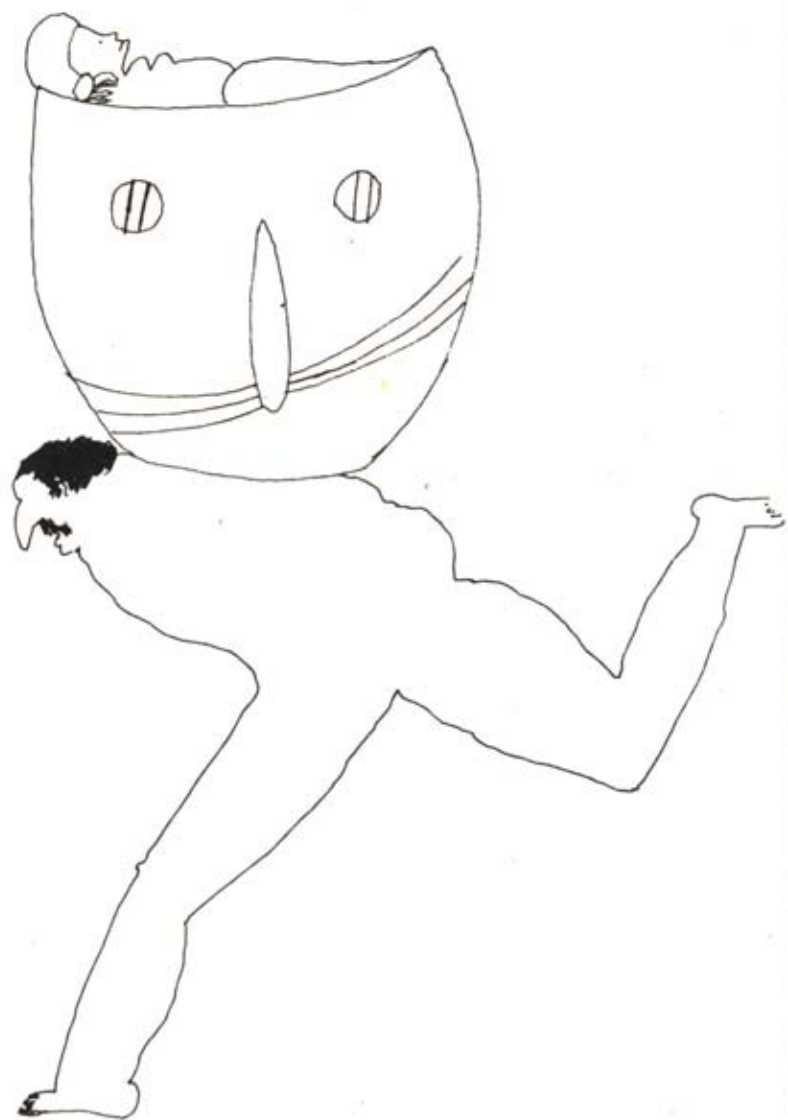


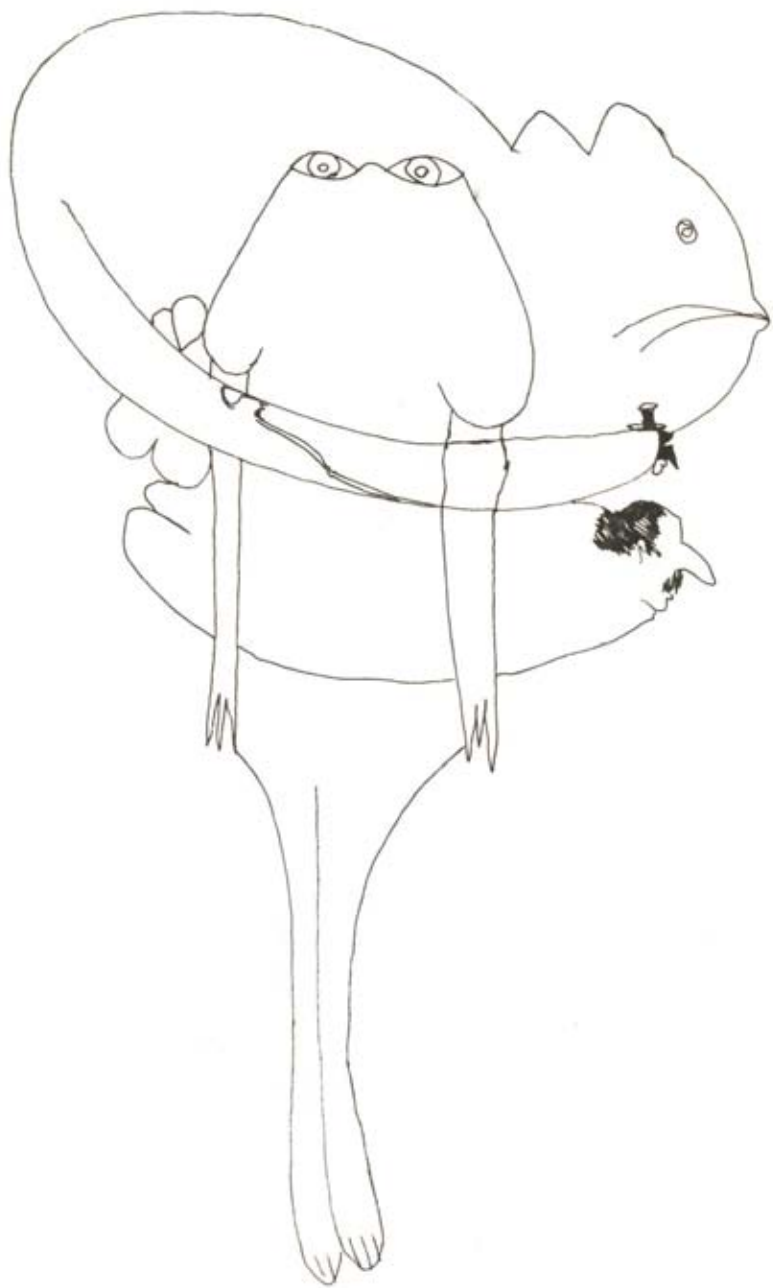


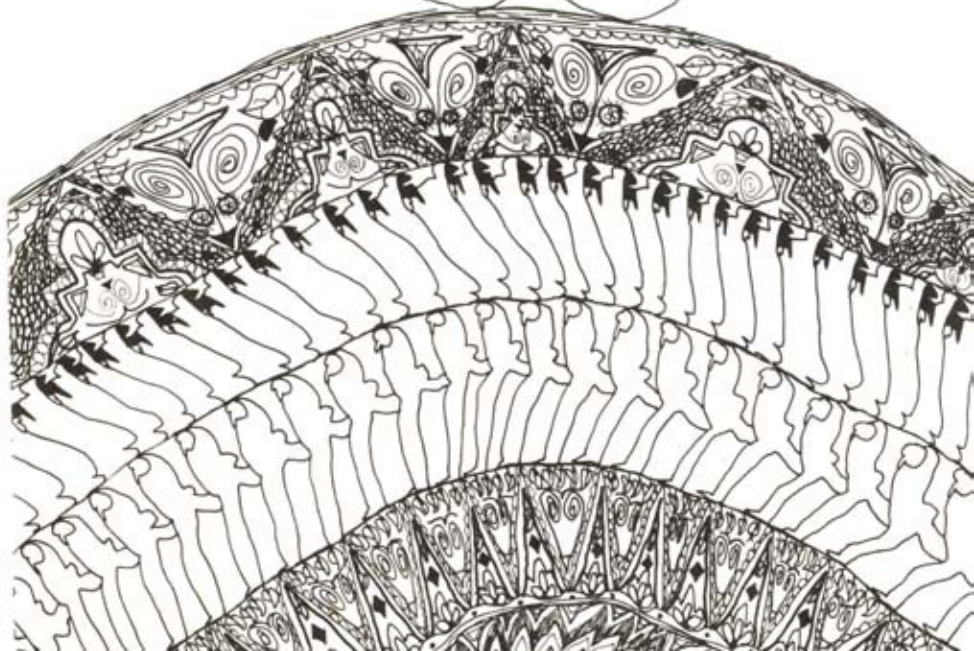


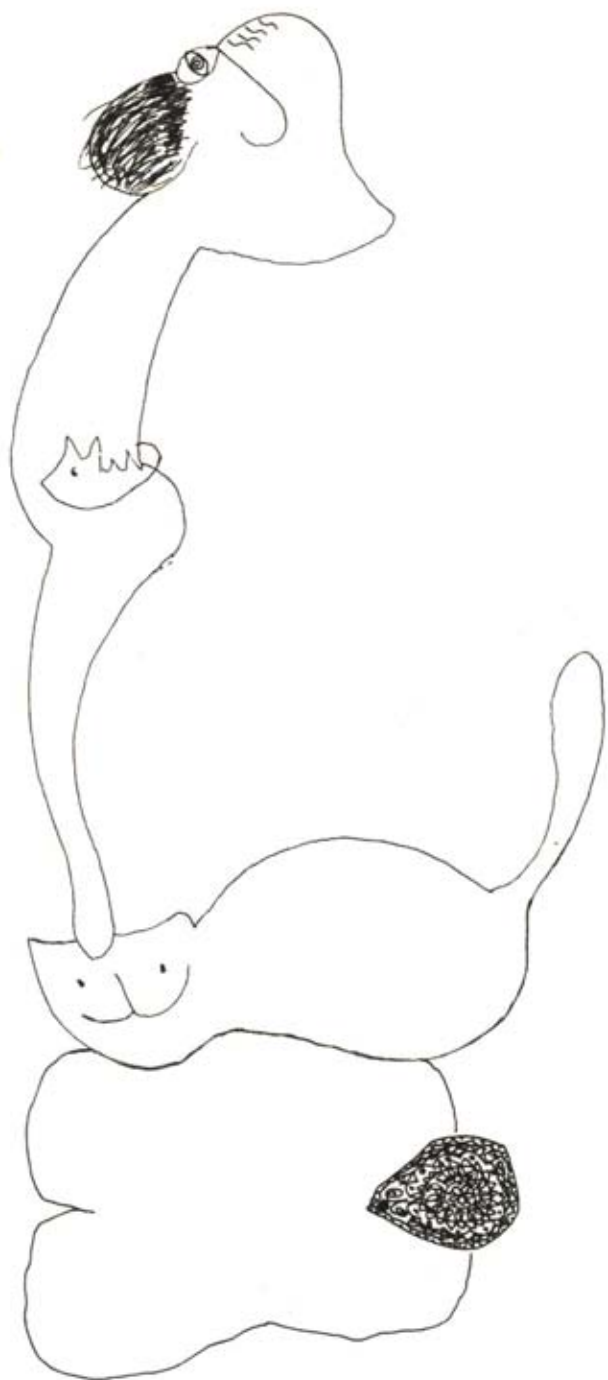


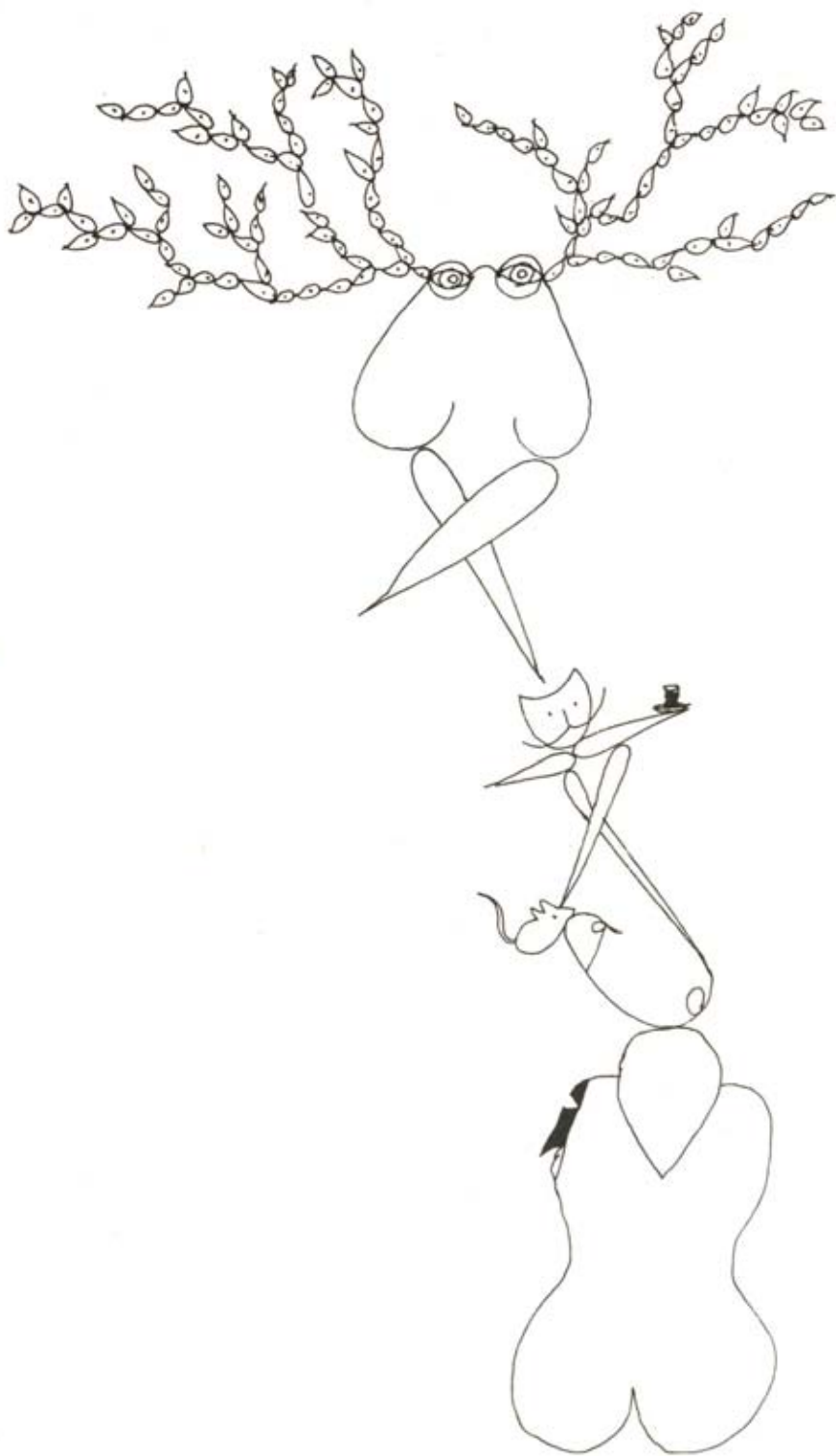


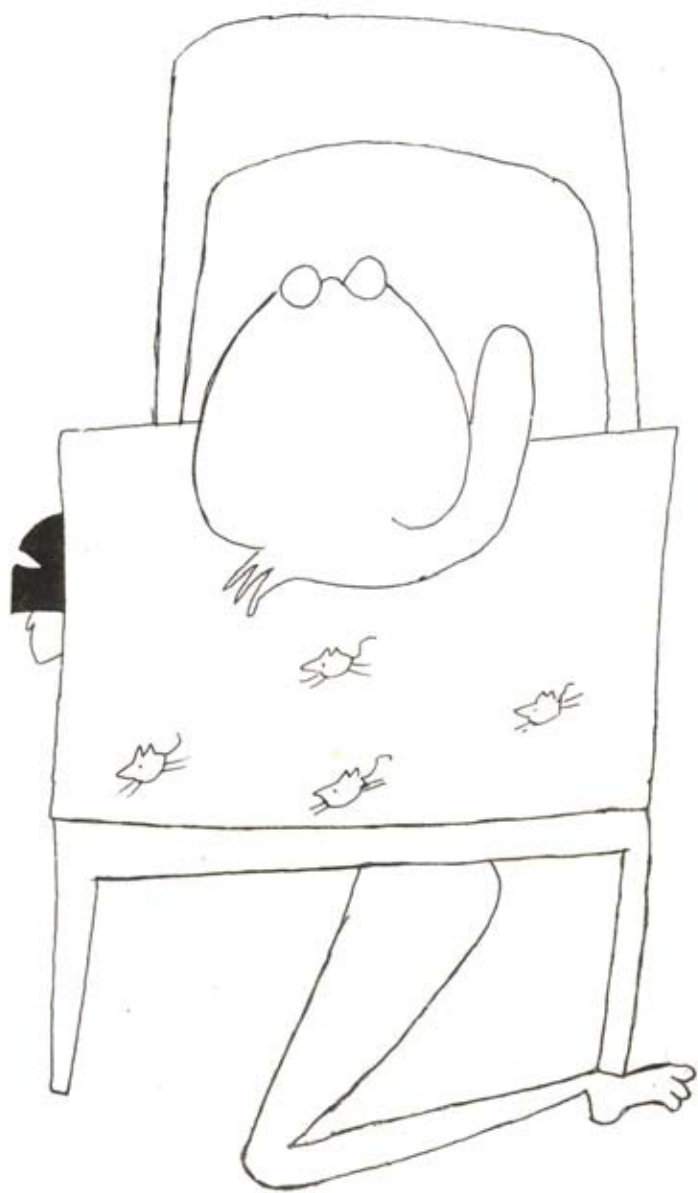




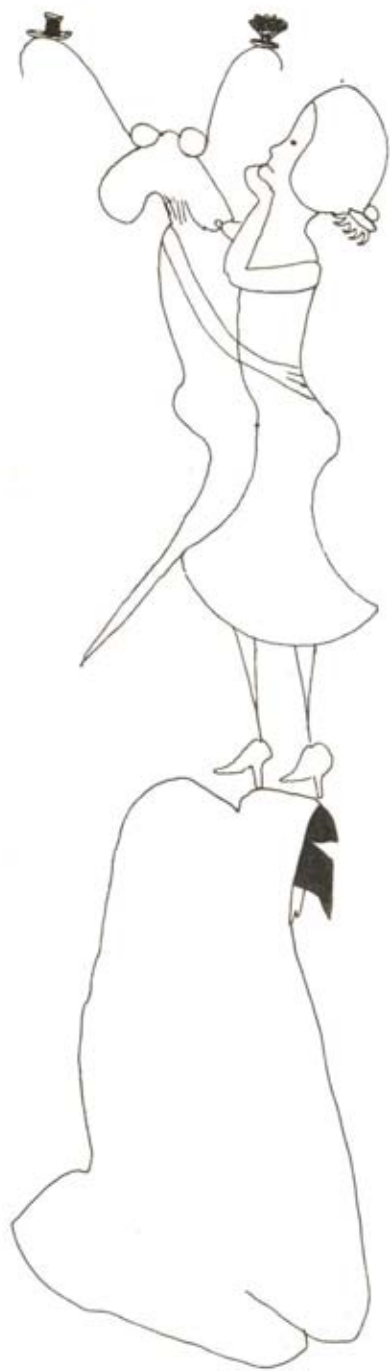


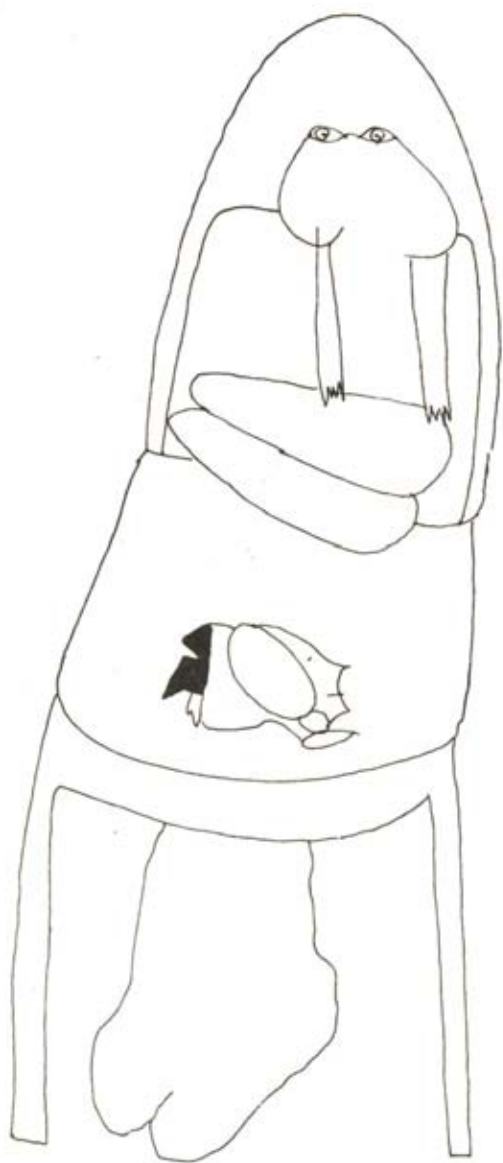


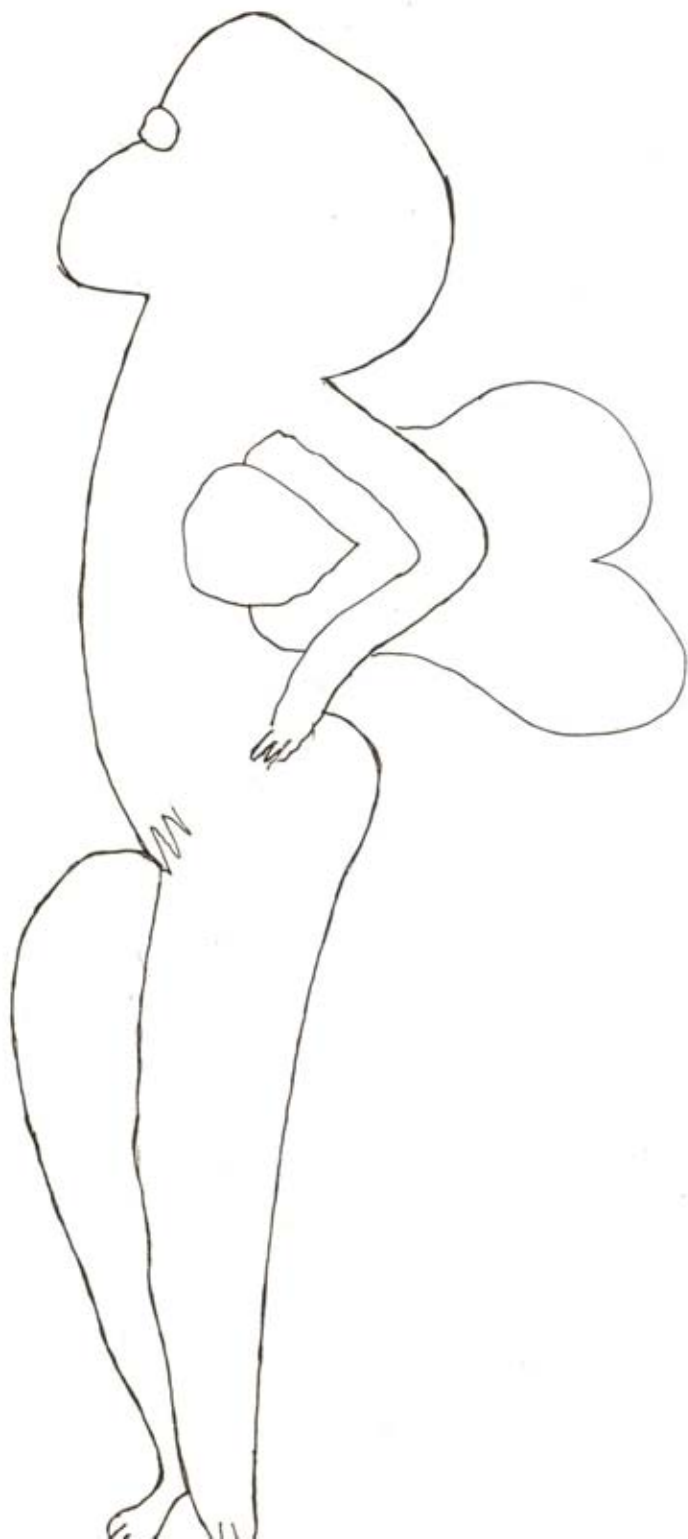


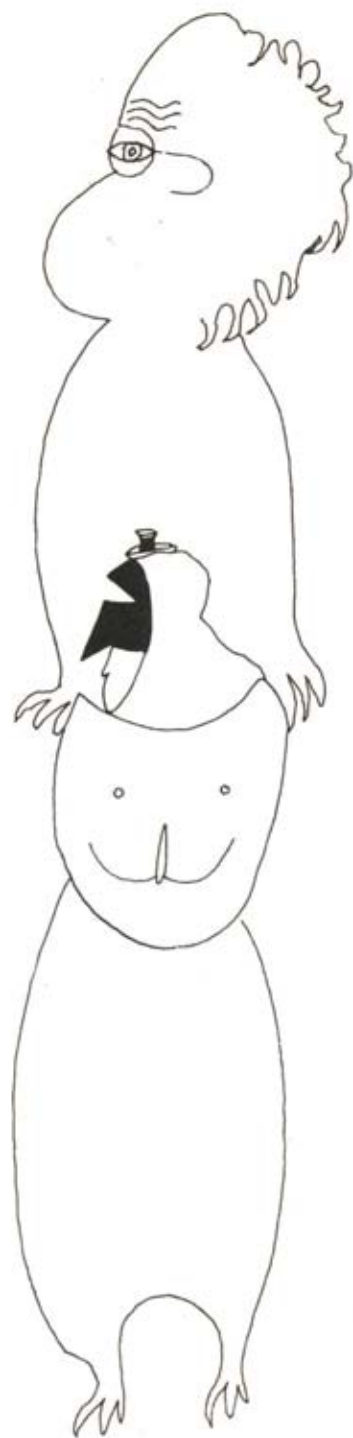


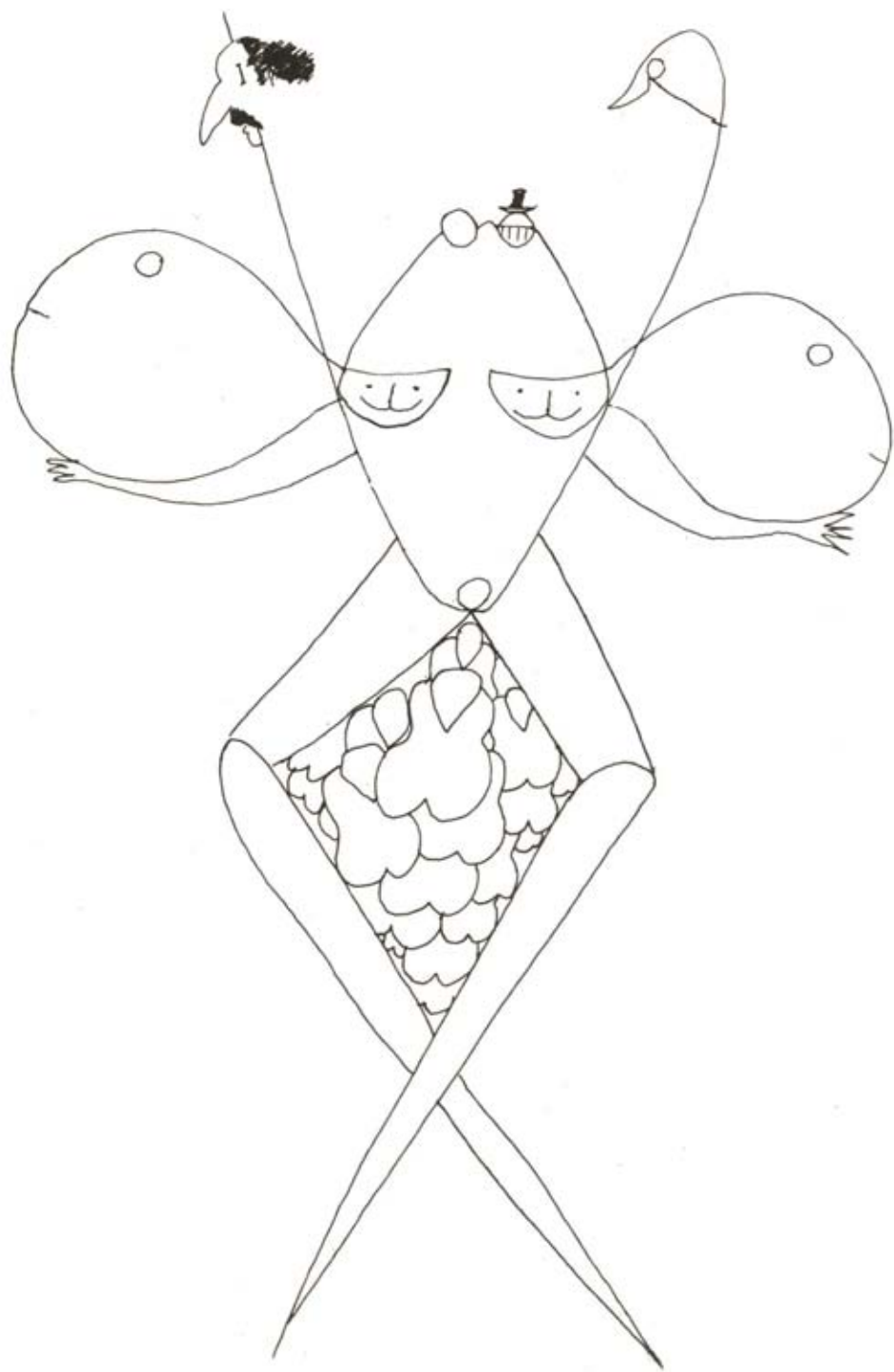




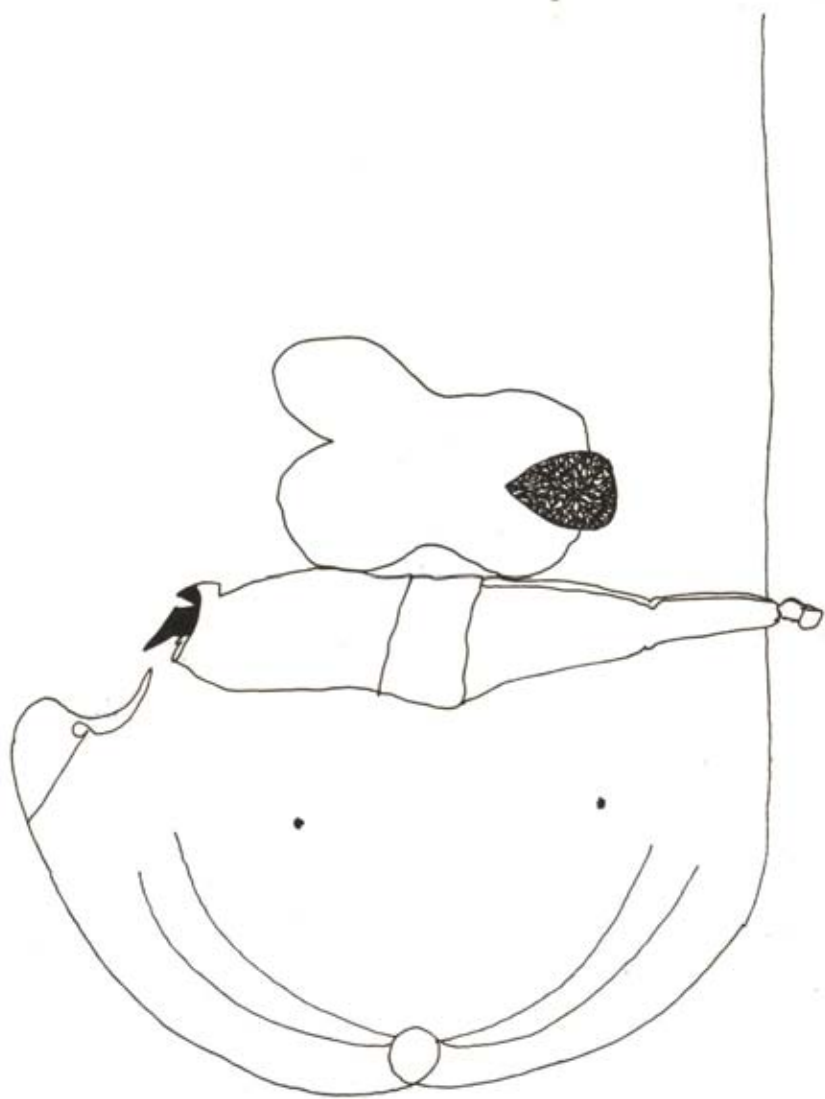


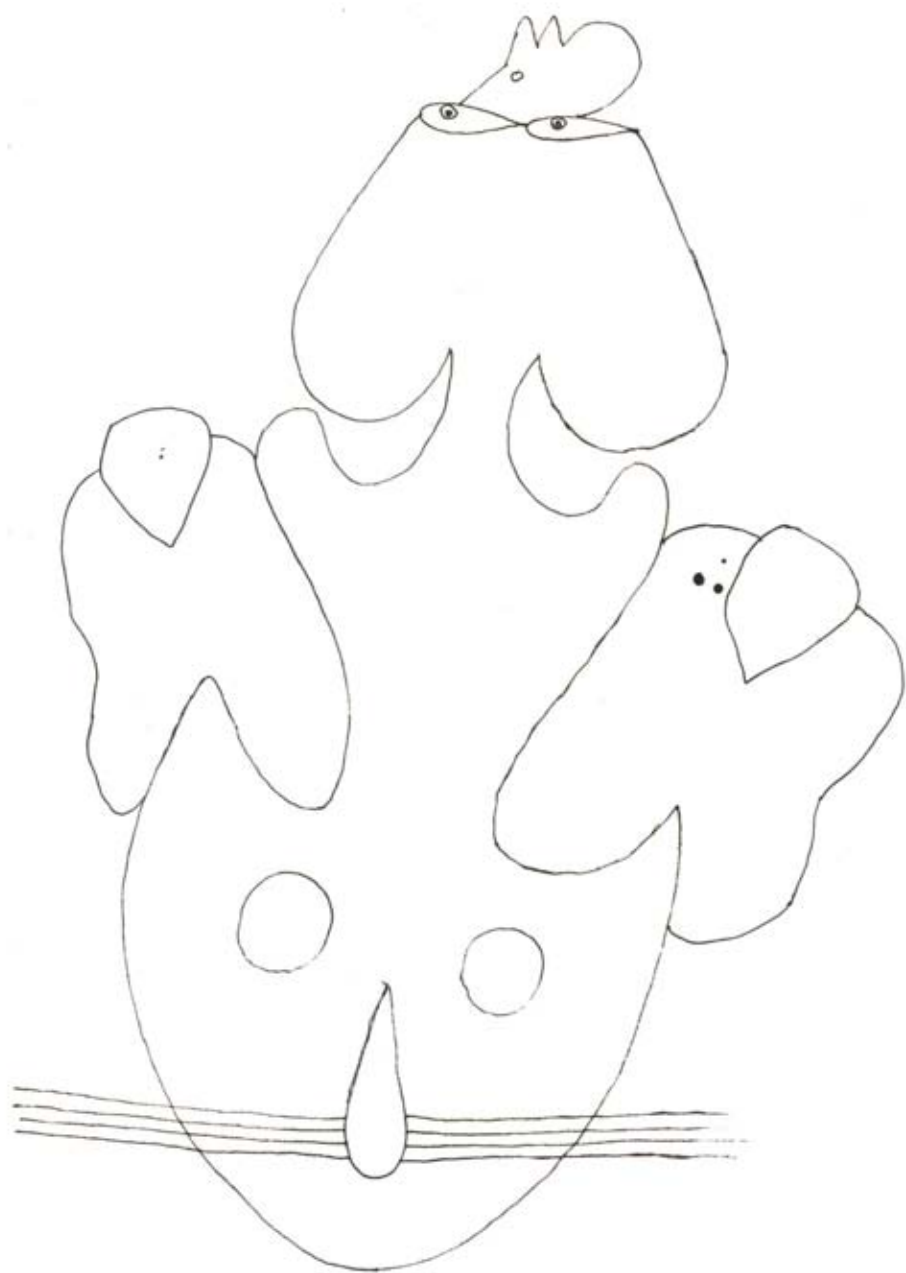




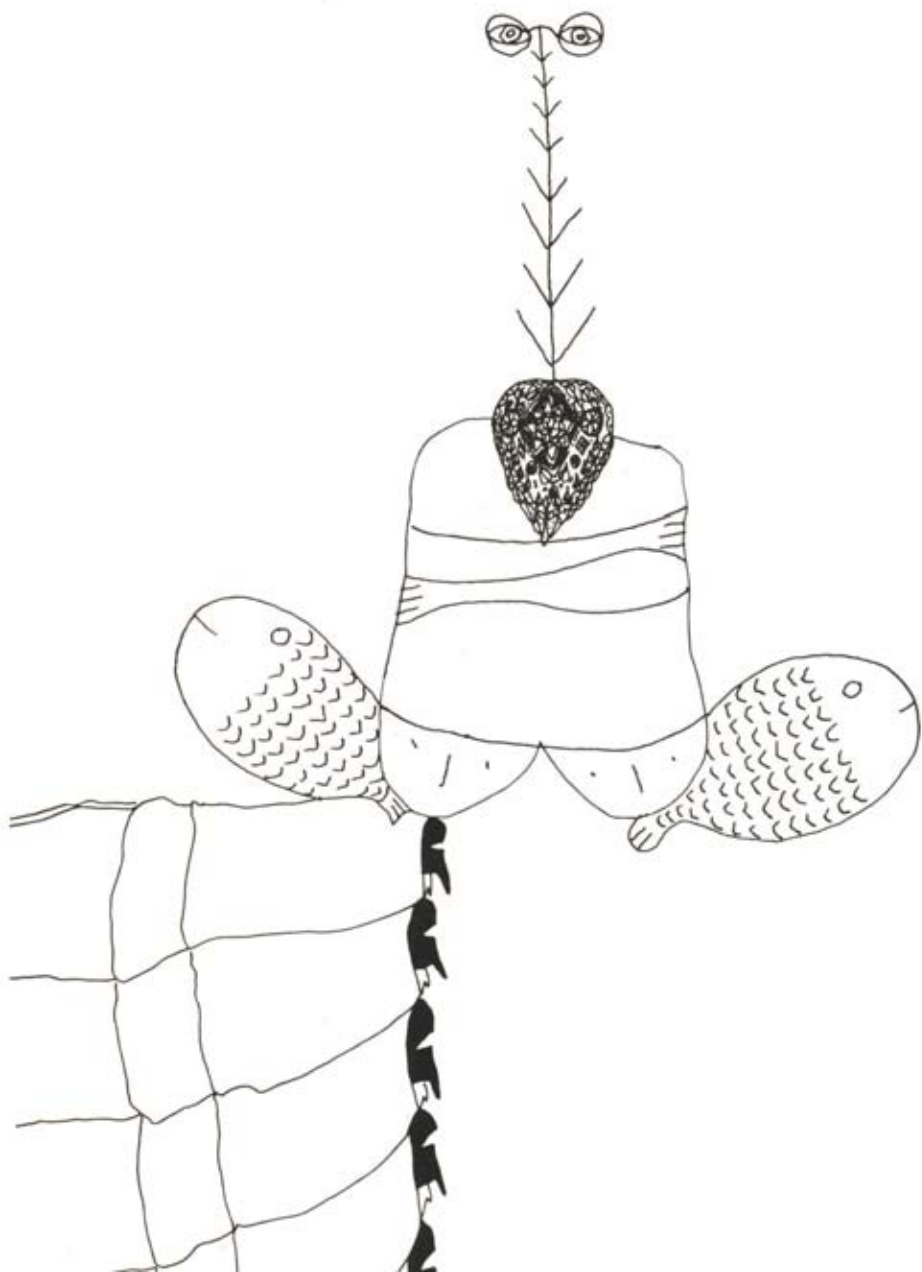


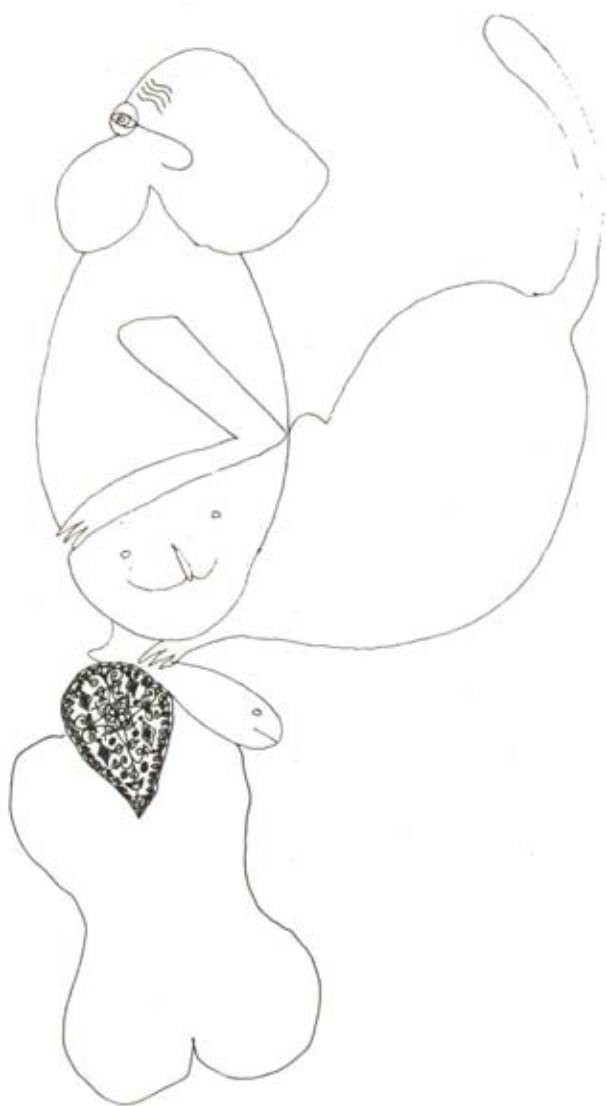




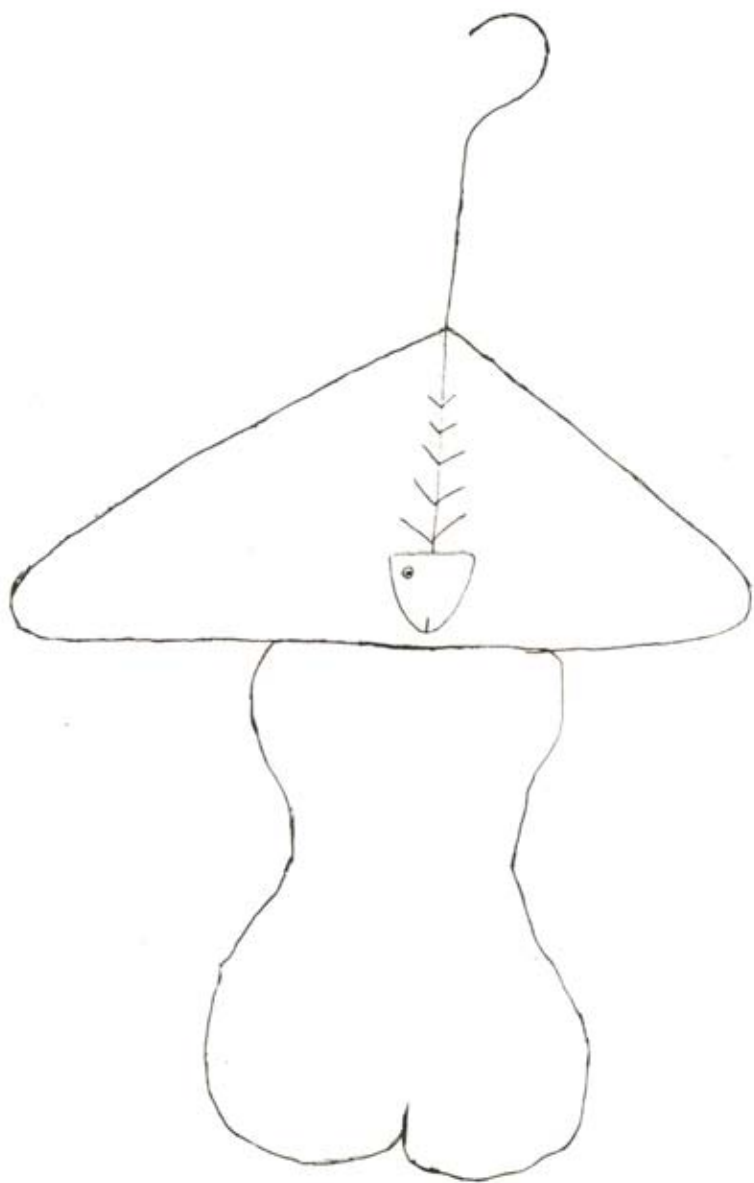


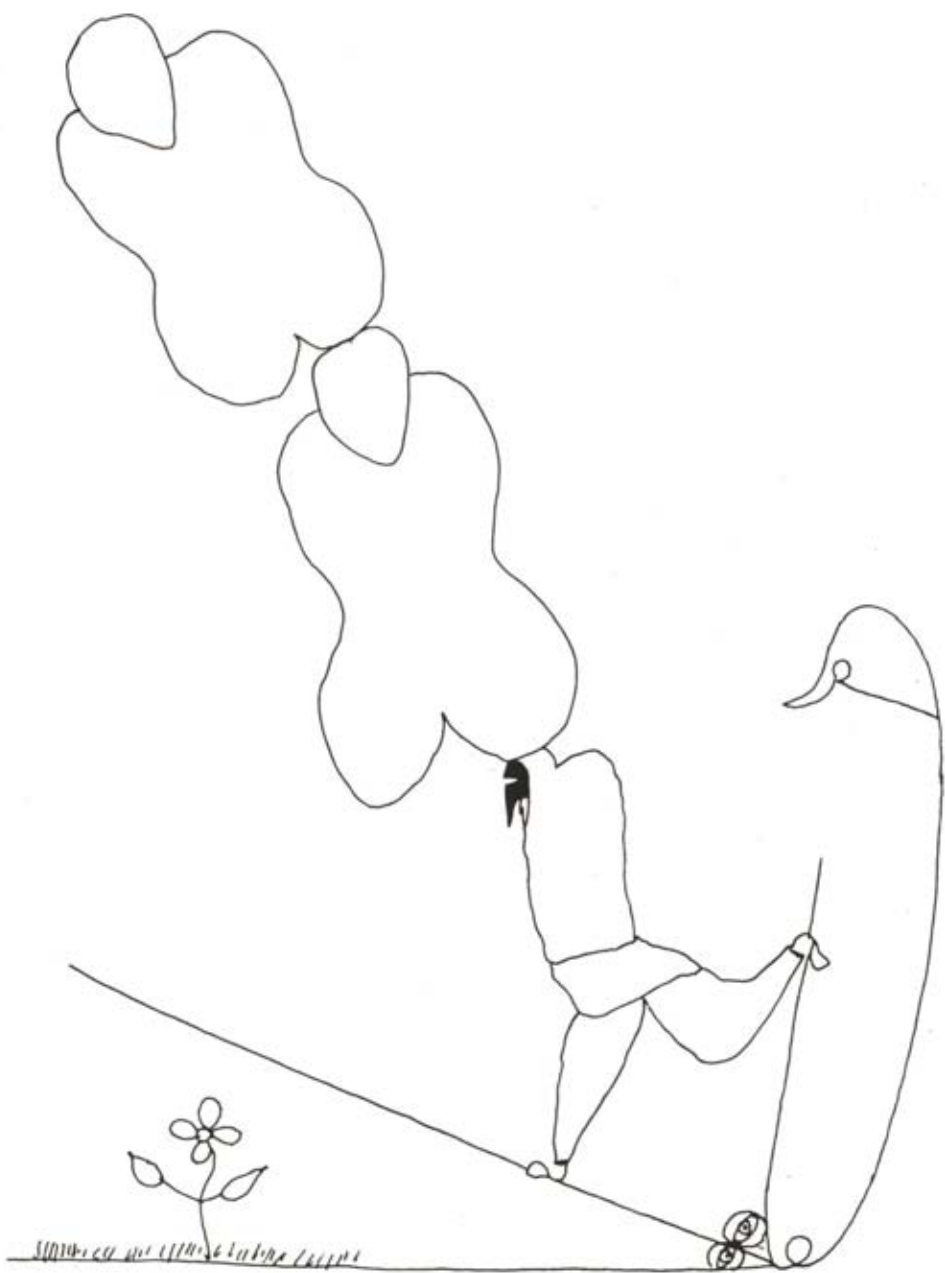


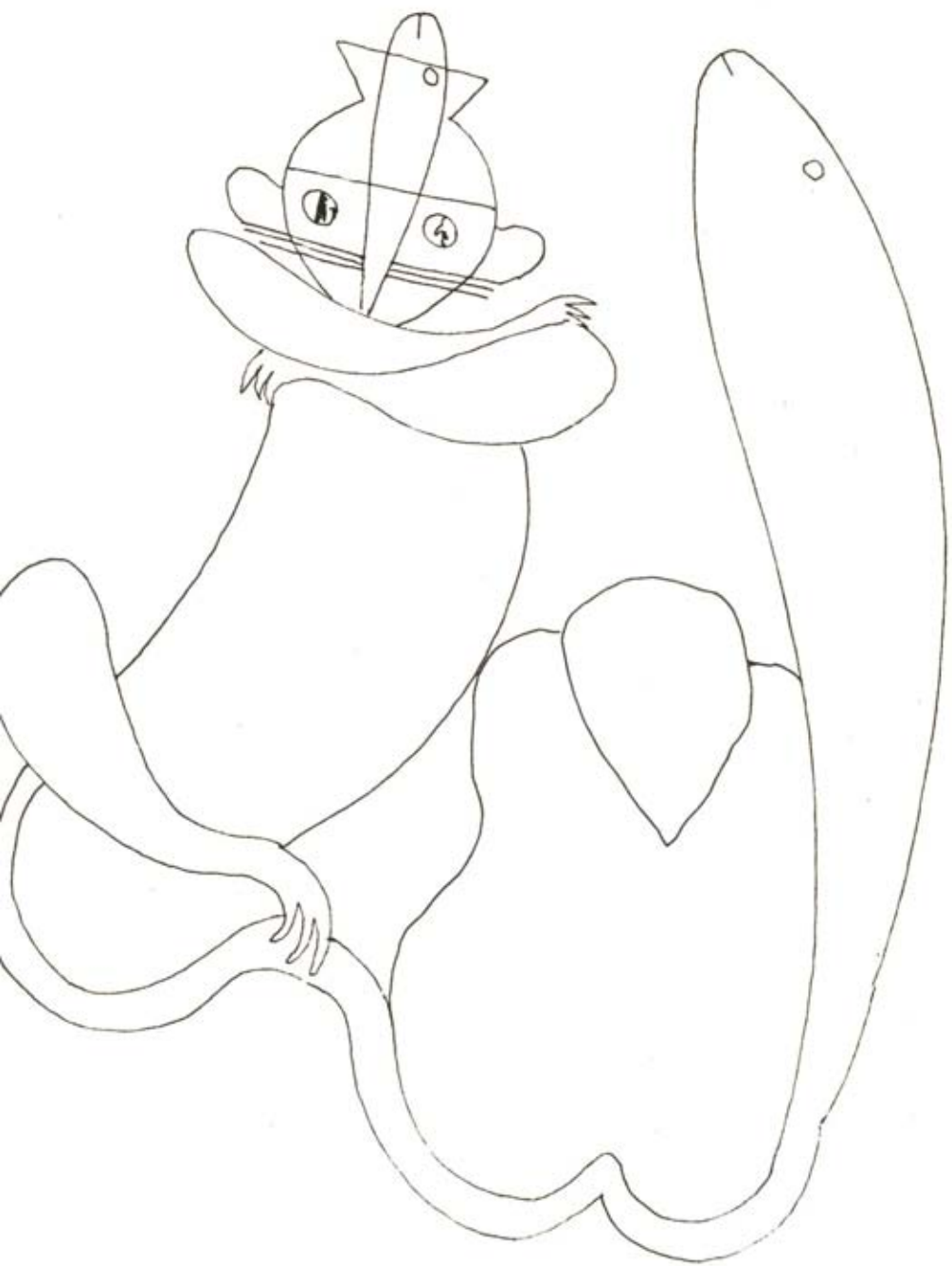












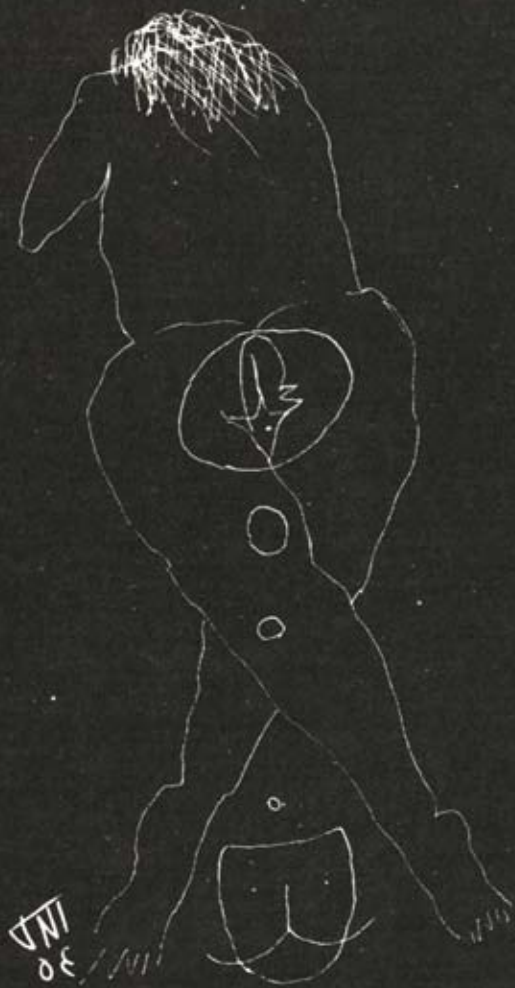


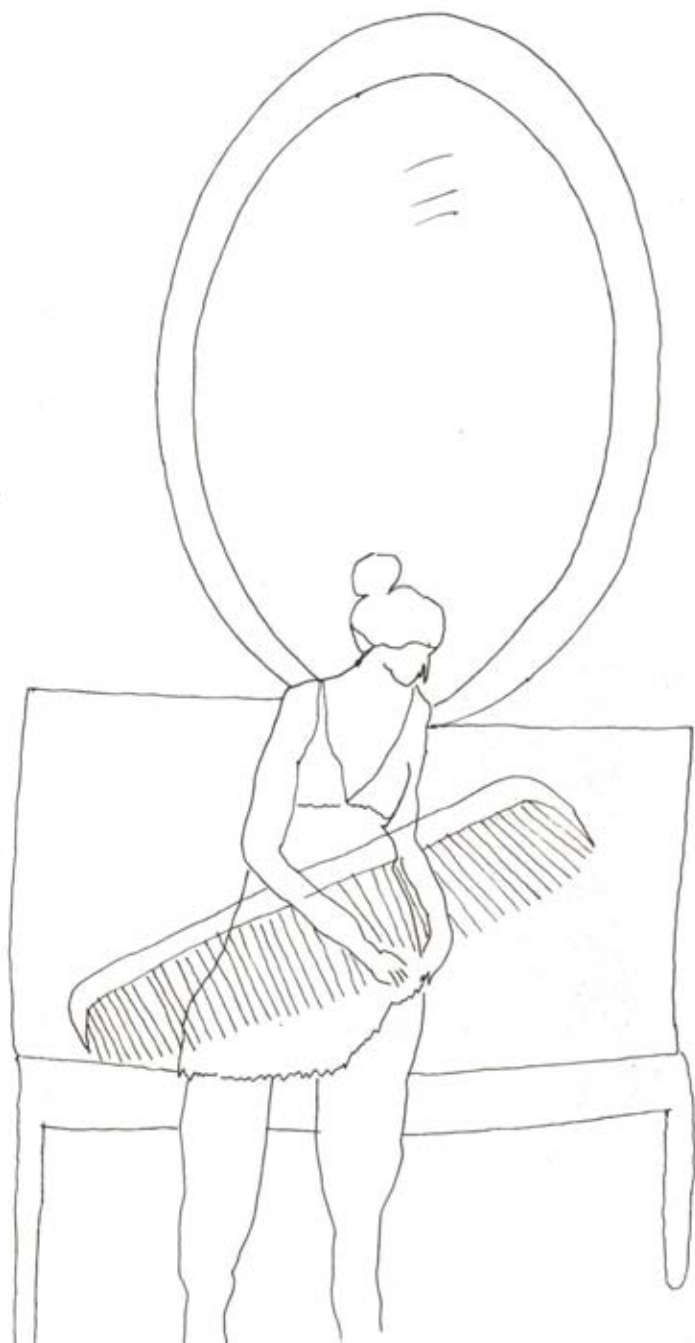




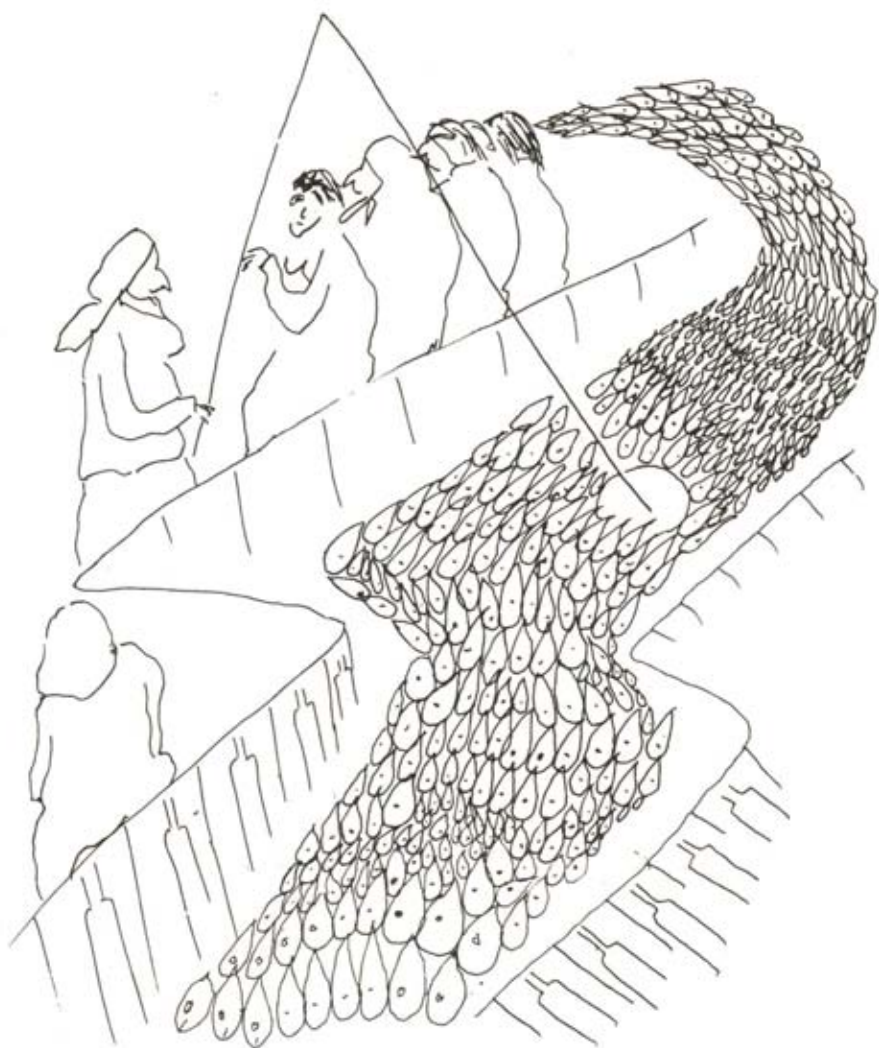


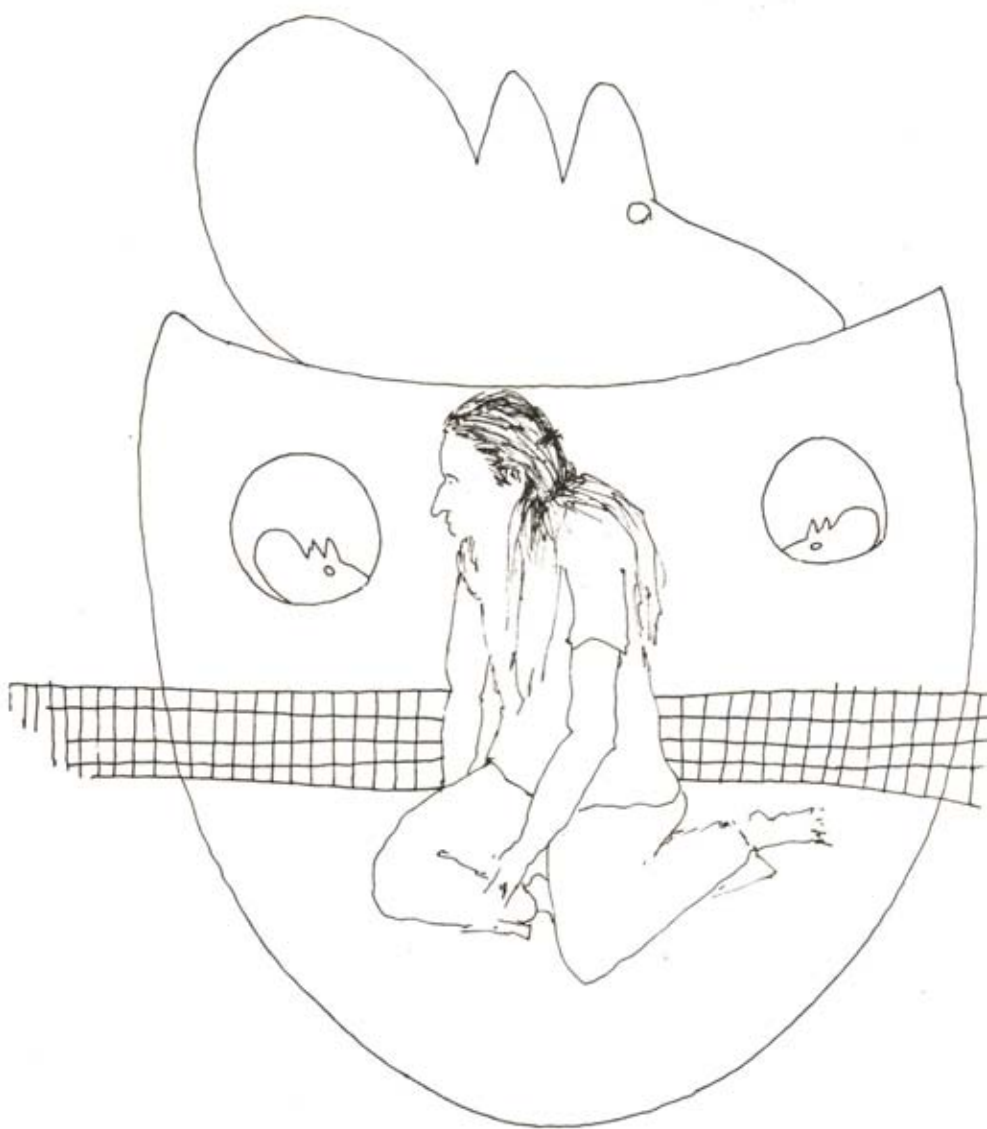






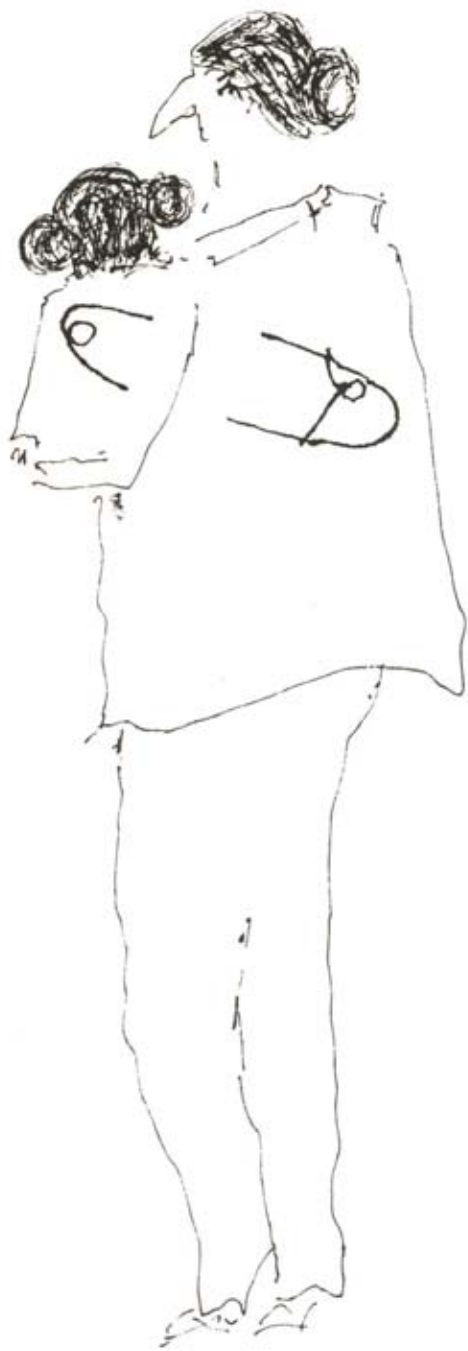




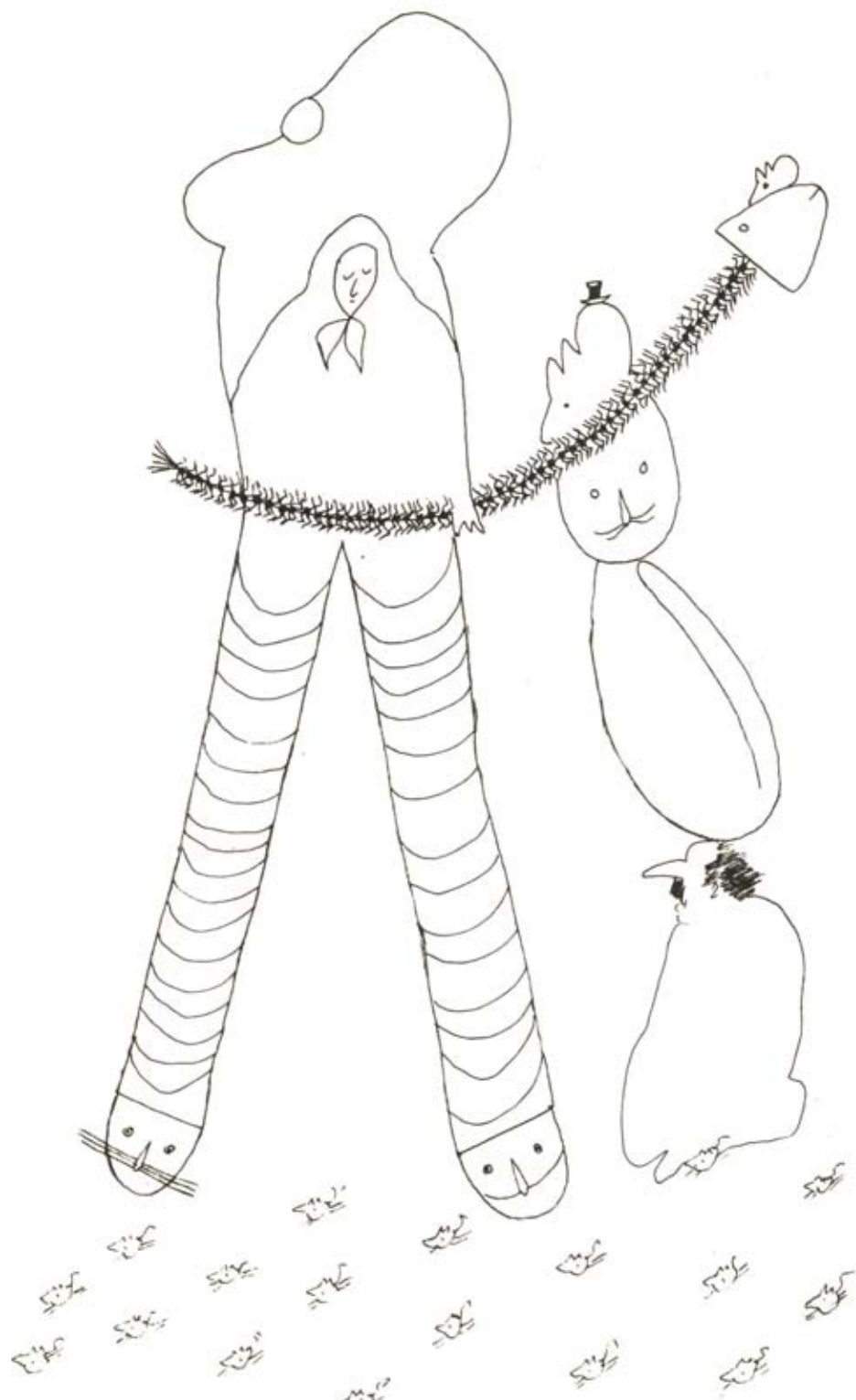




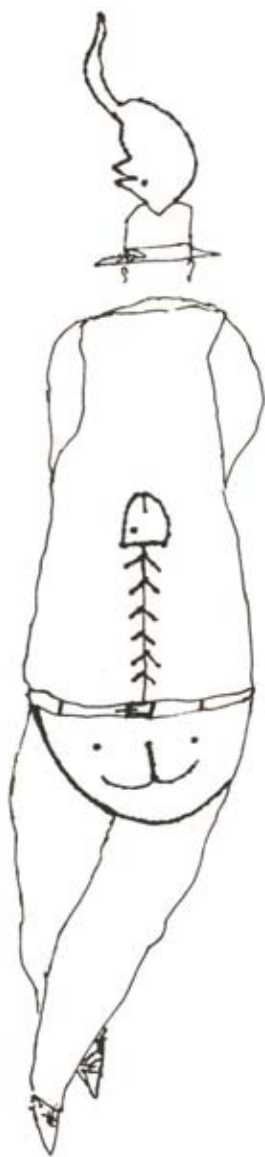


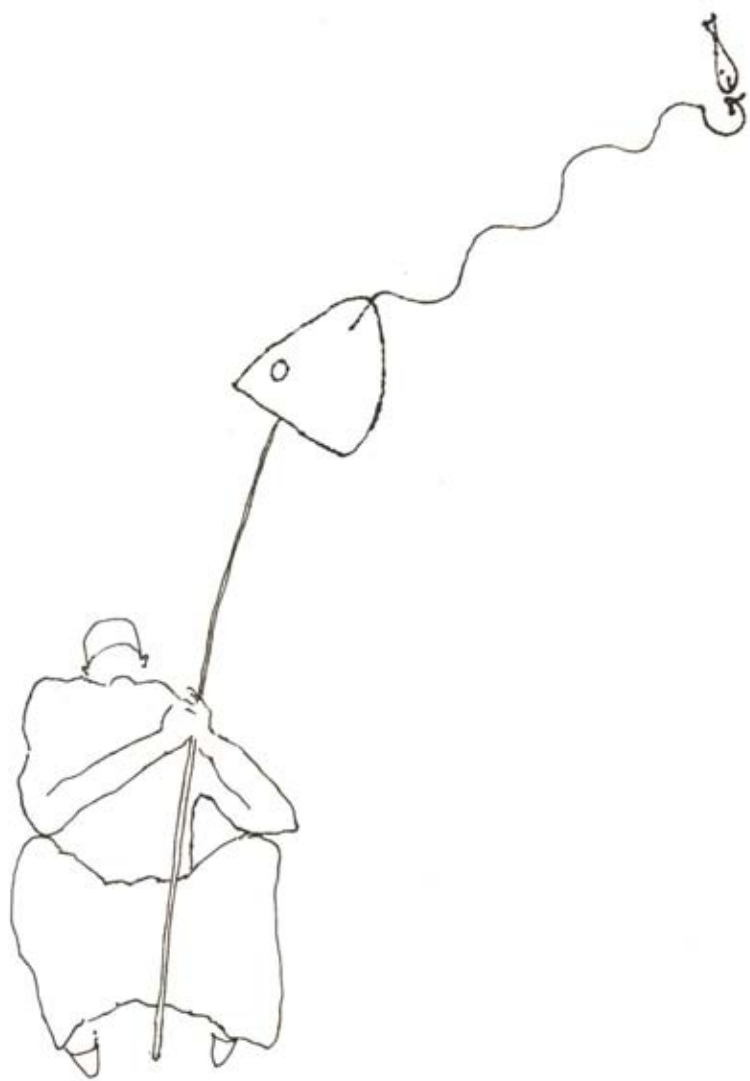


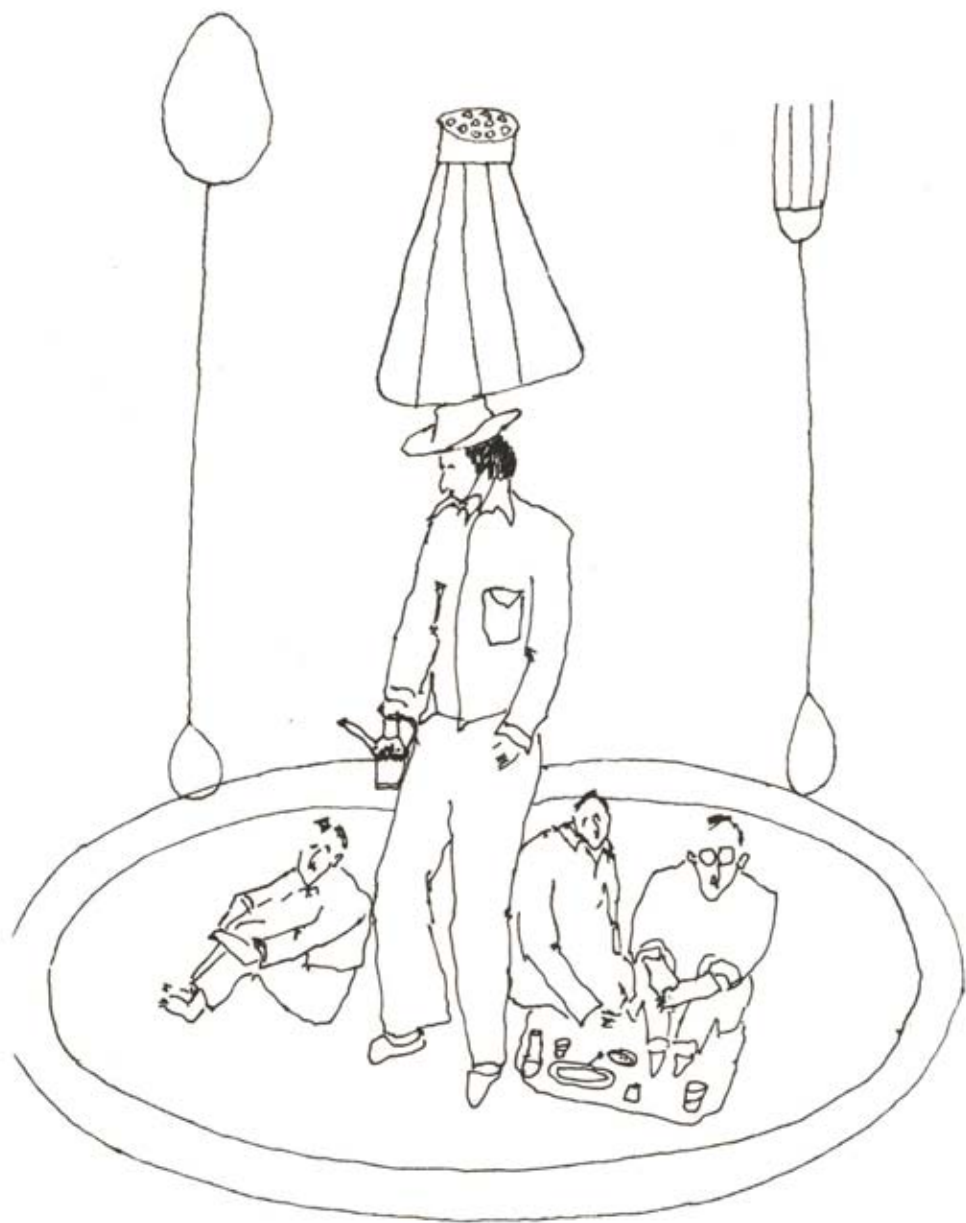


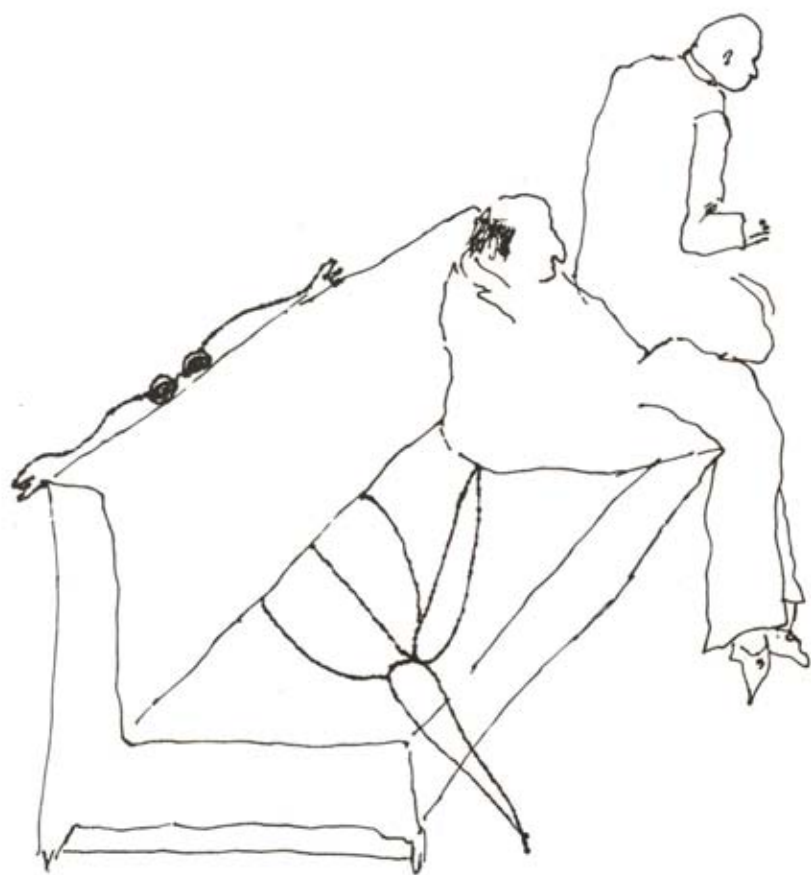






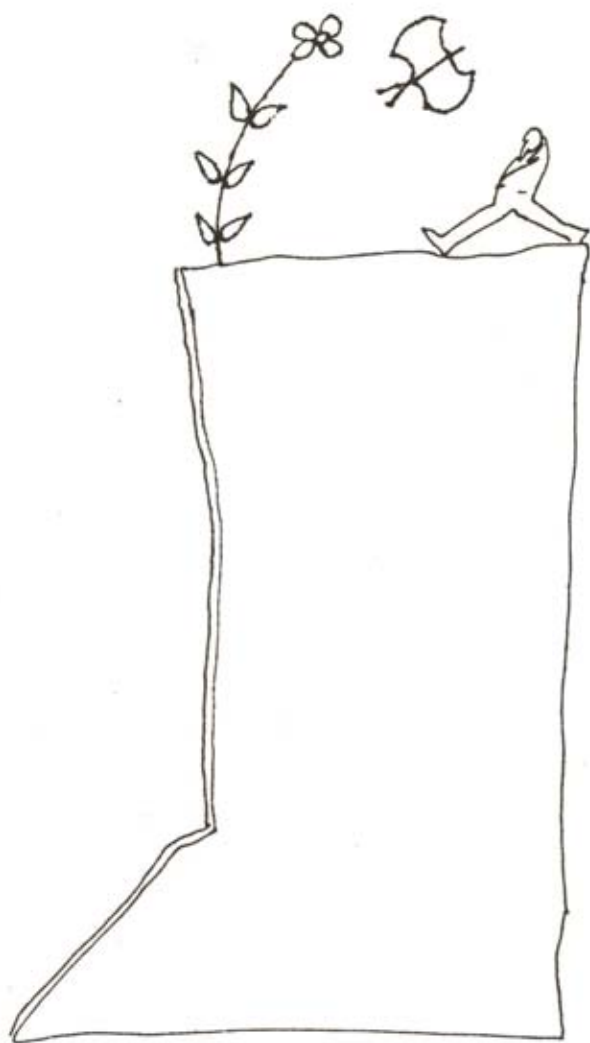


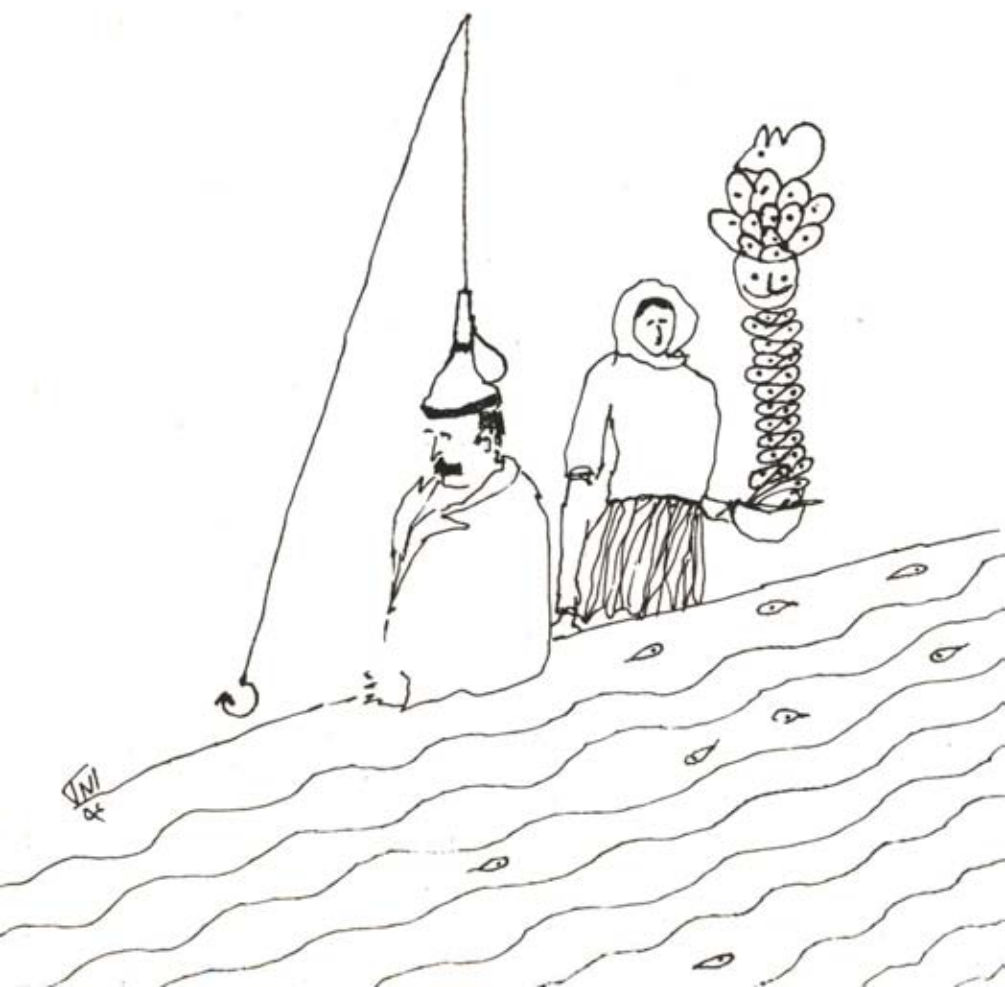




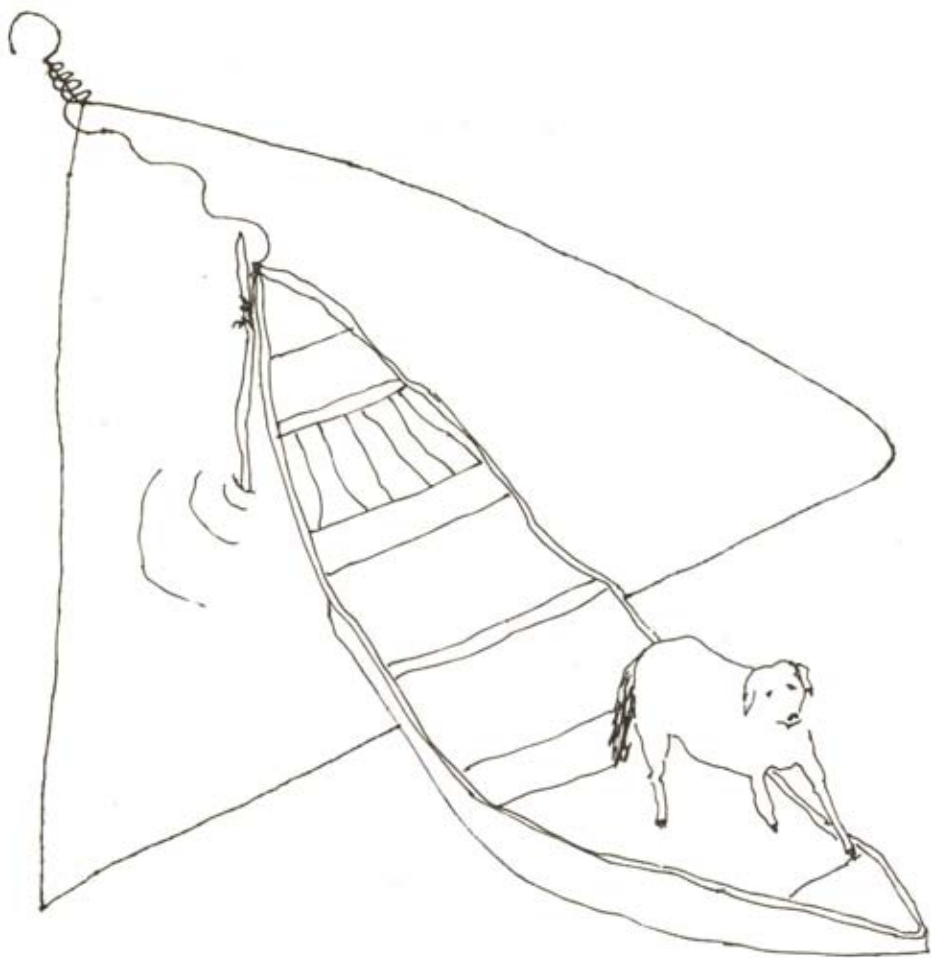


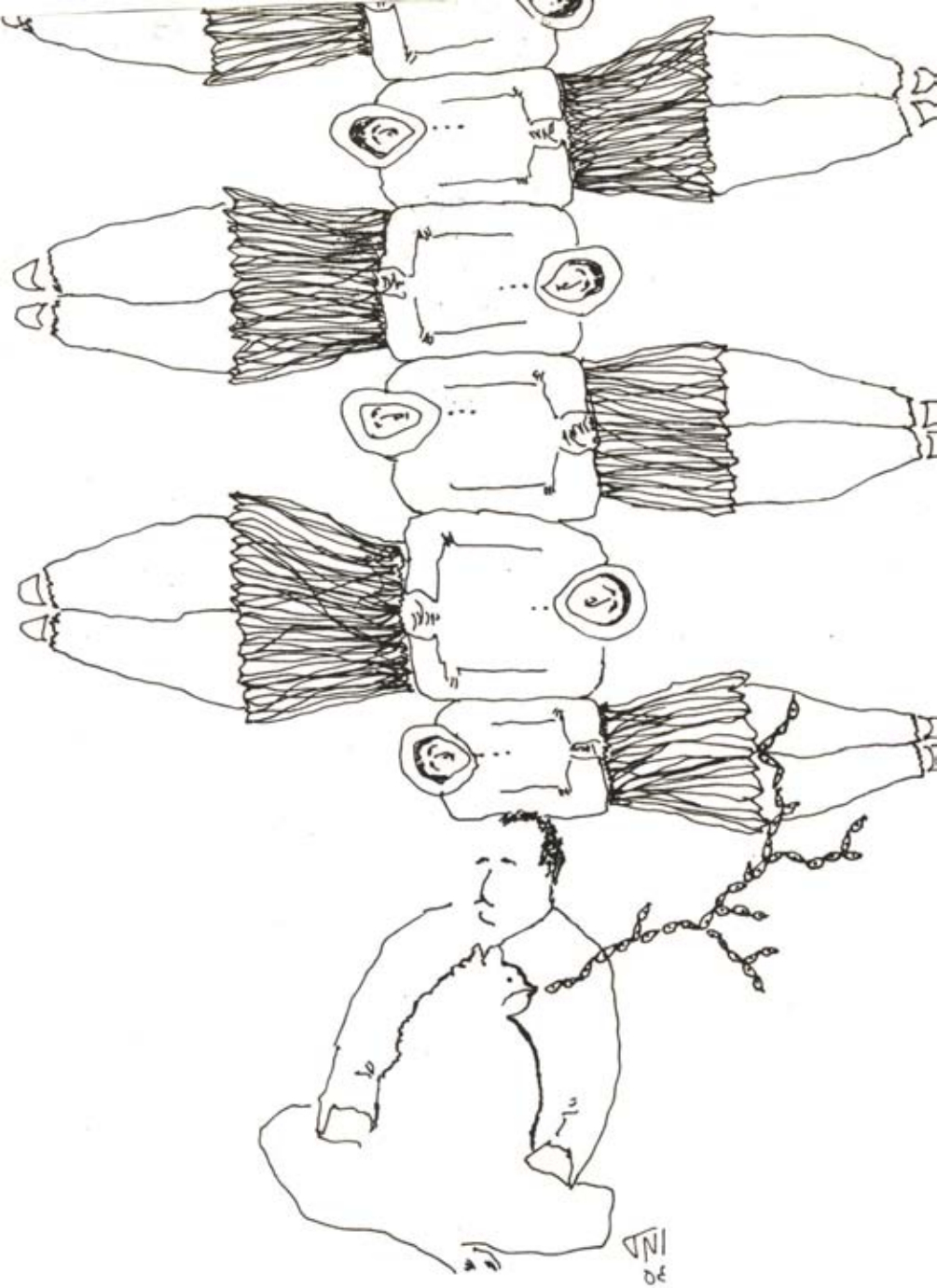




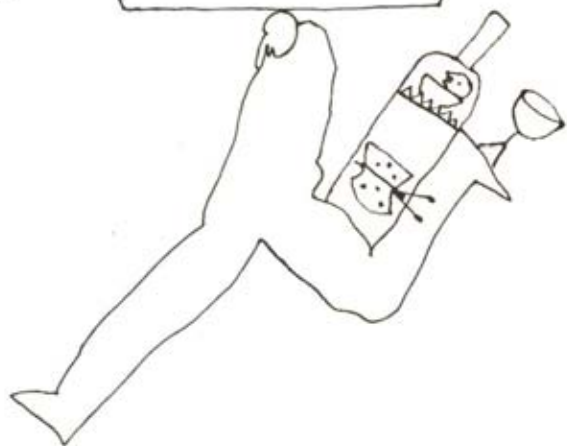
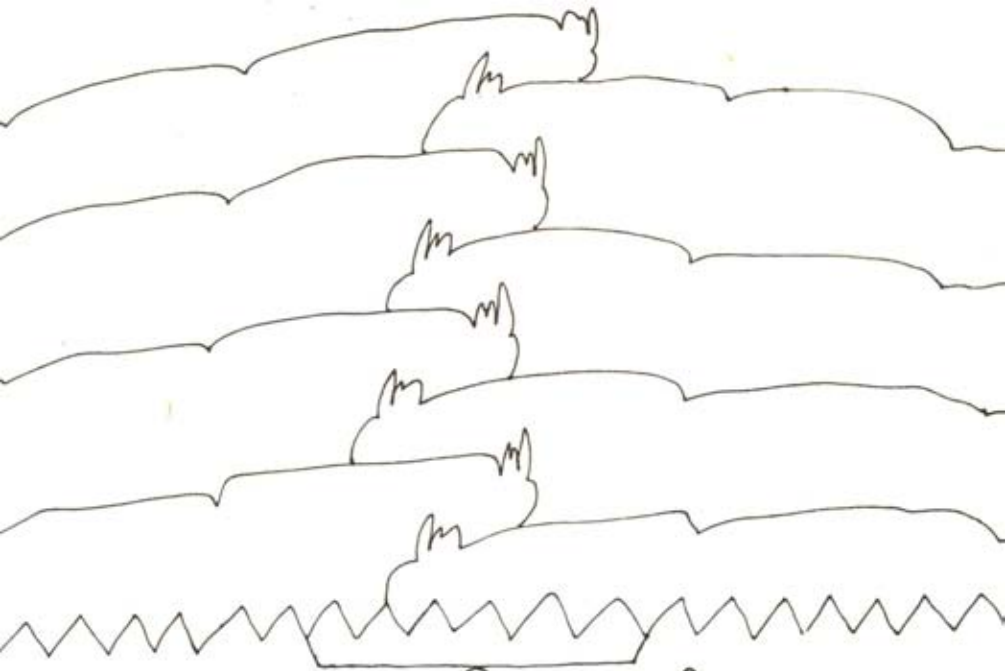






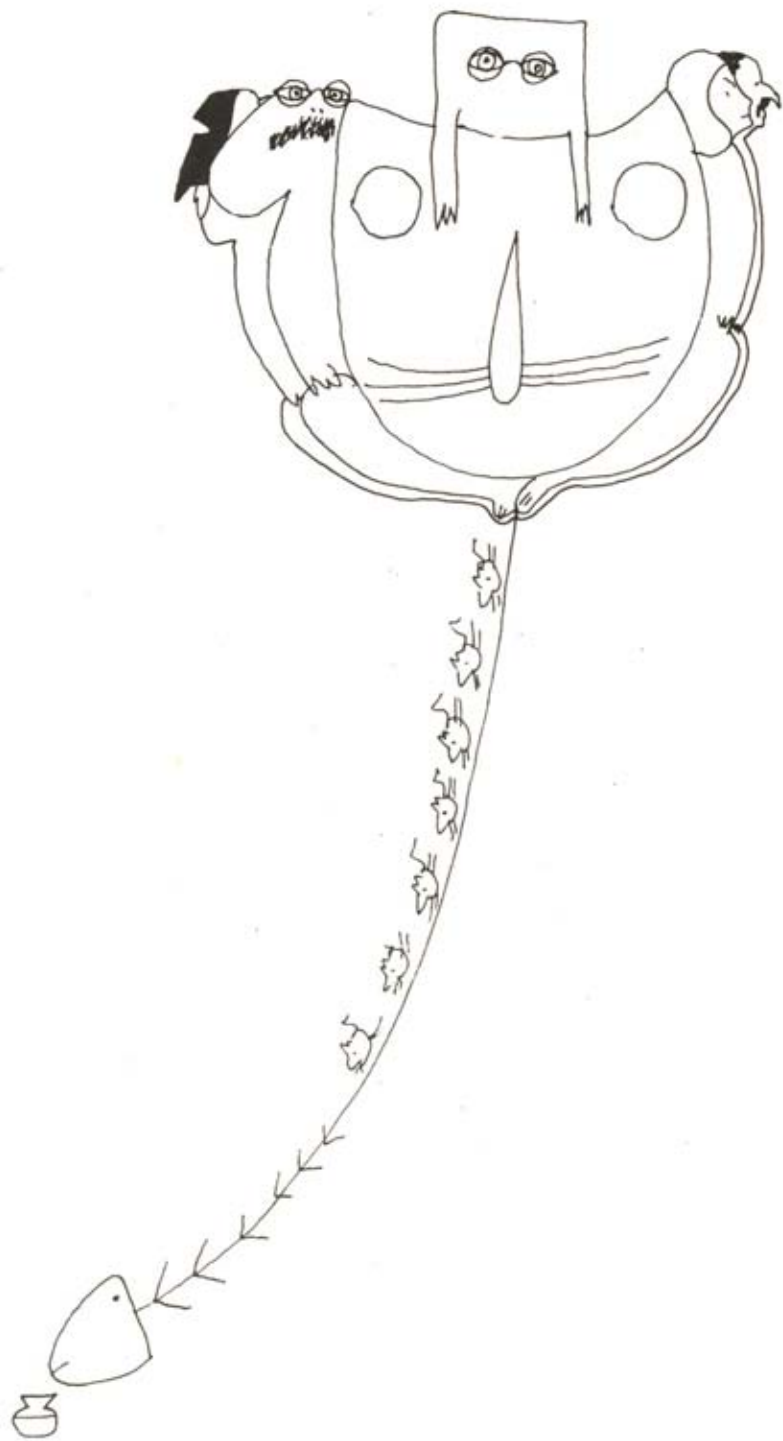


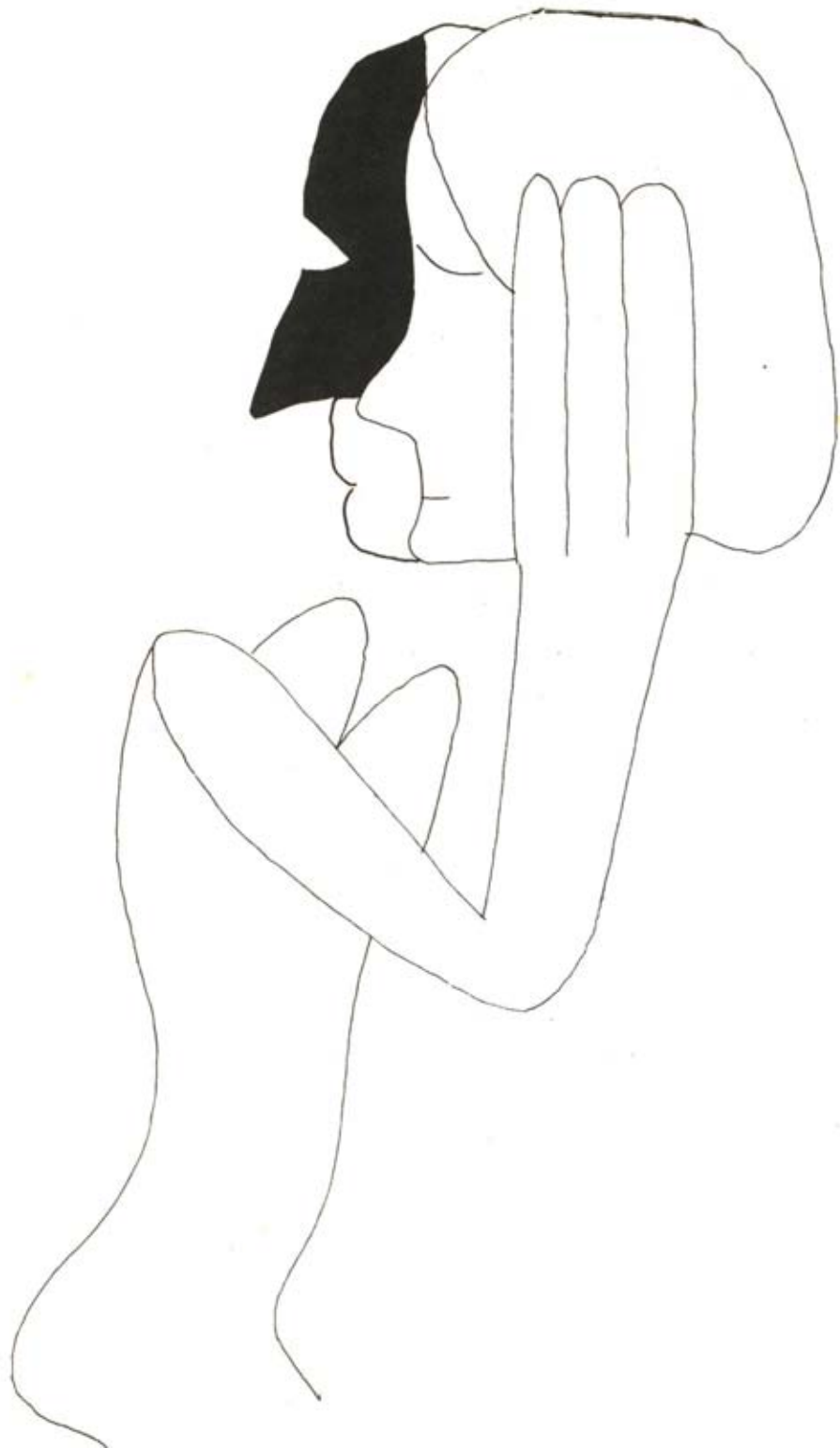


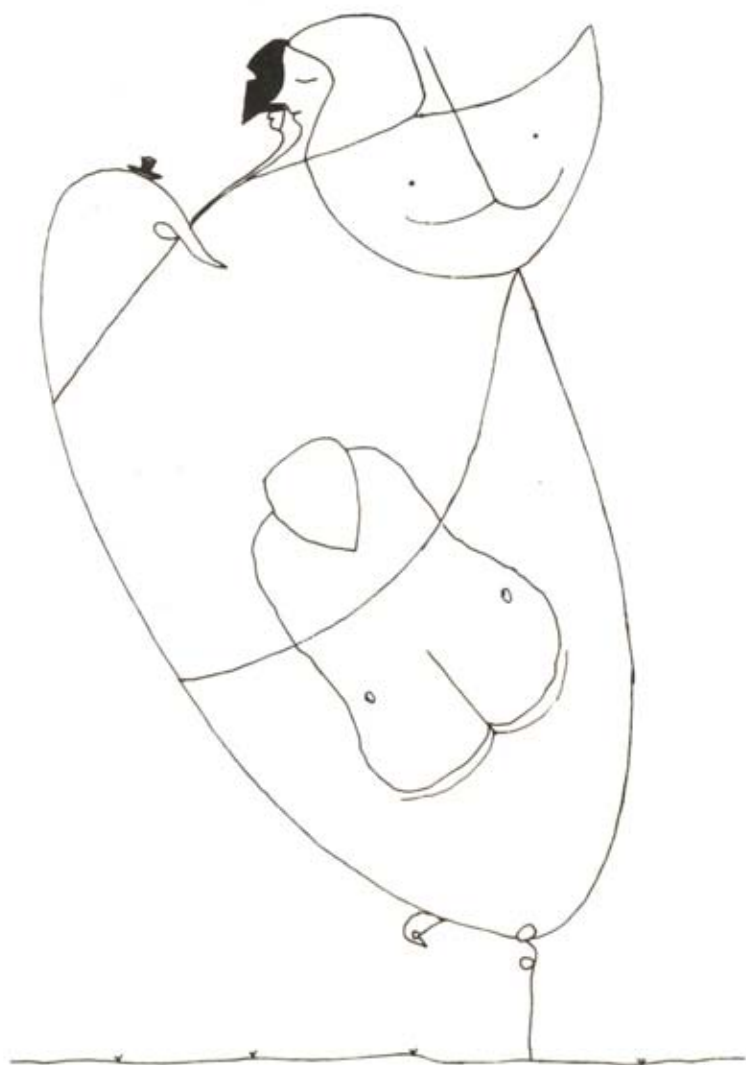


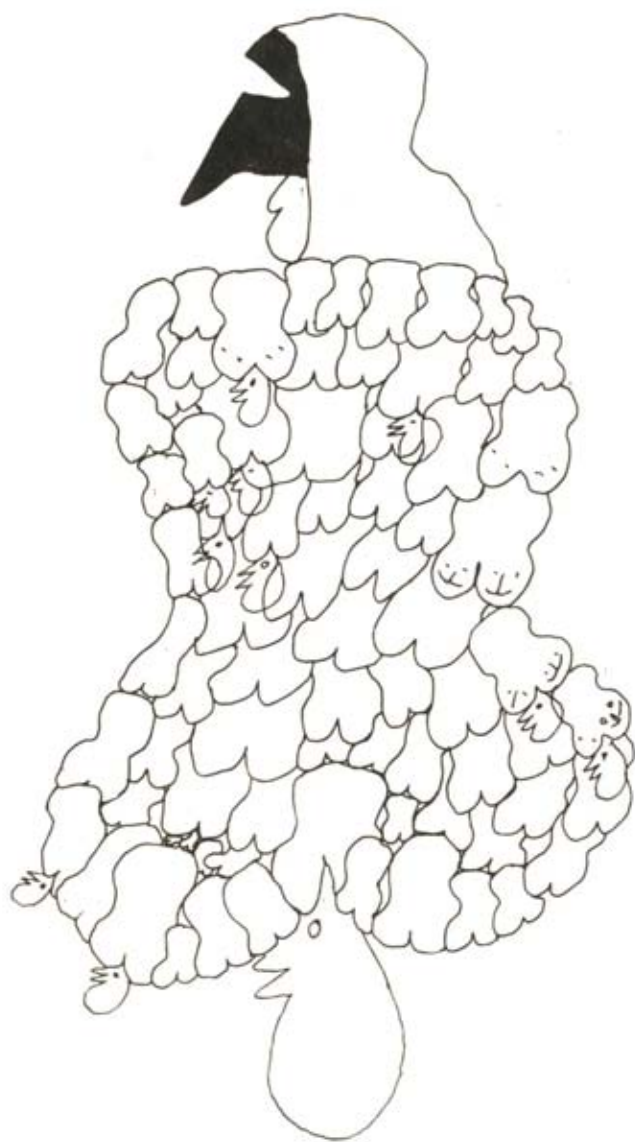


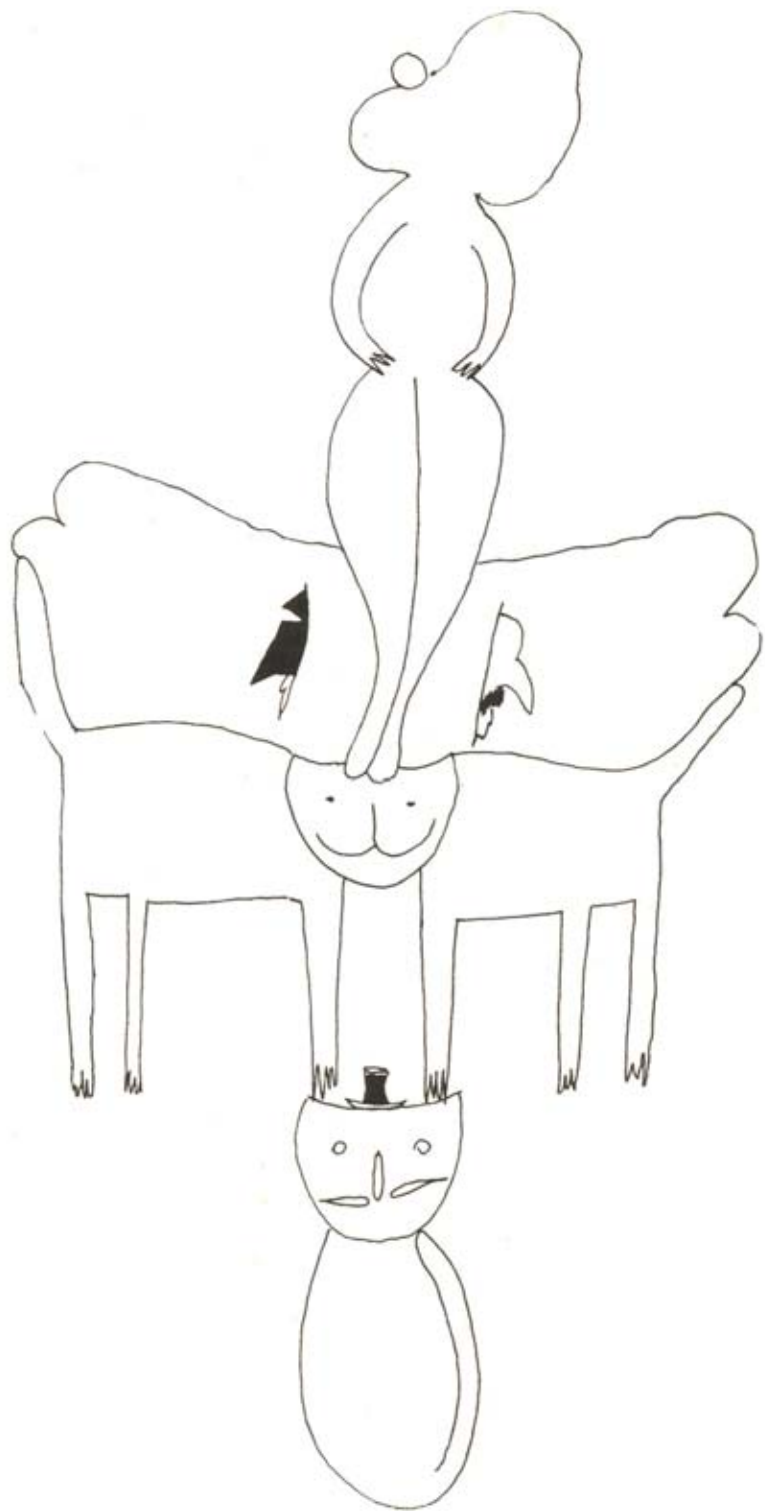


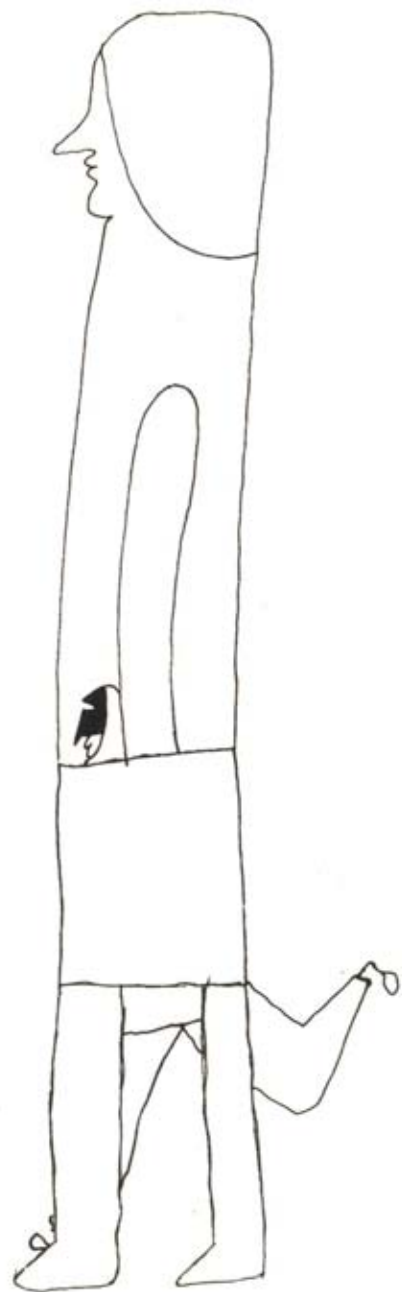


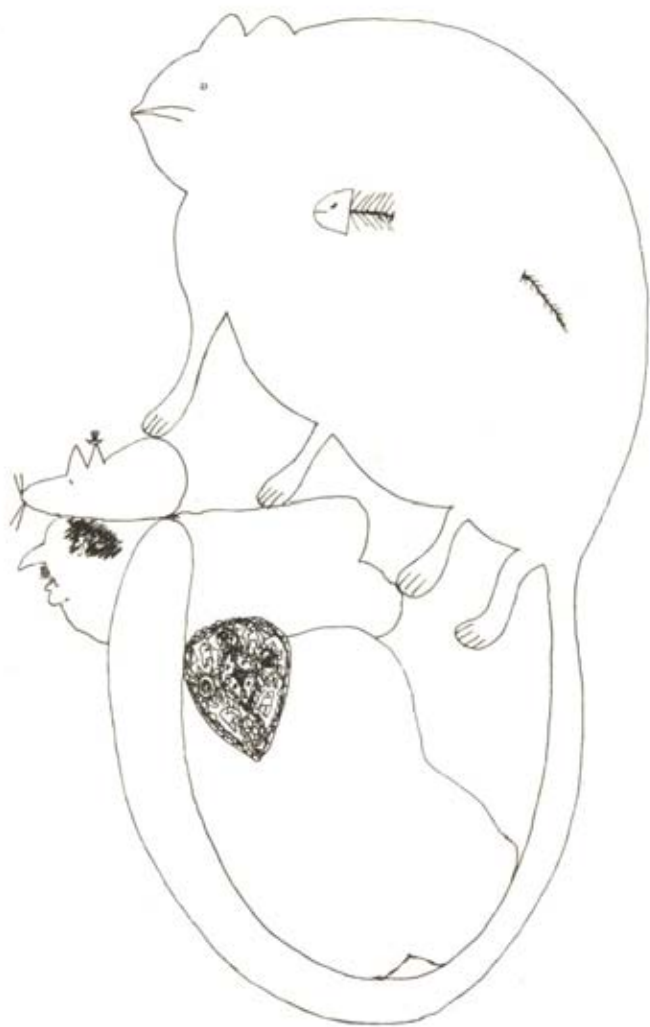




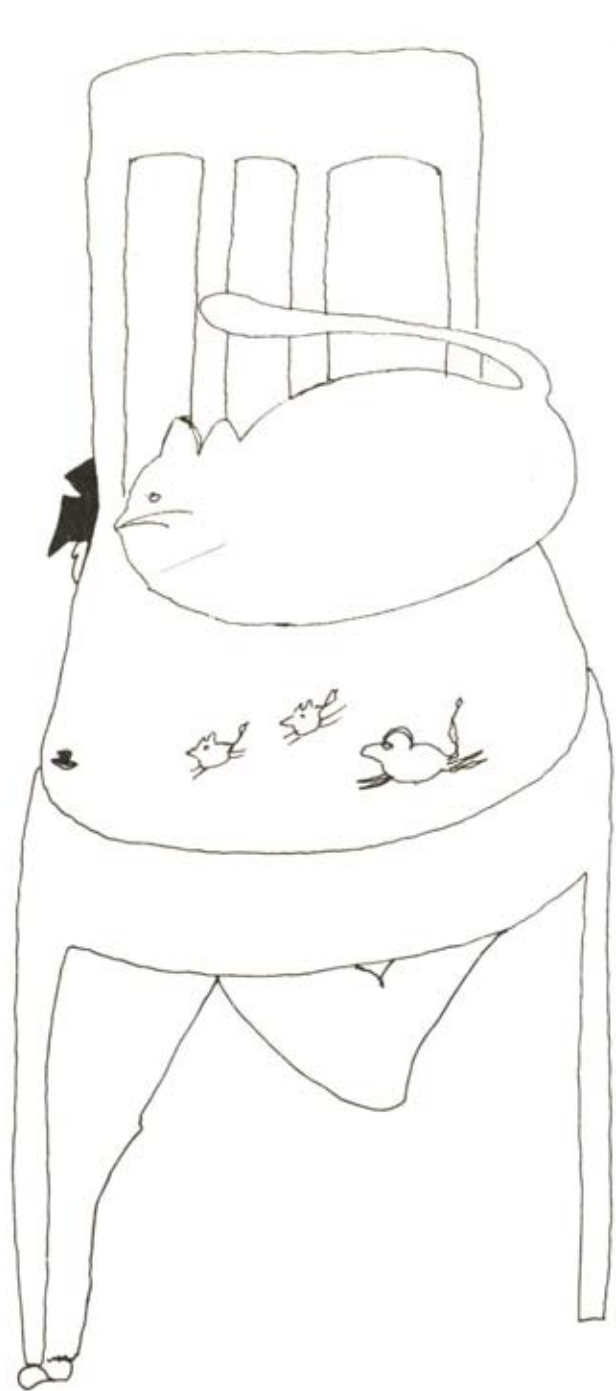




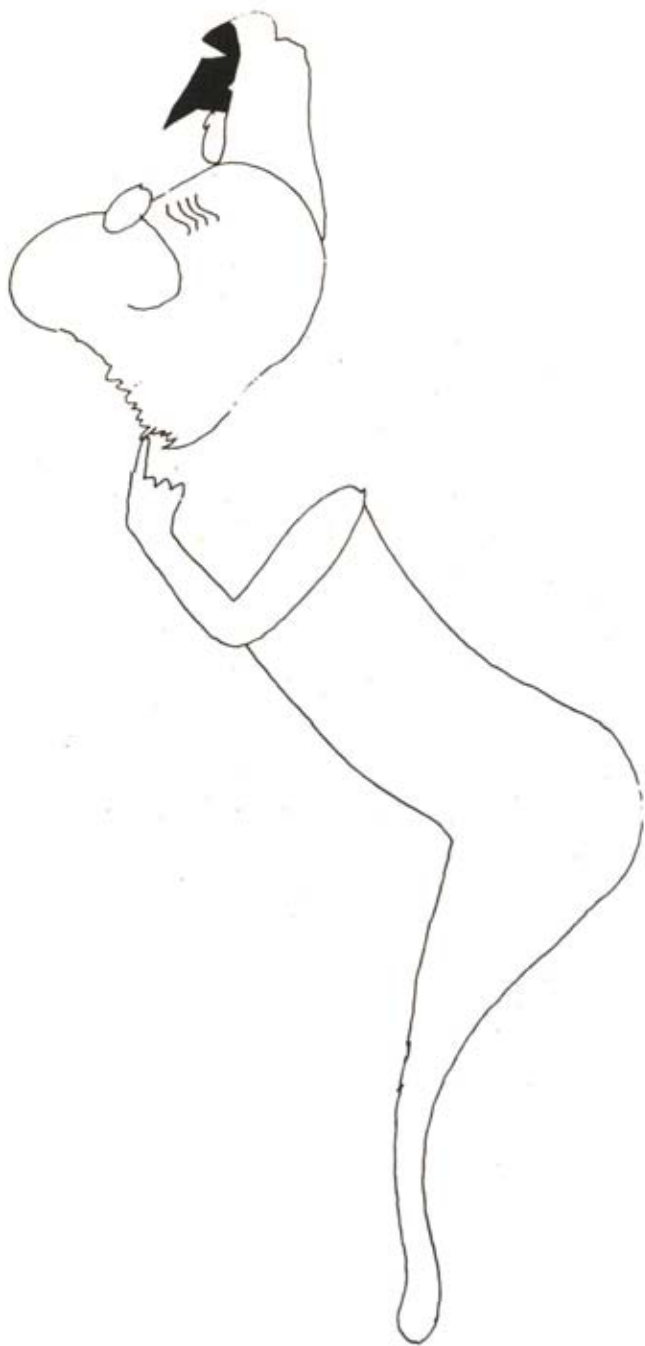


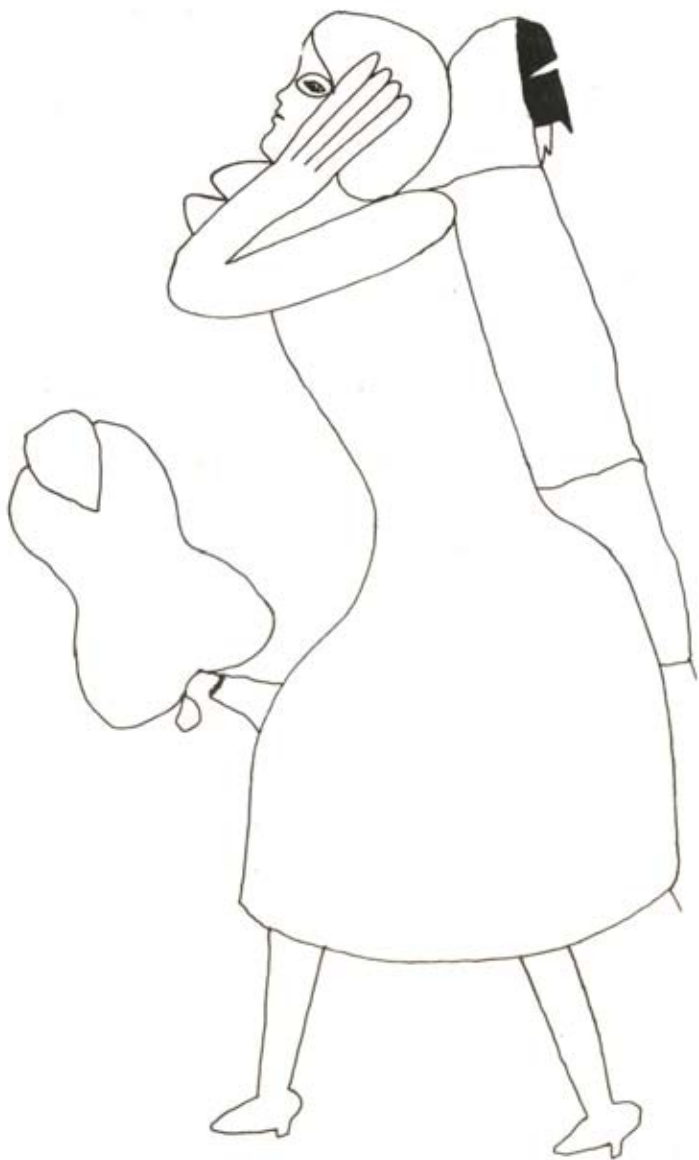


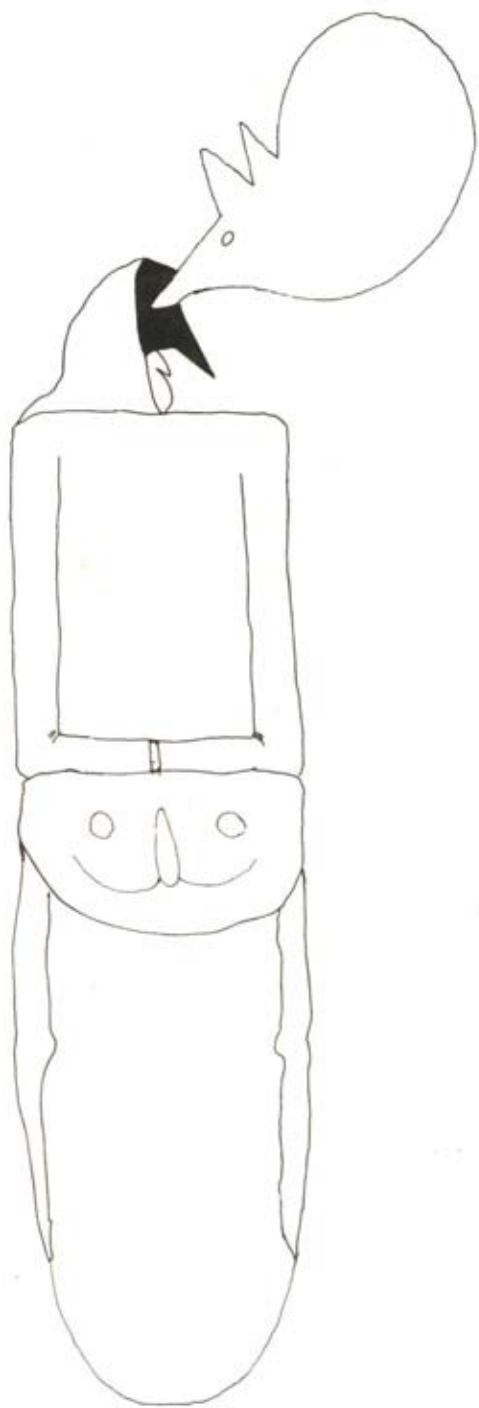


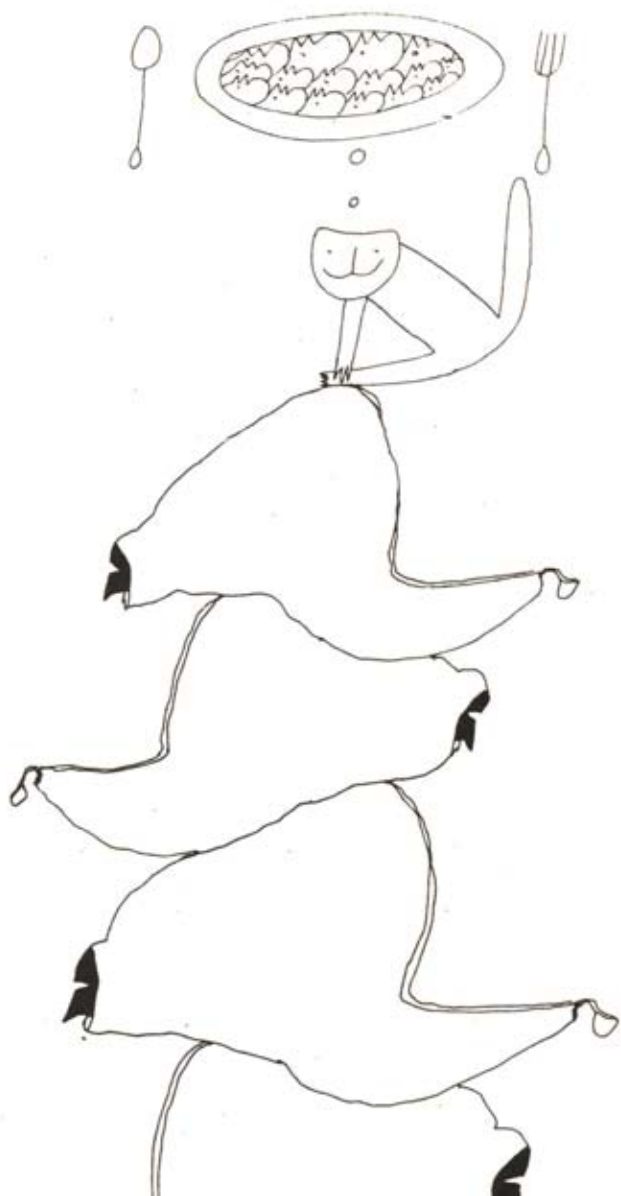


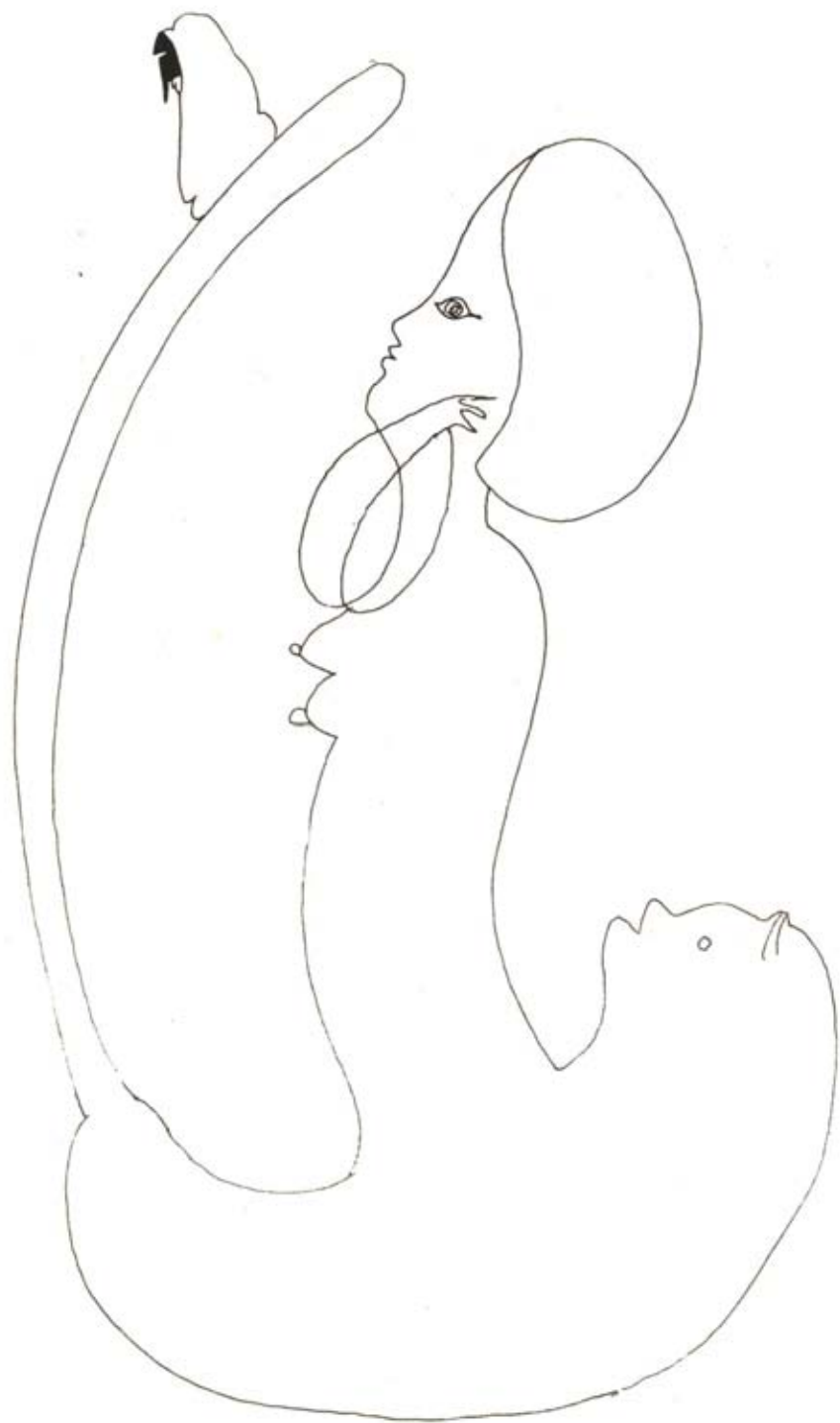


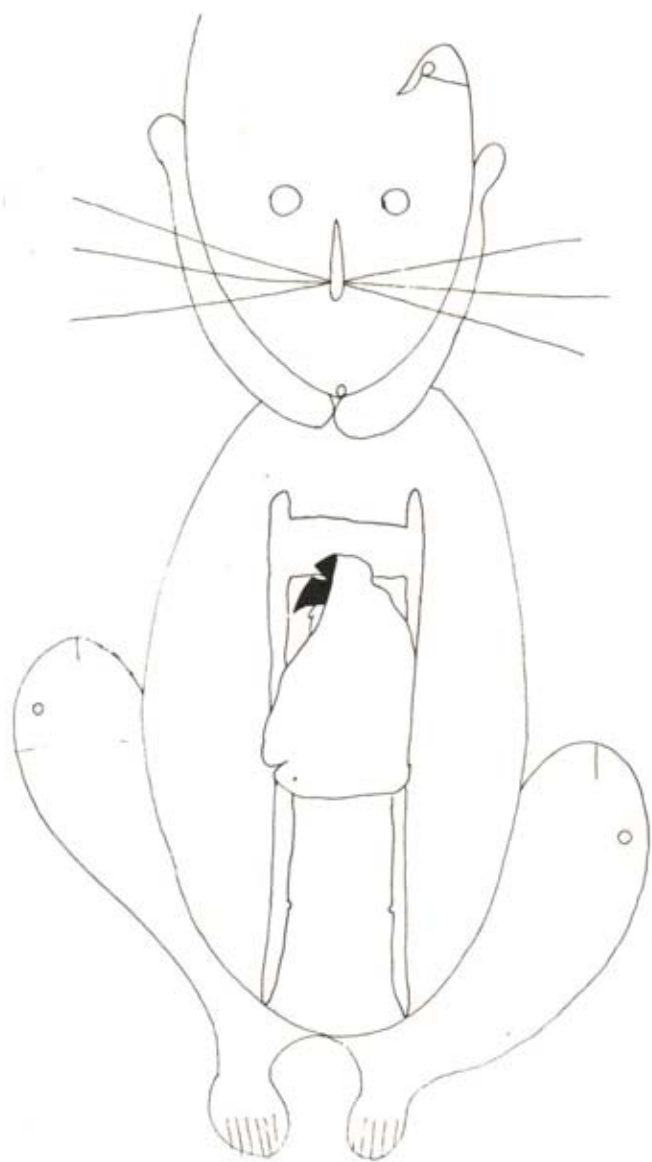




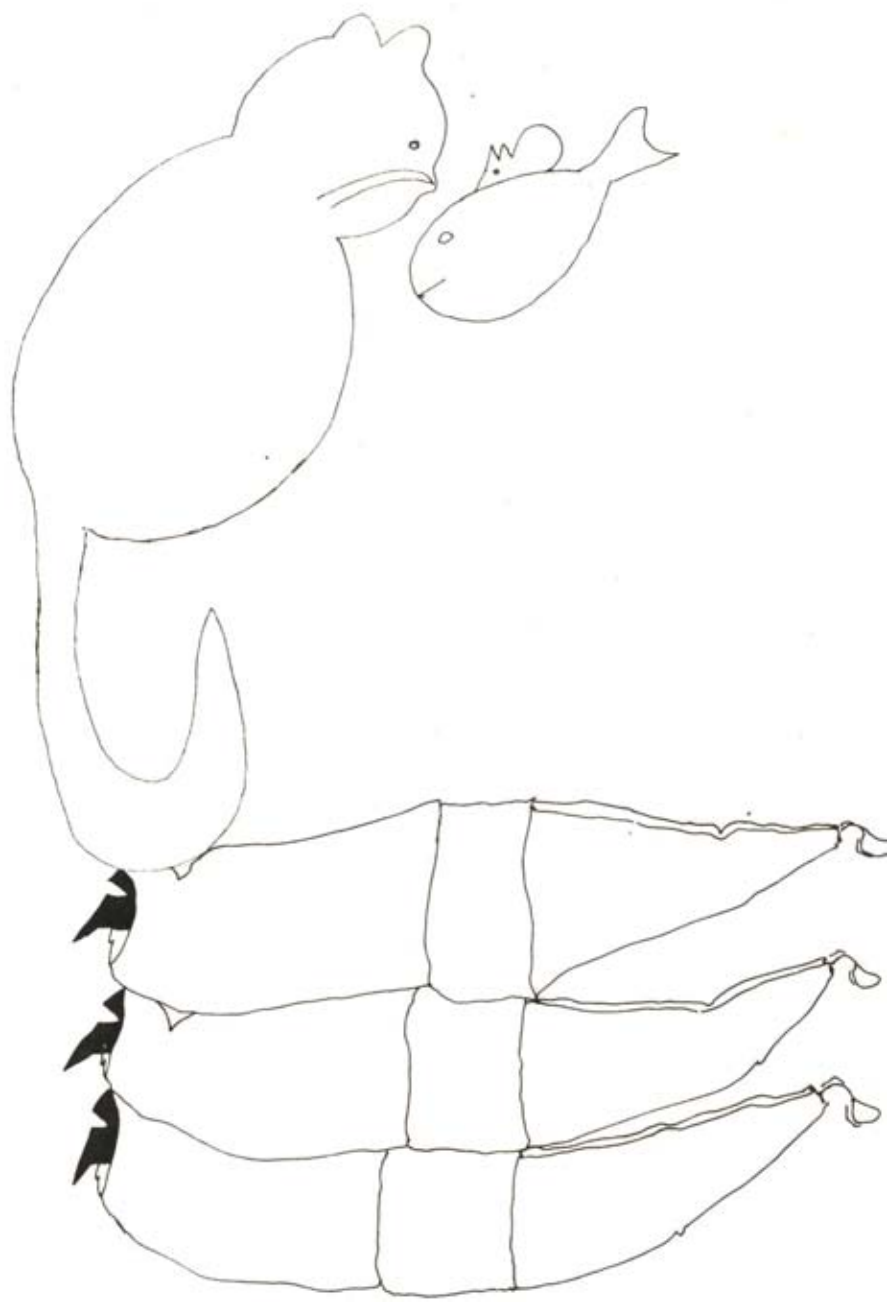


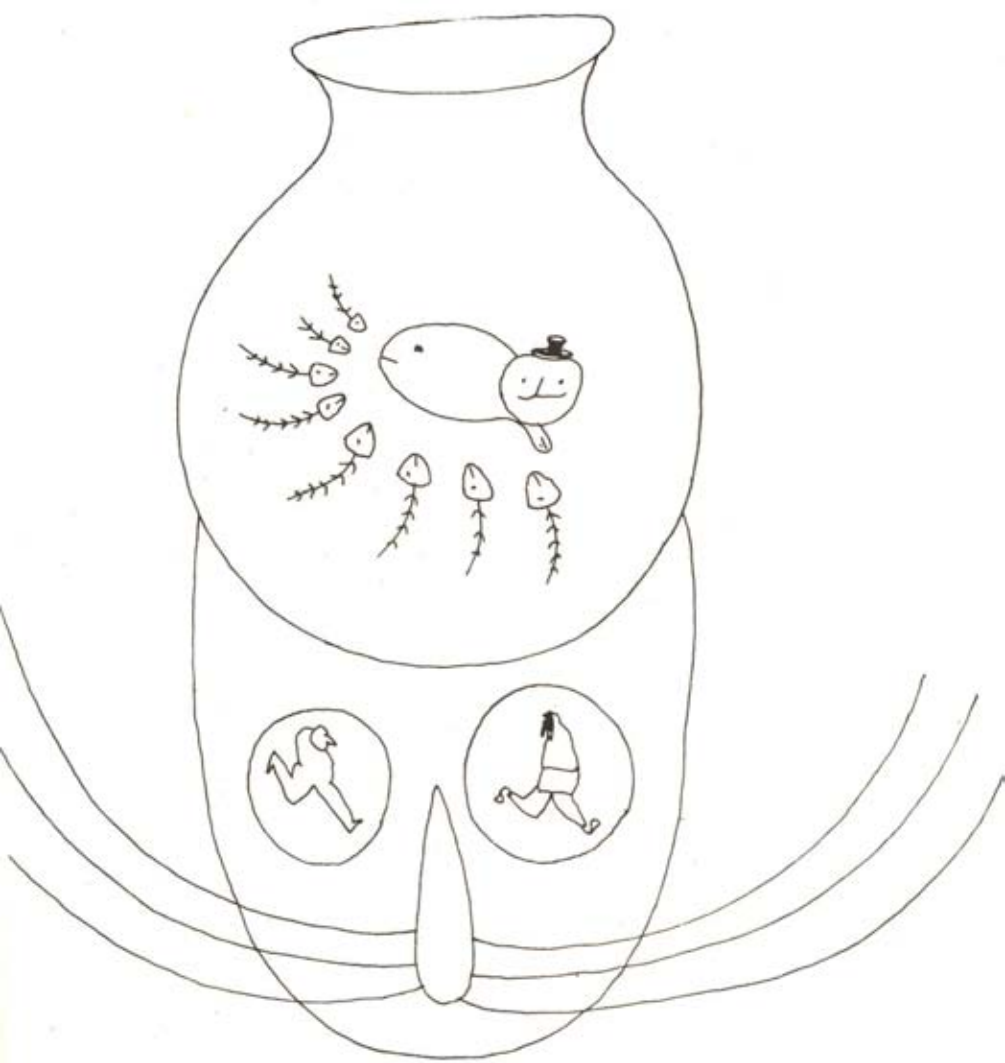


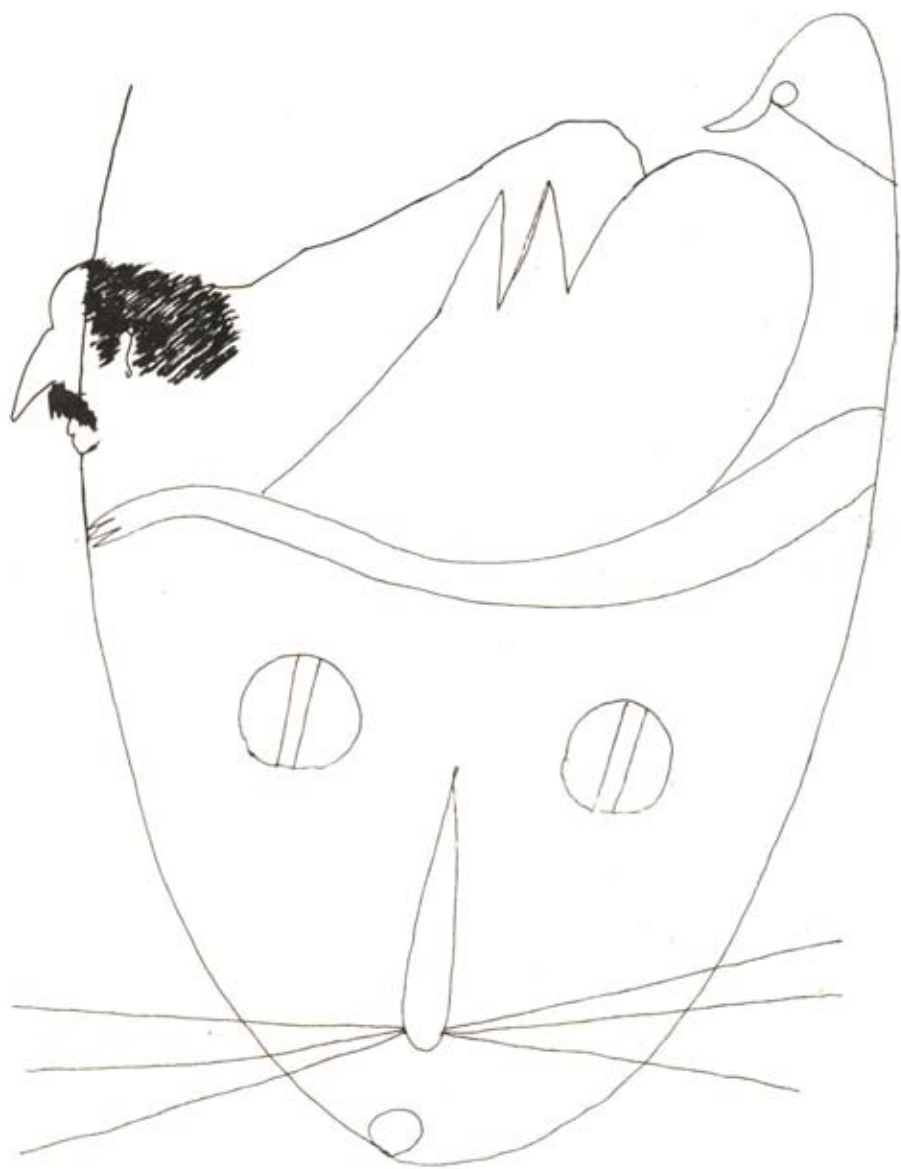


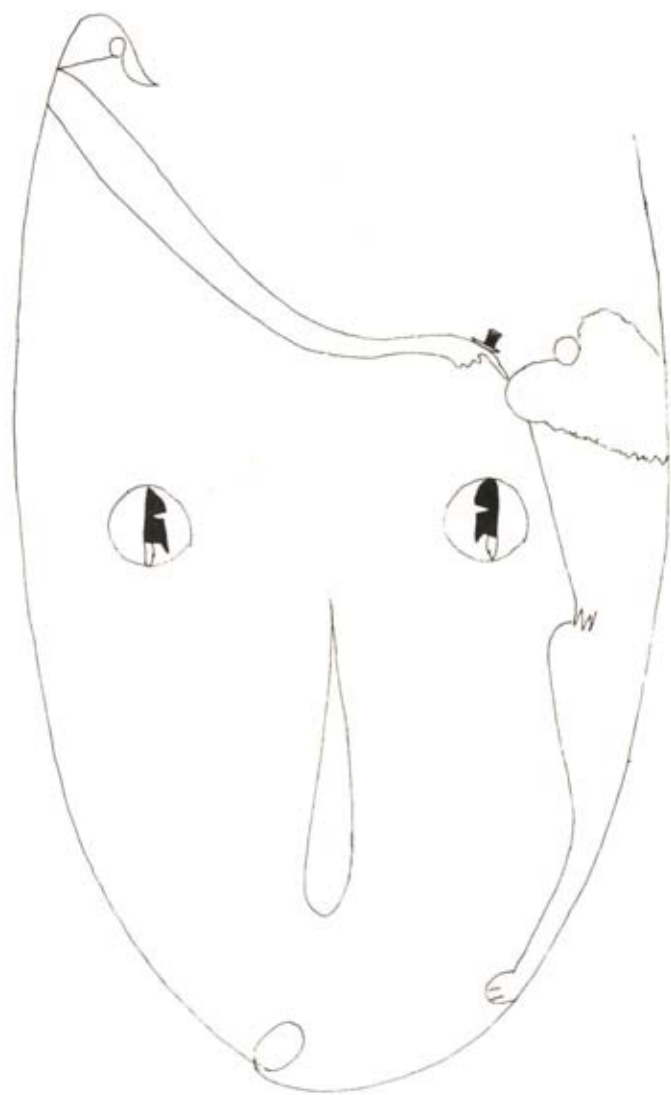


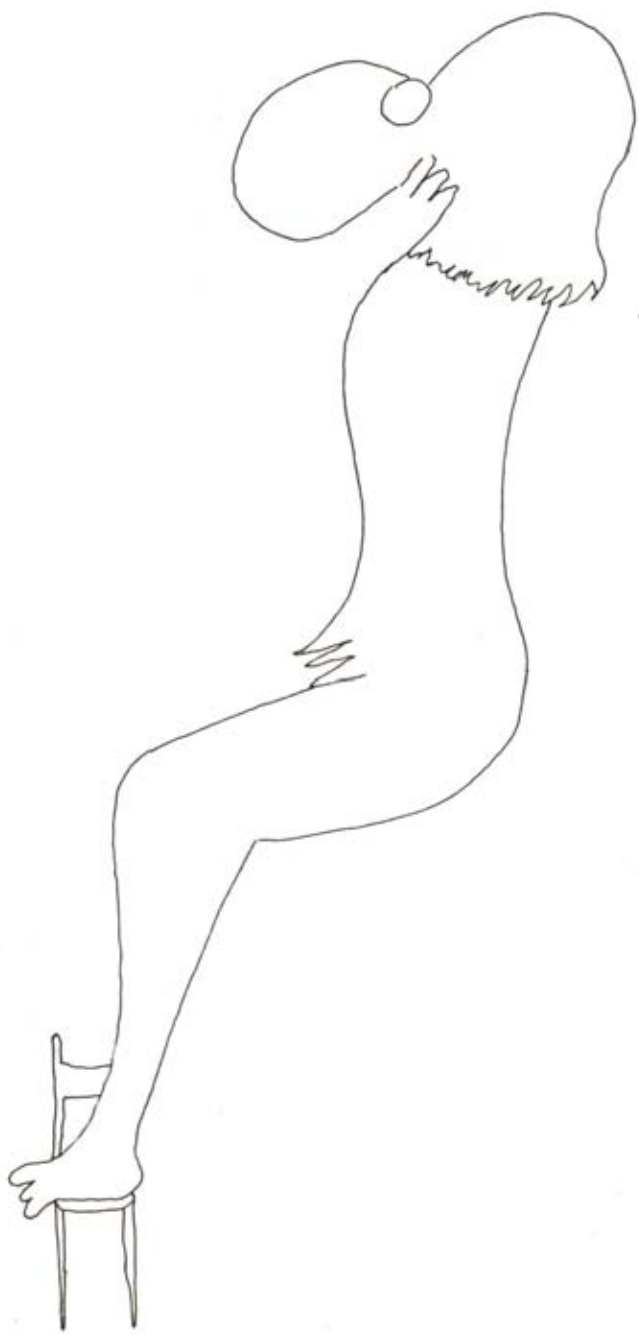


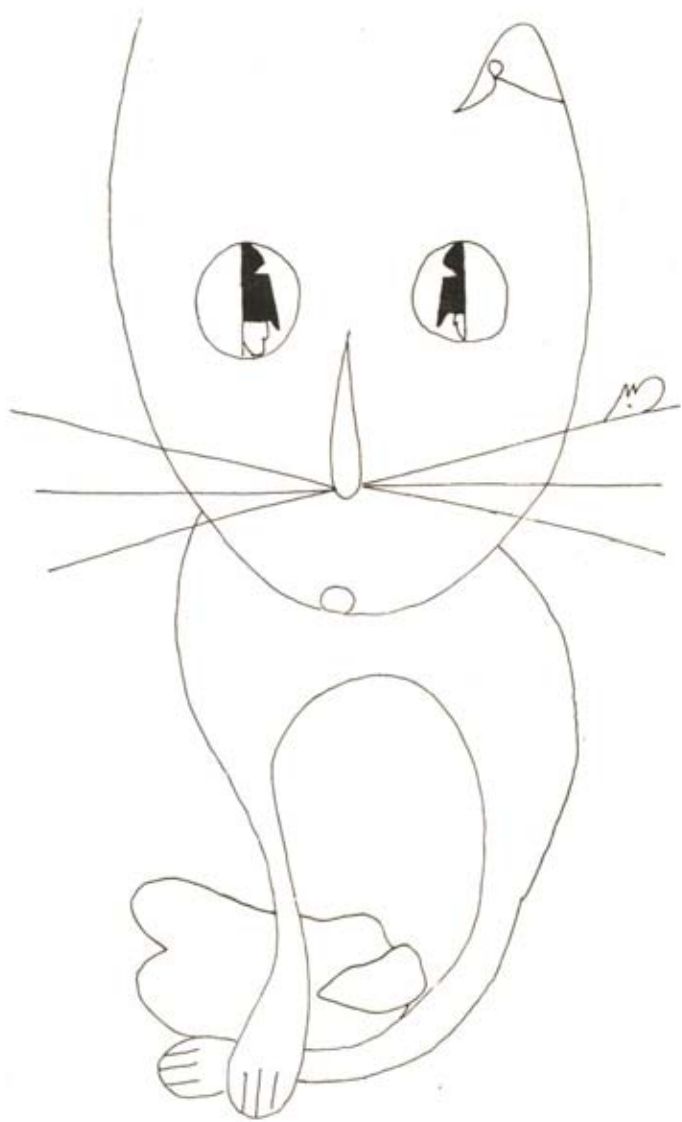














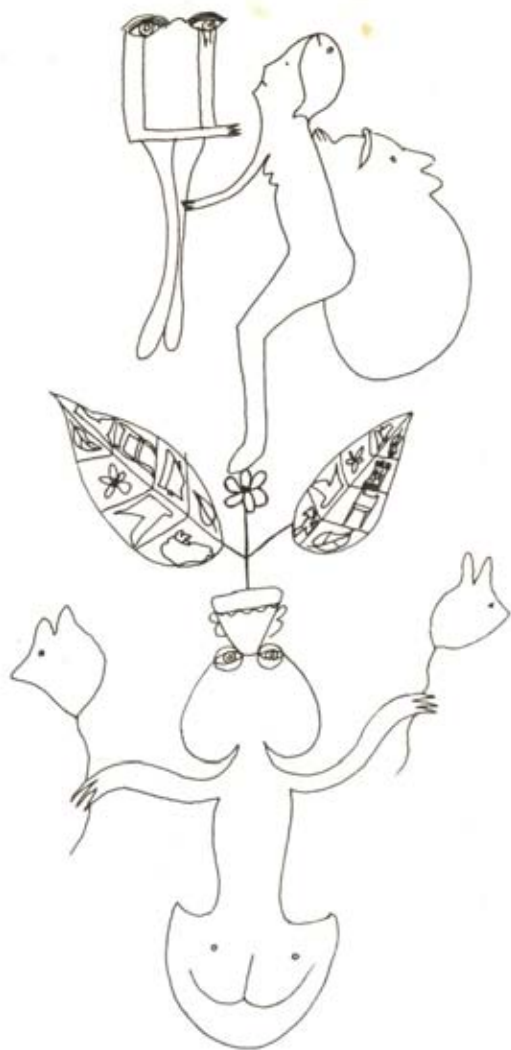
**about the authors:**

**BIDJAN ASSADIPOUR,**

Born in Bandar Pahlavi, 1946, B.A. in Economics, Tehran University, editor of Tahghighat - e - Eghtesadi (economic journal, Tehran University), Contributor to Kayhan, Kayhan Yearbook, Negin, Ettelaat, Tamasha, Ferdosi. «Molla Nasreddin» a book which contains his works is published.

**PARVIZ SHAPOUR,**

Born in Tehran, 1923, B.A. in economics Tehran University, inspector, Ministry of Finance, contributor to Ferdosi, Kayhan Yearbook, three collections of drawings published, single-man exhibition, Tehran, 1975.



To Wendy And Ardeshir Mohassess





اشارات مُروارید

**ENTERTAINMENT BOOK**  
**BIDJAN ASSADIPOUR & PARVIZ SHAPOUR**

First Edition

Technical Work By Fereidoun Soltani

Morvareed Publications, Tehran, 1976.

# Entertainment Book

A Joint Sketch By  
**Bidjan Assadipour & Parviz Shapour**

